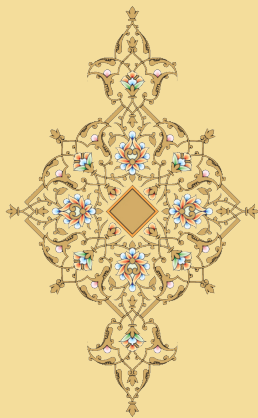




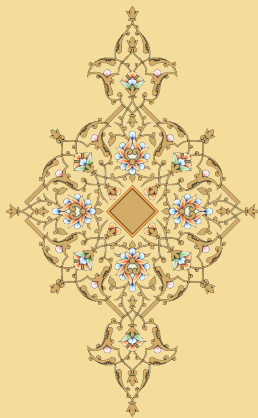
معاونت تحریک، آموزش و حقوق شہرزی
معاونت حقوقی ریاست جمہوری

مجموعہ چکیدہ مقالات
سومین ہمایش ملی
انقلاب اسلامی
و حقوق بشر و شہروند

بہمن ۱۴۰۱





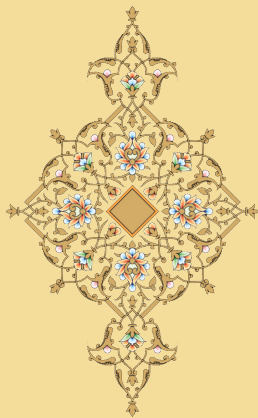


مجموعه چکیده مقالات سومین همایش ملی انقلاب اسلامی و حقوق بشر و شهروندی

(شماره مجوز ISC: ۱۲۷۰۶-۱۲۲۱-۰۱)

معاونت حقوقی رییس جمهور
معاونت تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی

بهمین ۱۴۰۱





انديشگده حقوق بشرو شهروندی
دانشگاه امام صادق (ع)



قوه قضائیه
دادستانی کل کشور



معاونت تحقیقات
آموزش و حقوق شهروندی



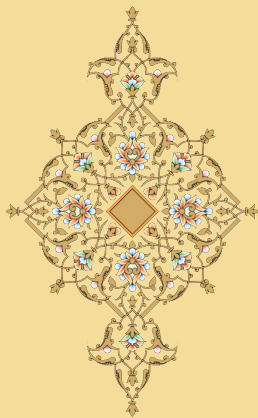
معاونت قوانین
مجلس شورای اسلامی



مجمع حقوقدانان
انقلاب اسلامی



قوه قضائیه
دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری



فهرست

دییاجه ۵

فصل اول: حقوق زنان و خانواده ۹

کاربست مصلحت در صیانت از حقوق و آزادی های زنان مسلمان ۱۱

چالش های حقوقی حضور زنان ورزشکار در فضای مجازی ۱۲

بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی، اصلی مغفول و نیازمند احیای مجدد ۱۵

چالش های گفتمانی و قانونی حق برپوشش در ایران ۱۶

پیامدهای تغییرات اقلیمی و توانمندسازی زنان ۱۷

بازنگری در نظام دادرسی دعاوی خانواده ۱۹

نقد رویه حاکم در خصوص عدم اعطای قیمومت به مادران مطلقه ۲۰

بررسی نسبت مفهوم خشونت اقتصادی علیه زنان با آموزه های اسلام ۲۱

نقض حقوق زنان در منظومه حقوق بشر امریکایی؛ ۲۲

مبانی فقهی حقوقی مشارکت های سیاسی اجتماعی زنان از منظر حقوق شهروندی ۲۳

فصل دوم: حقوق عامه ۲۵

پیوست «مردم‌داری» در قانون‌گذاری ۲۶

مفهوم «ملت» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ۲۸

راهکارهای برقراری عدالت در تعیین حداقل حقوق کارگران ۲۹

آئین مطلوب تصویب عوارض شوراهای محلی در راستای صیانت از حقوق عامه ۳۰

رهیافت‌های صیانت از حقوق اساسی ملت در سیاست جنایی قضائی ۳۱

حقوق اداری، بستری برای تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران ۳۳

نقش دعوای الزام به تدوین آیین‌نامه اجرایی در اجرای قانون اساسی ۳۵

نقش نهادهای حاکمیتی و تقنینی در تأمین حق بر سلامت شهروندان ۳۷

نقش قوه قضائیه در احیای حقوق عامه ۳۹

ارزیابی اصول دادرسی عادلانه در مراجع شبه قضایی از منظر حقوق شهروندی ۴۰

حقوق و تکالیف حاکم در برابر مردم با در نظر گرفتن مؤلفه‌های حقوق شهروندی ۴۲

ارزیابی شیوه‌نامه اجرایی آئین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۴۰۱ ۴۳

نگاهی به حقوق اساسی مغفول مندرج در قانون اساسی و ۴۵

لزوم آموزش حقوق شهروندی به مردم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ۴۶

حق بر مسکن به مثابه حق شهروندی در نظام حقوقی ایران؛ ۴۸

جنبه‌های بی‌عدالتی در نظام تبعیض‌های مثبت ۴۹

حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی ایران ۵۰

تحلیل ماهیت حقوق عامه موضوع اصل ۱۵۶ قانون اساسی و ۵۱

حق مشارکت سیاسی معلولان در نظام حقوقی ایران ۵۲

حقوق شهروندی به سبک شهید سلیمانی ۵۴

نظام شناسایی و وضع و صیانت از آزادی‌های مشروع ۵۵

نقش قوه مجریه در پیشگیری و کنترل بزهکاری از منظر حقوق شهروندی ۵۶

دلالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق شهروندی؛ ۵۸

حقوق شهروندی و لزوم بازنگری در مفهوم تنقیح قوانین و ۶۰

بررسی فقهی حقوقی عبارت مخل مبانی اسلام اصل بیست و هفتم ۶۱

فصل سوم: حقوق فناوری، فضای مجازی و رسانه ۶۳

تأثیر توسعه فناوری‌های بر افکن در حقوق شهروندی ۶۴

مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی رسانه در افشای اطلاعات اشخاص ۶۶

- ۶۷.....جستارهایی پیرامون حق بر فراموشی و حق برگمنا می
- ۶۸.....«قانون» لازمه تحمیل اقتدار به مردم؛ مطالعه موردی ساترا
- ۷۰.....آزادی های مشروع در فضای مجازی؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و چین
- ۷۱.....اصول اساسی ایمن سازی هوش مصنوعی در پرتو حقوق بشر منفی
- ۷۲.....محدودسازی دسترسی به اینترنت در شرایط اضطراری
- ۷۳.....بایسته های حقوق بشری هوش مصنوعی مبتنی بر کلان داده ها ...
- ۷۵.....پیشگیری وضعی از جرایم مرتبط با رمز دارایی ها
- ۷۵.....آسیب شناسی حقوقی سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران ...

فصل چهارم: حقوق دولتی ۷۷.....

- ۷۸.....بررسی انتقادی و آگداری حق استفاده از اراضی ملی و دولتی ...
- ۷۹.....امکان سنجی استفاده از سازوکارهای حقوقی برای الزام به شفافیت ...
- ۸۰.....آسیب شناسی عملکرد سازمان بازرسی کل کشور ...
- ۸۲.....جایگاه، ساختار و صلاحیت های دیوان عدالت اداری در سنجه حقوق ...
- ۸۴.....امکان سنجی ارجاع دعوی مربوط به اموال دولتی به داوری
- ۸۵.....ماهیت حقوقی بیانیه گام دوم انقلاب و جایگاه آن در هرم هنجاری ...
- ۸۶.....آسیب شناسی هیأت عالی تجدید نظر وزارتین با تأکید بر حق دسترسی ...
- ۸۸.....بررسی تطبیقی مسئولیت مدیران از منظر قاعده انتظار مشروع ...
- ۸۹.....آسیب شناسی سیاست جنایی تقنینی ایران پیرامون و آگداری اراضی ...

فصل پنجم: حقوق توسعه و پیشرفت ۹۱.....

- ۹۲.....ضرورت و سازوکارهای توجه به حقوق عامه در وضع قانون برنامه هفتم
- ۹۳.....قواعد مردمی سازی دولت در نظام تقنینی
- ۹۵.....ارزیابی برنامه های توسعه در پرتو اصل ۲۹ قانون اساسی ...
- ۹۷.....تحلیل و ارائه راهکار در خصوص حق های مغفول مندرج در اصل ...
- ۹۸.....مطالعه تطبیقی الزامات حقوقی تأسیس مراکز کلینیک های ...
- ۱۰۰.....تأخیر در تدوین و تصویب قانون برنامه؛ مصداق تضییع حقوق عامه

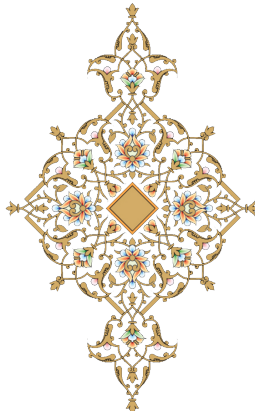
فصل ششم: حقوق محیط زیست ۱۰۱.....

- ۱۰۲.....چالش های حقوق محیط زیست و هوای پاک
- ۱۰۴.....تحلیل اقتصادی مجازات های جرائم زیست محیطی

- ۱۰۵.....چالش‌های محیط‌زیستی اینترنت ماهواره‌ای
- ۱۰۶.....ابعاد حقوق بشری تأثیر تحریم‌ها در آلودگی هوا و مسئولیت مدنی ناشی از آن
- ۱۰۷.....ارزیابی و نقد و بررسی قوانین و مقررات موضوع حقوق محیط زیست ...
- ۱۰۸.....حق بر محیط زیست سالم به عنوان حق بشری ...

۱۱۱..... فصل هفتم: حقوق بشر

- ۱۱۲.....نقدآیین‌نامه اجرایی شماره ۲۰۲۳/۱۵۲ مورخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا ...
- ۱۱۴.....«ضرورت، بایسته‌ها و الگوی مطلوب تأسیس نهاد ملی حقوق بشر...»
- ۱۱۶.....حق بر «مسکن مناسب» در حقوق بشر اسلامی
- ۱۱۸.....نظام‌شناسایی و وضع و صیانت از حقوق و آزادی‌های مشروع
- ۱۲۰.....تاریخچه و سیر تحولات نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در ایران
- ۱۲۲.....بازخوانی مکتب حقوق طبیعی و بررسی نسبت اعلامیه جهانی حقوق بشر...
- ۱۲۳.....توهین به مقدسات و سازوکار حقوق بشری
- ۱۲۴.....مبانی، جایگاه و آثار قاعده‌ی «حرمت و هن دین» در سپهر حقوق ...
- ۱۲۵.....نهاد ملی حقوق بشر؛ چیستی، چرایی و چگونگی
- ۱۲۶.....بررسی تحلیلی رویکردهای موجود در خصوص تشکیل نهاد ملی ...
- ۱۲۸.....ضمانت اجرای حراست از حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو ...
- ۱۳۰.....حریم خصوصی در عکاسی از منظر حقوق بشر و شهروندی



دیباچه

انقلاب شکوهمند اسلامی ۱۳۵۷، نقطه عطفی در زندگی جامعه ایرانی محسوب می‌شود؛ جامعه‌ای که سالها تجربه حکومت‌های استبدادی و در سال‌های منتهی به انقلاب، تجربه‌ی تلخ رژیم فاسد، خشن و خائن را از سر گذرانده است. ایران در سال‌های ماقبل از انقلاب، تجربه از دست دادن ۷ منطقه استراتژیک، نشانگر وطن‌فروشی و خیانت رژیم دست‌نشانده پهلوی را دارد.

مهمترین بخشی که پهلوی‌ها با از دست دادن آن، منابع بسیاری از نفت و گاز و آلومینیوم و حکومت کل خلیج فارس را از دست دادند بحرین در ۱۳۴۹ بود. البته واگذاری زمین راضاخان از همان روزهای کودتا شروع کرد. چنانکه در ۱۳۰۱، جنوب اترک مشتمل بر سرزمین‌های ایران شامل (سرخس کهنه، قصبه فیروزه، قریه حصار و حاشیه شیخ حسینقلی) را به شوروی واگذار کرد و با این خیانت در عمل ایران از این ثروت هنگفت آبی و سرزمین‌های حاصلخیز محروم گشت. بعدها در قرارداد سعدآباد در سال ۱۳۱۶، آراارات کوچک که در خلال لشکرکشی ترک‌ها به اشغال نظامیان ترک درآمد بود، به دولت ترکیه واگذار شد و به این ترتیب ایران یکی از کلیدی‌ترین گذرگاه‌های خود به اروپا را از دست داد. در همین معاهده ۱۳۱۶، یک منطقه استراتژیک نفتی نیز از دست رفت. مناطق نفتی مورد مناقشه که عراق در معاهده ۱۳۱۱ سهم برابر را به ایران داده بود، توسط راضاخان به عراق واگذار شده و حق کشتیرانی در اروندرود به جز ۵ کیلومتر از آب‌های مقابل آبادان

تا خط تالوگ را نیز از ایران سلب می‌کند. در پیمان سعدآباد، یک وطن فروشی محرمانه در سیستان نیز آشکار شد؛ ۱۶۰ فرسخ از خاک ایران شامل مناطق (هشتادان، موسی‌آباد، شمتیغ و...) در شرق ایران به افغانستان واگذار گردید و در مقابل قرار شد ایران و افغانستان به طور مساوی از آب هیرمند استفاده کنند که این مورد نیز با ساخت سدی روی هیرمند توسط افغانستان زیر پا گذاشته شد و ایران از حبابه خود محروم ماند. محمدرضا پهلوی نیز به پیروی از پدرش در ۱۳۳۳، هم قصبه فیروزه در ۳۰ کیلومتری قوچان را از دست داد و هم مناطقی در شمال غرب کشور مشتمل بر مغان، نمین، باغچه‌سرا، یدی‌اولر، دیمان، تازه‌کند و بهرام‌تپه؛ و البته هیچ مصیبتی بزرگتر از جدایی بحرین نیست.

همه این خیانت‌ها قبل از ۱۳۵۷، و در ادامه همه خونهایی که باعث شد دیگر سرزمینی از ایران جدا نشود نشانگر تفاوت دو گونه حکومتداری است. حکومتی که سرزمین را از دست می‌دهد و حکومتی که سرزمین را نگه می‌دارد و البته کرامت و ارزش انسان متمدن را به مردم ایران بازمی‌گرداند. «مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها سبب امتیاز نخواهد بود.» (اصل ۱۹) این تصریح اولین گام برای نفی سلطنت به عنوان نفی همه بدبختی‌های مردم ایران در صدها سال قبل بود. و در ادامه «در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود، از راه انتخابات: انتخاب رئیس جمهور، نمایندگان مجلس شورای اسلامی، اعضای شوراها و نظایر اینها، یا از راه همه‌پرسی در مواردی که در اصول دیگر این قانون معین می‌گردد.» (اصل ششم) و این گامی است برای تغییر هرم قدرت به نفع مردم و حقوق عامه.

اکنون بعد از ۴۴ سال حکمرانی با شیوه‌ای از حکمرانی کاملاً متفاوت از قبل و مردم بنیاد، برای تحقق آرمان‌های انقلاب اسلامی، نیازمند تقویت و پامردی بر مزایای و دستاوردهای انقلاب و ضمناً

دفع و رفع تهدیدات آن هستیم. مهمترین تهدیدات، فساد، پرده‌پوشی، تبعیض، نظارت ناپذیری، عدم پاسخگویی، دوری از ارزش مردم‌داری و قانون‌گریزی است.

اینجا نیاز است که به مردم به عنوان پیشران‌های واقعی انقلاب و سرمایه اجتماعی نگاه کرد و بدین ترتیب برای ایفا و استیفای حقوق آنها برنامه‌ای واقعی و موثر مبتنی بر تجربه حکمرانی در سال‌های اخیر تدارک دید. سومین همایش انقلاب اسلامی و حقوق شهروندی و عامه (۱۴۰۱): تلاشی است متعهدانه به مردم ایران زمین، که با همت دولت، دستگاه قضا و نهادهای مردمی اندیشگاهی و دانشگاهی، می‌خواهد اندیشمندان را در فرصت روزهای پرشکوه انقلاب اسلامی برای ارائه راهکارهای علمی، گردهم بیاورد.

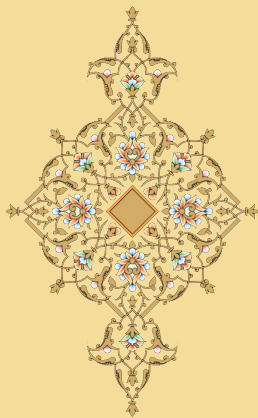
در سومین همایش (ISC) پیش‌رو که معاونت حقوقی ریاست جمهوری، اندیشکده حقوق بشرو شهروندی و دادستانی کل کشور با همراهی برخی دیگر از دستگاهها و مراکز علمی از جمله دانشگاه علوم قضایی، معاونت قوانین مجلس شورای اسلامی و مجمع حقوقدانان انقلاب اسلامی آن را در روز سه‌شنبه مورخ ۲۵ بهمن ۱۴۰۱ در قالب افتتاحیه و سه پنل تخصصی برگزار می‌کنند، بالغ بر ۷۵ مقاله پذیرفته شده و چکیده آنها در این کتاب در معرض و ملاحظه اساتید و پژوهشگران فرهیخته نمایه می‌گردد.

سید محمد مهدی غمامی

دبیر سومین همایش از سلسله همایش‌های انقلاب
اسلامی و حقوق شهروندی

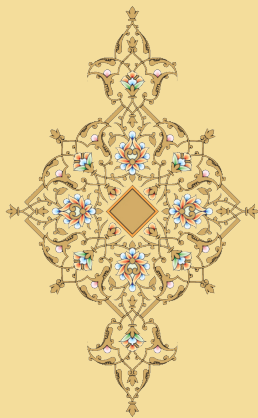
معاون تحقیقات، آموزش و حقوق شهروندی
معاونت حقوقی ریاست جمهوری

بهمن ۱۴۰۱





فصل اول:
حقوق زنان و خانواده



کار بست مصلحت در صیانت از حقوق و آزادی‌های زنان مسلمان

محمد مهدی ولدخانی^۱
زهرا بشارتی^۲

یکی از حوزه‌هایی که باید بر اساس فقه پویا، برای نیازهای جدیدی که در جامعه پدیدار میشود، پاسخ‌هایی درخور ارائه نمود، مقوله زنان است. مسائلی که در این حوزه در عصر جدید اتفاق افتاده، نیازمند برخورد عقلانی و نه از منظر تعصب به این بخش است. از جمله مهمترین این مسائل، حقوق و آزادی‌های زنان در خانواده و جامعه است که علیرغم اقدامات انجام شده تا کنون، به نظر می‌رسد بازنگری قوانین مربوط به آن با عنایت به سازوکارهای فقه پویا نیازمند توجه مضاعف از سوی نهادهای قانونگذار و مجری باشد. پژوهش حاضر با تکیه بر اندیشه‌های امام خمینی درباره حکومت و مصلحت و باروش تحلیل محتوا به این پرسش کلیدی که: نگرش مصلحت‌مدار به قوانین حوزه زنان چگونه می‌تواند از حقوق و آزادی‌های ایشان در خانواده و جامعه صیانت نماید؟ پاسخ داده است. یافته‌های این پژوهش بر تقویت حس کرامت زنان در خانواده و جامعه و نیز حضور مثبت اجتماعی ایشان از رهگذر اصلاح قوانین با تکیه بر سنجه‌های مصلحت دلالت می‌کند. بدیهی است با صیانت از حقوق و آزادی‌های زنان مسلمان می‌توان از توانایی و استعداد های نیمه از جامعه در جهت رشد و توسعه کشور استفاده مطلوب نمود.

کلمات کلیدی: زنان، حقوق، آزادی، مصلحت، حکومت اسلامی، اصلاح قوانین.

۱- رئیس کمیته قضایی مجمع تشخیص مصلحت نظام

۲- عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی

چالش‌های حقوقی حضور زنان ورزشکار در فضای مجازی امین پورنقی^۱

چکیده

■ با رشد و گسترش روزافزون شبکه‌های اجتماعی و نقش تأثیرگذار آنها، شاهد حضور چشمگیر و تأثیرگذار زنان در فضای مجازی هستیم. این حضور به ویژه برای زنان ورزشکار که در فضای مجازی به عنوان شهروند مجازی شناخته می‌شوند، چالش‌های فرهنگی، اجتماعی، قانونی، حقوقی، جنسیتی، مذهبی و روانشناختی را در ابعاد فردی و اجتماعی به همراه داشته است. اندیشمندان دینی و صاحب نظران دیدگاه‌های متفاوتی را در خصوص این چالش‌ها دارند. در این مقاله چالش‌های حقوقی و فقهی این حضور مورد بررسی قرار گرفته است. در بخش حقوقی می‌توان به منشور حقوق شهروندی و قانون مجازات اسلامی پرداخت. طبق ماده ۳۳ بند ح منشور حقوق شهروندی، «حق شهروندان است تا آزادانه و بدون

۱- استادیار دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

تبعیض از امکان دسترسی و برقراری ارتباط و کسب اطلاعات و دانش در فضای مجازی بهره‌مند شوند. این حق از جمله شامل احترام به تنوع فرهنگی، زبانی، سنت‌ها و باورهای مذهبی و مراعات موازین اخلاقی در فضای مجازی است. ایجاد هرگونه محدودیت (مانند فیلترینگ، پارازیت، کاهش سرعت یا قطعی شبکه) بدون مستند قانونی صریح ممنوع است». بند ۳۴ همین ماده عنوان می‌دارد که «حق شهروندان است که از مزایای دولت الکترونیک و تجارت الکترونیک، فرصت‌های آموزشی و توانمندسازی کاربران به صورت غیر تبعیض‌آمیز برخوردار شوند». بر اساس تبصره‌ی ماده ۶۳۸ قانون مجازات اسلامی، می‌توان استفاده‌کنندگان از پوشش‌های غیراسلامی که در معابر عمومی ظاهر می‌شوند را مجازات کرد. این ماده تظاهر به عمل حرام به صورت علنی در انظار و اماکن عمومی و معابر را جرم دانسته است. فضای مجازی به شکلی است که حریم خصوصی در آن رعایت نمی‌شود. دسترسی عموم افراد به محدوده‌ای خاص در فضای مجازی و ورود و عضویت بدون شرط آنها در آن گروه یا شبکه اجتماعی می‌تواند آن فضا را به انظار عمومی تبدیل کند. پس می‌توان نتیجه گرفت که امکان گسترش مفهوم «معابر و انظار عمومی» به فضای مجازی وجود دارد. ماده ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی نیز عنوان می‌دارد که داده‌ها شامل تصاویر، نقاشی، فیلم و ... که می‌تواند عفت و اخلاق عمومی را جریحه‌دار کند جرم محسوب می‌شود. عفت عمومی درجه است که نوع مردم (نه عموم) علاقه به صیانت از آن دارند و تابع شرایط زمان و مکان است و هنگامی است که زخم و آسیبی بر پیکر پاکدامنی، پرهیزگاری، پارسایی و حصار حریم خانواده وارد شود. همچنین تبصره ۴ ماده ۱۴ قانون جرایم رایانه‌ای تصویر، صوت یا متن واقعی یا غیرواقعی یا متنی که بیانگر برهنگی کامل زن یا مرد است را محتویات مستهجن می‌داند. در این قانون با

توجه به تعریف محدود و مضیق از واژه «محتویات مستهجن»، پاسخگوی تمام مصادیق تن‌نمایی من جمله فعالیت ورزشی با هدف تن‌نمایی نیست. اما در ماده ۲۸ قانون مطبوعات، انتشار عکس‌ها و تصاویری و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع اعلام شده و موجب تعذیر شرعی دانسته شده است. از سویی دیگر فعالیت زنان ورزشکار در اینستاگرام چند حالت دارد. این فعالیت ممکن است از جنس ورزش، آموزش یا تبلیغاتی باشد. در همه حالت‌های مورد اشاره ممکن است فعالیت به شکل تن‌نمایی و هرزه‌نگاری باشد یا با حجاب مناسب باشد. در این میان مخاطب ورزشکار زن و قصد نتیجه و قصد فعل وی نیز حائز اهمیت است. با این اوصاف و با عنایت به ماده ۳۳ و ۳۴ منشور حقوق شهروندی و مواد ۶۳۸ و ۶۴۰ قانون مجازات اسلامی، مواد ۱۶، ۱۷ و ۱۸ قانون جرایم رایانه‌ای و ماده ۲۸ قانون مطبوعات و ذکر این نکته که فضای مجازی هم مصداق انظار و معابر عمومی را دارد، تنها در صورتی که فعالیت زنان ورزشکار در فضای مجازی بدون قصد تن‌نمایی و هرزه‌نگاری و با نیت ورزش، آموزش یا تبلیغات با رعایت حجاب کامل و برای مخاطب فاقد سوء نیت عام و خاص باشد، از نظر قانونی و شرعی و جاهت خواهد داشت و در غیر این صورت و عدم رعایت هر یک از اصول مورد اشاره به ویژه مصادیقی که حالت تن‌نمایی وجود داشته باشد، فعالیت زنان ورزشکار در فضای مجازی با قوانین کشور منافات داشته و در مواردی که خلاف عفت و اخلاق عمومی باشد، می‌تواند به عنوان جرم نیز تلقی گردد.

واژگان کلیدی:

زنان ورزشکار، عفت عمومی، فضای مجازی، تن‌نمایی.

بند ۴ اصل ۲۱ قانون اساسی، اصلی مغفول و نیازمند احیای مجدد هدی غفاری^۱

چکیده

■ اصل بیست و یکم قانون اساسی را می‌توان جزو مترقی‌ترین اصول قانون اساسی محسوب نمود و تصریح قانون‌گذار نسبت به تاکید بر وظایف دولت در راستای تضمین حقوق شایسته زنان را قابل تقدیر دانست، به طوری که در بند یک این اصل به رشد شخصیت و احیای حقوق مادی و معنوی زنان به عنوان "انسان" در بند دوم حمایت از زنان به عنوان "مادر" در بند سوم به حمایت از زنان در قامت "همسر" و در بند چهارم به حمایت از زنان در شرایط کهنسالی و بی‌همسری و در بند پنجم به حمایت از حقوق مادران قیم پرداخته است. با این وصف متاسفانه این اصل مهم در گذر زمان مجالی برای اجرای بایسته و کافی نیافته است و منجر به حمایت‌های ناکافی از حقوق زنان و خانواده‌ها و گسترش برخی از آسیب‌های اجتماعی در این حوزه شده است. در این مقاله برآنیم تا با بررسی اصول مرتبط در قانون اساسی و سایر اسناد بالادستی و قوانین مرتبط در نظام حقوقی ایران، ضمن شناسایی چالش‌های فراروی حق بر تامین اجتماعی زنان به ویژه بانوان در معرض آسیب‌های اجتماعی، به ارائه راهکارهای مقتضی بپردازیم.

واژگان کلیدی:

حقوق زنان، تامین اجتماعی، بیمه، زنان بی‌سرپرست، اصل بیست و یکم قانون اساسی.

۱- دانشیار گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

چالش‌های گفتمانی و قانونی حق برپوشش در ایران

زینب توسلی^۱ نیلوفر مقدمی خمایی^۲

یکی از نیازهای فطری و طبیعی حیات آدمی، حفظ پوشیدگی بدن و تأمین امنیت جسم از طریق البسه و پوشاک است. شیوه پوشاندن بدن همواره از ریشه‌های مذهبی، اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه تأثیر می‌پذیرد؛ بر همین اساس پوشاک را به عنوان یکی از عوامل بروز هویت فرهنگی-تمدنی جوامع برمی-شمرند. مبتنی بر جهان بینی‌ها، هستی‌شناسی‌ها و نگرش‌های معرفتی مختلف به انسان و اهداف غایی او، حدودی از پوشش به عنوان عرف معقول و پذیرفته شده، تعریف می‌گردد که از آن به قانون پوشش تعبیر می‌شود. بنابراین می‌توان مدعی بود که اساساً در ضرورت حق انسان بر لباس مناسب شبهه‌ای وجود ندارد و جز معدود جوامع استثنائی در طول تاریخ؛ اغلب ملت‌ها و جوامع بر وجود حدی از پوشش، اجماع نموده‌اند. حال پرسش اساسی آن است که با توجه به پذیرش ضرورت پوشیدگی در جهان، چگونه می‌توان از قانون حجاب شرعی در جمهوری اسلامی ایران دفاع نمود و مسیر تحقق قانونی آن را انتظار داشت؟ در این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای، تلاش شده تا ضمن بررسی گفتمان‌های مختلف و بعضاً متعارض حاکم بر مسئله پوشش و لباس و حدود آن در جهان و همچنین بررسی قوانین بین-المللی و ملی در این زمینه، چالش‌های گفتمانی و قانونی موجود شناسایی شده و راهکارهای اصلاح آن در حوزه سیاست‌گذاری و قانون‌گذاری پیشنهاد گردد. تبیین منطقی این مسئله در ساحت شناخت، گرایش و رفتار انسان و همچنین از بین بردن موانع به‌پوشی از جمله این پیشنهادات است.

واژگان کلیدی: قانون پوشش اجتماعی، حجاب شرعی، حاکمیت

دولت، حق برپوشش متناسب، به‌پوشی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه علم و فرهنگ، تهران؛

zeinabtavassoli379.ya.mahdi@gmail.com

۲- دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه علامه طباطبائی (ره) (نویسنده مسئول)، تهران؛

moghaddami1986@gmail.com

پیامدهای تغییرات اقلیمی و توانمندسازی زنان

آناهیتا سیفی

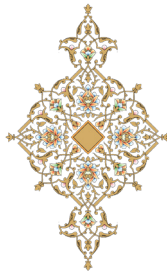
چکیده

بحران تغییرات اقلیمی به سرعت در حال افزایش است و زنان به طور نامتناسبی تحت تأثیر پیامدهای آن قرار گرفته اند که اقدامات فوری و ضروری لازم دارد. در جهانی که با تغییرات سریع اقلیمی روبرو هستیم؛ پیامدها و چالش‌های ناشی از آن به طور مساوی تقسیم نمی‌شوند. تغییرات اقلیمی به طور متفاوتی توسط زنان و مردان تجربه می‌شوند. برای کاهش آسیب‌ها و سازگاری با تغییرات آب و هوایی باید راهکارهایی ارائه داد پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی در راستای پاسخگویی به این پرسش است که چگونه زنان به طور نامتناسبی تحت تأثیر تغییرات آب و هوایی قرار می‌گیرند؟ چرا توانمندسازی زنان در مورد تغییرات اقلیمی اهمیت دارد؟ تغییرات اقلیمی منجر به افزایش آسیب‌پذیری غیرمنتظره و متنوع زنان می‌شود. به همین دلیل است که صدای زنان برای شکل دهی راه‌حل‌های مؤثر بسیار حیاتی است. چه روندها و استراتژی‌های کلیدی را می‌توان برای کاهش آسیب‌پذیری زنان در پیش گرفت؟ توانمندسازی زنان در تصمیم‌گیری‌های اقلیمی؛ بهبود دسترسی زنان به اطلاعات و فرصت‌ها؛ ارتقاء و ادغام مسائل جنسیتی در سیاست‌ها و برنامه‌های ملی و بین‌المللی تغییر اقلیم و ایجاد مشارکت‌های بین‌بخشی میان سازمان‌هایی که بر توانمندسازی زنان و تغییرات آب و هوایی تمرکز دارند. ما باید از کارشناسان مسائل جنسیتی در برنامه‌ریزی آب و هوا و طرح‌های اقلیمی برای کاستن از آسیب‌ها بهره‌برده تا از مشارکت زنان برای شناسایی عوامل مهم آب و هوایی و تغییرات اقلیمی، پیامدها و راه‌حل‌های پایدار استفاده کنیم. برای اینکه اقدامی معنادار برای توانمندسازی زنان در مورد تغییرات آب و هوایی صورت گیرد، عوامل

جنسیتی باید در این اسناد بین‌المللی و برنامه‌های اقدام ملی جدی گرفته شود.

این امر به اطمینان از کمک‌های مالی، تحقیقاتی و فنی کافی و آموزش برای تأثیرات و راه‌حل‌های تغییرات اقلیمی حساس به جنسیت کمک خواهد کرد. با وجود آسیب‌های جدی ناشی از تغییرات اقلیمی بر زنان، در سازکارهای بین‌المللی توجه شایسته‌ای به وضعیت و شرایط زنان نشده است. لذا نهادهای بین‌المللی و نیز دولت‌های بایست با وضع و توسعه قواعد متقن و نیز ایجاد سازکارهای نظارتی جدی و کارآمد، زمینه توجه بازیگران بین‌المللی را به ابعاد مختلف تغییرات اقلیمی فراهم سازند.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، زنان، توانمندسازی، حقوق بشر، چالش‌ها.



بازنگری در نظام دادرسی دعاوی خانواده

فاطمه آزاد سروستانی

چکیده

با توجه به افزایش مراجعه زوجین به دادگاه خانواده برای تقاضای انحلال نکاح، ضروری است که در نظام دادرسی دعاوی خانواده در راستای استحکام بنیان خانواده بازنگری صورت گیرد لذا در پژوهش حاضر راهکارهای رسیدگی تخصصی به دعاوی خانواده مورد مطالعه قرار می‌گیرد. پژوهش پیش رو از روش توصیفی - تحلیلی بهره برده است و براساس یافته‌های این پژوهش، با اتخاذ راهکارهایی علمی و تخصصی تا حد زیادی آمار انحلال نکاح کاهش می‌یابد و از فروپاشی بنیان خانواده در مواردی که علت اختلاف زوجین ریشه‌ای نبوده و با اقداماتی آن اختلاف رفع می‌شود جلوگیری خواهد کرد. از جمله اقداماتی که در رسیدگی به دعاوی خانواده ضروری است انجام گیرد: ۱- رسیدگی تخصصی قضات به دعاوی خانواده به ویژه در موضوعات طلاق و فسخ نکاح. بهتر است قضات دادگاه خانواده از فارغ التحصیلان رشته حقوق خانواده بوده یا اینکه بعد از جذب داوطلبان منصب قضا، تدابیری برای تربیت و آموزش آن‌ها در زمینه‌های حقوق خانواده روان‌شناسی اتخاذ شود. ۲- تخصصی شدن وکالت برای این امر می‌توان آزمون وکالت را در گرایش‌های مختلف برگزار کرد. ۳- حضور روانشناس متخصص در هر شعبه دادگاه جهت ارائه نظر تخصصی به رئیس شعبه به منظور اتخاذ تصمیم صحیح ضروری است. ۴- بهتر است برخی دعاوی خانواده قبل از رسیدگی در دادگاه توسط روان‌شناسان خانواده بررسی شود زیرا در بسیاری موارد مشکل آن‌ها حل می‌شود و نیازی به رسیدگی قضایی ندارد. در نتیجه دعاوی خانواده نیاز به رسیدگی تخصصی دارند و بازنگری در نظام دادرسی دعاوی خانواده تا حد زیادی می‌تواند از فروپاشی بنیان خانواده جلوگیری نماید.

کلید واژه‌ها: انحلال نکاح، دادگاه خانواده، رسیدگی تخصصی، روان‌شناس خانواده، زوجین.

نقد رویه حاکم در خصوص عدم اعطای قیمومت به مادران مطلقه با تاکید بر قانون اساسی

سیده معصومه سیدی^۱

چکیده

مطابق با اصل ۲۱ قانون اساسی حمایت مادران بخصوص در دوران بارداری، حضانت فرزند و کودکان بی سرپرست مورد توجه قرار گرفته و در بند ۵ این اصل: اعطای قیمومیت فرزند به مادران شایسته در جهت غبطه آنها در صورت نبودن ولی شرعی لحاظ شده است. در حال حاضر، وفق قانون، اعطای قیمومت به مادران مطلقه که حضانت کودکان خود را برعهده دارند و تمشیت امور آنان نیازمند استقلال عملی است به سختی صورت میگیرد و تنها با شرایطی از جمله غیبت پدر، صدور حکم کیفری برای او، محجور بودن و عدم صلاحیت بستگان درجه اول در صورت غیبت پدر و جد پدری، امکان صدور حکم ضم امین به مادر به صورت جزئی فراهم می‌گردد. مقاله حاضر با رویکرد تحلیلی در صدد نقد این رویه در نظام حقوقی ایران بر پایه مبانی فقهی و با اصل قرارداد رفاہ و مصلحت کودک است.

کلیدواژه‌ها: قیمومیت مادر، ضم امین، قانون اساسی، مصلحت کودک، مادران مطلقه.

۱- استاد مدعو گروه مذاهب فقهی

بررسی نسبت مفهوم خشونت اقتصادی علیه زنان با آموزه‌های اسلام

زهرا سادات غمامی^۱

چکیده

خشونت اقتصادی یکی از جرائم تعریف شده در نظام حقوقی کشورهای غربی است که در معنای وسیع‌تر به عنوان اهرم اقتصادی برای اعمال فشار بر فرد از سوی افراد یا گروه‌ها استفاده می‌شود. خشونت اقتصادی علیه زنان از انواع خشونت است و شامل مواردی نظیر دسترسی محدود به منابع، اشتغال، آموزش، محدودیت در تصمیم‌گیری مالی، تبعیض در ارث، حقوق مالکیت، تبعیض در اجرت زنان و رها کردن امرار معاش خانواده است. در این پژوهش تلاش می‌شود مفهوم خشونت اقتصادی مد نظر غرب، در نظام حقوقی اسلام مورد بررسی قرار گیرد. نتایج پژوهش که به روش توصیفی-تحلیلی انجام شده است، نشان می‌دهد خشونت اقتصادی تحت تأثیر دیدگاه‌های مختلف مفهوم و مصادیق مختلفی دارد. در نظام حقوقی اسلام، مجموعه‌ای از احکام برای منع و پیشگیری از خشونت اقتصادی از زن نظیر نفقه، اجرت‌المثل، حق مالکیت بر اموال برای زن، استقلال اقتصادی زن، حق ارث لحاظ شده است. اما برخی از موارد خشونت اقتصادی مد نظر غرب، نظیر اعمال محدودیت در اشتغال علیه زنان و نابرابری در ارث، خشونت تلقی نمی‌شود. در اسلام تفاوت‌هایی در حقوق زن و مرد با توجه به تفاوت‌های جسمی و روحی و با توجه مصالح و حفظ کیان خانواده لحاظ شده است.

کلیدواژه‌ها: خشونت اقتصادی، زنان، آموزه‌های اسلام، حقوق زنان، حقوق مالی.

۱- دانشجوی دکتری دانشگاه خوارزمی

نقض حقوق زنان در منظومه حقوق بشر امریکایی؛ مطالعه موردی دعوای «ایالات متحده علیه رحیمی»

سید محمد میرلوحی^۱

آرمینا شفیعی^۲

چکیده

دولت ایالات متحده امریکا در طول تاریخ موجب نقض برخی حقوق و آزادی‌های مشروع زنان در ساحت وضع قوانین، مقررات و رویه‌های رسمی خود شده است. شعبه پنجم دادگاه تجدیدنظر فدرال امریکا در یکی از آرای اخیر خود در پرونده موسوم به «ایالات متحده علیه رحیمی»^۳ که با موضوع خشونت خانگی علیه زنان مطرح شده بود، تأکید کرد که مسئله حمایت از زنان و کودکان در برابر خشونت با اسلحه، از قانون اساسی قابل استنباط نیست. این رأی که ریشه در اصلت‌گرایی نظام قضایی امریکا (ارایه تفسیر اصلت‌گرایانه از قانون اساسی) دارد، هرچند ممکن است با هدف ترویج خشونت علیه زنان انشاننده باشد، اما در مقام عمل به این امر منتهی خواهد شد و تهدیدی جدی علیه زنان و بنیاد خانواده به شمار می‌رود. مقاله حاضر بر آن است ضمن نقد اجمالی بسترهای قانونی موجود در کشور امریکا در زمینه نقض حقوق زنان و خانواده، ابعاد دعوای دولت امریکا علیه رحیمی و رأی دادگاه فدرال این کشور را با روش توصیفی-تحلیلی تبیین کند و در مقام پاسخ به این پرسش که «جایگاه رأی مذکور در منظومه حقوق بشر امریکایی چیست؟» بدین نتیجه دست می‌یابد که رأی صادره را باید یکی از قطعات جورچین (پازل) حقوق بشر امریکایی دانست و در فضایی فکری که اصالتاً نافی موازین حقوق بشر است، تفسیر کرد.

واژگان کلیدی: حقوق زنان، حقوق بشر، حقوق بشر امریکایی، دادگاه فدرال امریکا، ایالات متحده علیه رحیمی.

۱- پژوهشگر دکترای حقوق عمومی، دانشگاه شیراز؛ s.m.mirlouhy@gmail.com

۲- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

۳- United States v. Rahimi؛ این رأی در اوایل سال ۲۰۲۳ میلادی صادر شده است.

مبانی فقهی حقوقی مشارکت‌های سیاسی اجتماعی زنان از منظر حقوق شهروندی

عطیه پورعلی^۱

فهیمة ملک‌زاده^۲

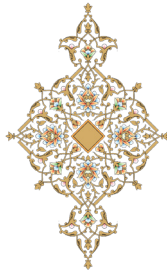
چکیده

مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان یعنی مشارکت آنها در فعالیت‌هایی که به افزایش قدرت و ظرفیت جامعه منجر خواهد شد، دارای اهمیت زیادی می‌باشد، زیرا حضور زنان در مدیریت سیاسی کشور، همواره به عنوان یکی از مؤلفه‌های مهم توسعه اجتماعی و اقتصادی بوده است. هدف از این پژوهش شناخت اعتلای جایگاه اجتماعی زن در جامعه، استفاده حداکثری از ظرفیت‌های مختلف زنان برای اداره جامعه، و یافتن راهکارهای فقهی برای اثبات مشروعیت حضور زنان در عرصه‌های مختلف اجتماعی بر آن شدیم تا مبانی فقهی حقوقی مشارکت‌های سیاسی اجتماعی زنان از منظر حقوق شهروندی مورد بررسی قرار دهیم. نتیجه بدست آمده حاکی از آن است که در خصوص فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی زنان بین فقها و اندیشمندان، اختلاف نظرهای جدی وجود دارد، فقها در اصل جواز حضور زن در مسائل سیاسی و اجتماعی اجماع دارند، چرا که از نظر دین اسلام هیچ منعی برای حضور زنان با ضوابط اسلامی در محیط اجتماعی و سیاسی وجود ندارد؛ اما تصدی برخی از مسئولیت‌ها، مانند مرجعیت، حکومت (ولایت انتخابی) و قضاوت محل بحث است، خوشبختانه نظریه جدیدی در حال شکل‌گیری است که قائل به جواز تصدی زنان در امور ولایی و غیرولایی است، به طور کلی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از فقه است حضور زنان در فعالیت‌های سیاسی، پذیرش مسئولیت

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران
۲- دکتری حقوق خصوصی، عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال

و عضویت در نهادهای سیاسی در جامعه را پذیرفته است و شرط جنسیت را برای تصدی این مسئولیت‌ها قائل نشده است اما در عمل مشارکت زنان در این عرصه‌ها با محدودیت‌های ساختاری مواجه است، که از عوامل غیرحقوقی نشأت گرفته است.

کلمات کلیدی: حقوق زنان، مشارکت سیاسی، مشارکت اجتماعی، حقوق شهروندی، رجولیت، اصل تصدی و جواز.





فصل دوم:
حقوق عامه

پیوست «مردم‌داری» در قانون‌گذاری

سید محمد مهدی غمامی^۱

چکیده

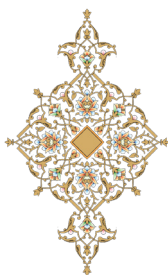
در آموزه‌های دینی توجه به حقوق مردم ذیل عباراتی اصیل از جمله "رعیت" یعنی کسی که باید حقوقش مراعات شود مورد تأکید قرار گرفته است. این لغت از ماده «رعی» است که به معنای حفظ و نگهداری است. بر مردم از آن جهت کلمه «رعیت» اطلاق شده است که حکمران عهده‌دار حفظ و نگهداری جان و مال و حقوق و آزادی‌های آنها است. بنابراین در لسان ائمه (ع) و ادبیات دینی، سلطان را به راعی و ملت را به رعیت تعبیر نموده‌اند. اوج این توجه و مراعات، در آموزه‌های علوی قابل ذکر است وقتی حضرت علی (ع) در هر نامه‌ای که به ولات و حاکمان محلی ابلاغ می‌نمود، تأکید می‌کرد عنصر اولی و اصلی در امر اعمال قدرت و حکمرانی، مردم و حفظ حقوق ایشان است و لازم است هم حاکم شخصاً قلبش را سرشار از محبت به مردم کند و هم از هرگونه اقدامی که تعرض به حقوق ایشان است تحذیر کند و در ادامه بر مردم "ساده بگیرد"؛ که همه اینها آزمون‌هایی است که خدا برای حاکم طراحی کرده و اقدام بر خلاف آن، جنگ با خدا است و تحذیر می‌کند که "وَلَا تَنْصِبَنَّ نَفْسَكَ لِحَرْبِ اللَّهِ". از چنین آموزه‌هایی نتیجه خواهیم گرفت که امر حکمرانی به‌ویژه وضع و الزام و اجرای قواعد آمره، باید جانب حقوق مردم را بگیرد و نمی‌توان قوانینی را وضع و در ادامه الزام کرد که از آن مهربانی، ساده‌گیری و حقوق مردم استنباط نشده و یا در مقابل تضییع‌کننده حقوق ایشان باشد. این رویکرد نه فقط در وضع قوانین جزائی که در امور دیگر که اقتدارات ویژه‌ای از جانب دولت به

۱- دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام: ghamamy@isu.ac.ir

مردم روا داشته می شود باید لحاظ گردد. در این مقاله با این ایده که قانون گذاری باید همراه با پیوستی از مردم داری، قابلیت طرح نزد مراجع قانون گذار و حتی مقررات گذار را داشته باشد ضمن تحلیل چیستی این پیوست، به مندرجات آن به ویژه بالحاظ سیاست های کلی نظام قانون گذاری ۱۳۹۸ و قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران خواهیم پرداخت. در این مقاله، روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است و دستاورد آن می تواند در قانون گذاری و مقررات گذاری مورد بهره برداری قرار گیرد.

کلیدواژگان:

مردم داری، حقوق و آزادی های مشروع، پیوست قانون، رعایت حقوق، قانون گذاری.



مفهوم «ملت» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

محمد امین ابریشمی راد^۱

چکیده

«ملت» یکی از واژگان پرتکرار در مقدمه و فصول مختلف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این اصطلاح همواره در مقام شناسایی عنصر جمعیت در نظام سیاسی جمهوری اسلامی ایران بوده و در بیشتر موارد بر تعیین مخاطب حقوق و آزادی‌های شناسایی شده در قانون اساسی تأثیر مستقیم دارد. با عنایت به ابهامات موجود در خصوص مفهوم و مخاطب این اصطلاح و همچنین مشخص نبودن نسبت آن با اصطلاحات مشابهی همچون «اتباع»، «شهروندان» و «امت»، این پژوهش در قالبی توصیفی-تحلیلی در مقام پاسخ به این پرسش بوده که «ملت» در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به چه معناست؟ یافته‌های این پژوهش گویای آن است که هرچند بین مفهوم و مصادیق اصطلاح «ملت» با مفاهیم و مصادیق اصطلاحات مشابه همچون «اتباع»، «شهروندان» و «امت» تفاوت وجود دارد و ملت مفهومی جامعه‌شناختی محسوب می‌شود که با ملاک‌های عینی و ملموس قابل شناسایی نیست و مبنای آن علقه به جامعه‌ای مشخص است، اما آنچه در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از اصطلاح «ملت» مدنظر بوده، معادل با «اتباع» بوده و از این جهت مخاطب اصطلاح «ملت ایران» در قانون اساسی همان «اتباع ایران» هستند.

واژگان کلیدی: ملت، ملت ایران، اتباع، شهروند، امت، قانون اساسی ایران.

۱- استادیار گروه حقوق دانشکده علوم انسانی دانشگاه سمنان؛ Abrishmirad@semnan.ac.ir

راهکارهای برقراری عدالت در تعیین حداقل حقوق کارگران

مصطفی امیری^۱

چکیده

یکی از مهم‌ترین وظایف دولت‌هایی که تأمین عدالت در حوزه اقتصادی را بر عهده دارند، ساماندهی و تعیین ضوابط مناسب برای نظام پرداخت مزد کارگران می‌باشد و یکی از مظاهر ورود دولت نظام‌های دارای این خصوصیت، تعیین حداقل مزد کارگران در فواصل و بازه‌های مختلف زمانی می‌باشد. اما با توجه به اینکه شیوه تعیین حداقل مزد می‌تواند متفاوت باشد و هر کدام از این شیوه‌ها در هر نظام اقتصادی و اجتماعی می‌تواند آثار و تبعات متنوعی ایجاد کند، بنابراین پرسشی که باید در این زمینه به آن پاسخ داد، آن است که شیوه‌های مختلف تعیین حداقل مزد کارگران چه مواردی هستند؟ در این نوشتار که به شیوه تحلیلی-توصیفی تدوین شده، ابتدا به تاریخچه و مبانی فکری مقوله حداقل مزد کارگران پرداخته شده و سپس به روش‌های مختلف تعیین آن که اشاره گردیده و در نهایت شیوه مطلوب و مناسبی برای نظام پرداخت مزد ایران پیشنهاد گردیده است.

واژگان کلیدی: حداقل مزد، حقوق کارگر، قانون کار، سازمان بین‌المللی کار، حقوق عادلانه.

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

آئین مطلوب تصویب عوارض شوراهای محلی در راستای صیانت از حقوق عامه

امیرحسین اصل‌زعیم^۱

چکیده

عوارض شوراهای محلی که به منظور تأمین هزینه‌های شهری و ارائه و استمرار خدمات توسط شوراهای اسلامی به تصویب می‌رسد و از آن تحت عنوان عوارض شهرداری‌ها نیز یاد می‌شود دارای مصادیق متعددی است که از شهروندان اخذ می‌گردد و به علت ارتباط مستقیم با حقوق عامه از اهمیت بسیاری برخوردار است. لازم به ذکر است شوراها با رویکرد تأمین مالی حداکثری همواره به دنبال گسترش دامنه صلاحیت خود و اخذ عوارض از مآخذ مختلف هستند و در مقابل شهروندان نسبت به موارد متعددی از این عوارض معترض بوده و قائل به غیرعادلانه بودن و یا خروج شوراها از قلمرو صلاحیت خود می‌باشند و دعاوی بسیاری در مراجع قضایی و شبه قضایی در این زمینه مطرح می‌باشد. یکی از خلأهای اساسی شناسایی شده در این زمینه از منظر حقوقی، ناظر به مرجع و سازوکار تصویب این عوارض است که بنابر تعارض منافع، منجر به تضییع گسترده حقوق عامه می‌شود. از این رو سوال اصلی در این زمینه این است که آئین مطلوب در خصوص مرجع تصویب عوارض محلی و سازوکار آن که تضمین‌گر حقوق عامه در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران باشد چیست؟ در راستای پاسخ به این پرسش، آئین مطلوب تصویب عوارض محلی و سازوکارهای مربوط بدان با دو رویکرد حفظ ساختارهای موجود و اصلاح ساختارهای تقنینی در قالب شناسایی ماهیت و پیریزی ساختارهای نوین بررسی و ارائه شده است که کاربر است آن در خصوص صیانت از حقوق عامه نقش مهم و مستقیمی دارد.

کلیدواژه‌ها: عوارض محلی، شوراهای اسلامی، آئین مطلوب، حقوق عامه، عوارض شهرداری.

۱- دانش‌آموخته مقطع دکتری رشته حقوق عمومی؛ Amirhossein.zaeim@gmail.com

رهیافت‌های میانت از حقوق اساسی ملت در سیاست جنایی قضائی

شهید شاطری پور اصفهانی^۱

چکیده

قانون اساسی از یک سو حدود آزادی افراد را در برابر عملکردهای قدرت‌ها و از سوی دیگر حدود اعمال قوای عمومی را در برخورد با حوزه حقوق فردی ترسیم می‌کند همچنین حفظ و تضمین حقوق افراد ملت در مقابل قوای حکومت نیز بر عهده قانون اساسی است. شناسایی، تثبیت و تضمین حقوق و آزادی‌های مشروع افراد در جامعه از مهم‌ترین مباحث در حقوق اساسی است. شناخت حقوق اساسی ملت، مستلزم شناخت مفاهیم ملت، مردم، دولت و ارتباط بین آنها از جهات مختلف، همچنین شناخت مفهوم و اقسام حق‌های اساسی و جایگاه این حق‌ها در فرآیند اساسی سازی حقوق در بعد داخلی و الزامات بین‌المللی آن است. حقوق اساسی ملت در تدوین قانون اساسی مقدم بر سایر حقوق مورد توجه قرار گرفته است و به معنای حقوقی است که به همه مردم تعلق دارد. در قانون اساسی ایران نیز که اساس شکل‌گیری آن، بر مشارکت مستمر مردم است، حقوق اساسی ملت جایگاه برجسته‌ای در میان سایر اصول مصرح در قانون اساسی دارد. حضرت امام خمینی (ره) در پیام خود به مناسبت افتتاح مجلس خبرگان رهبری در سال ۱۳۵۹ بر «حفظ و حمایت حقوق و مصالح تمام قشرهای ملت دور از تبعیض‌های ناروا» (صحیفه امام خمینی، ج ۹، ص ۳۱۰) در قانون اساسی تاکید می‌کنند. حقوق اساسی ملت امروز در فصل سوم قانون اساسی و پس از اصول کلی در فصول اول و دوم قانون اساسی به تصریح و دقت مطرح شده و بر بسیاری دیگر از سرفصل‌های حقوق اساسی

مقدم دانسته شده است. مناسبات میان مردم به عنوان ارکان جامعه دینی با صاحبان قدرت گاه موجب تحدید حقوق اساسی ملت می‌شود در حالی که تضمین حقوق اساسی ملت به معنای تثبیت رکن مردمی بودن نظام است که تزلزل در آن موجب تزلزل در ارکان نظام است. پاسداشت قانون اساسی و زمینه‌سازی برای اقامه قسط و قیام مردم به آن در جامعه نیازمند رهیافت‌هایی در سیاست جنائی قضائی برای شناسایی، تثبیت، ارزیابی و ایجاد نظام‌هایی برای صیانت و پاسداری از حقوق ملت در دستگاه قضای اسلامی است. این رهیافت‌ها همان رویکردها برای اهتمام به صیانت از حقوق اساسی ملت و آزادی‌های مشروع در قانون اساسی به عنوان یکی از مهم‌ترین وظایف ذاتی دستگاه قضا در اصل ۱۵۶ قانون اساسی است و شامل مجموعه‌ای از بنیان‌های نظری، راهبردها، تدابیر و اقداماتی است که بر محور نظریه عدالت اسلامی و در جهت صیانت از حقوق عامه و گسترش آزادی‌های مشروع شکل می‌گیرد. مشارکت مردم در عدالت‌گستری، نظارت‌پذیر کردن دولت، صیانت از حقوق اساسی ملت، دسترسی به عدالت، توانمندسازی قضائی، پیشگیری از جرم، مبارزه با فساد در تمامی اشکال آن، نظام‌سازی اصلاح و تربیت، صیانت از حقوق ملت در برابر رفتارهای دلبخواهی حکمرانان، حکمرانی قضائی حکمت بنیان، تحول قضائی و در نهایت تضمین امنیت قضائی از جمله مهم‌ترین رهیافت‌های صیانت از حقوق اساسی ملت در سیاست جنائی قضائی است. در ترسیم این رهیافت‌ها بر ضرورت فرانهادی بودن صیانت از حقوق ملت و نقش بازیگران اساسی آن و مشارکت روشمند مردم در مدیریت و ساماندهی عدالت قضائی بر مبنای نظریه بنیادین قیام مردم به قسط اشاره خواهیم کرد.

واژگان کلیدی: صیانت از حقوق اساسی ملت، سیاست جنائی قضائی، رهیافت‌های قضائی، قیام به قسط، حقوق عامه.

حقوق اداری، بستری برای تحقق حقوق شهروندی در جمهوری اسلامی ایران

علی فهیم دانش^۱

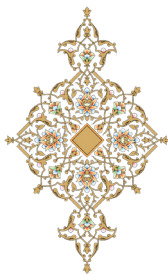
چکیده

در ۴۴ سال گذشته یکی از بخش‌های حقوق که مورد توجه جدی نظام اسلامی واقع شد، حقوق اداری کشورمان بود. بدان جهت که با فروپاشی نظام سلطنتی و تصویب قانون اساسی، جمهوری اسلامی ایران نیازمند تغییرات جدی در حقوق اداری بود. حقوقی که پیوند عمیق با حقوق اساسی داشته و برای یک نظام دموکرات، ابزار مهمی در جهت نیل به حقوق شهروندی چنانچه نظام اسلامی آن را تبیین نموده، دارد. حقوق اداری از یک سوی موجب تقویت و افزایش اقتدار دولت می‌گردد، دولتی که یادآور لویتان است و خود مانعی اساسی بر سر راه تحقق حقوقی اساسی و حقوق شهروندی بشمار می‌آید. اما در قانون اساسی نظام اسلامی، با سپردن زمامداری و سکان هدایت جمهوری مبتنی بر حکومت خداوند، به دست فقیه‌ی عادل و خداترس، در قبال بلیه‌های دموکراسی‌ها و حکومت‌های مبتنی بر ایس‌های فلسفی انسانی، واکسینه و ایمن شده است. حقوق اداری در این سیستم، باید بتواند از یک طرف، امکان تحقق حقوق شهروندی که بستر نوینی برای تشکیل حکومت‌های برخاسته از اراده و خواست مردم فراهم نموده را میسر سازد و از طرفی دیگر، گسترش روزافزون قدرت دولت‌ها و نقش‌آفرینی گسترده‌تر ادارات و سازمان‌های اداری در زندگی مردم و در پی آن تحت تأثیر قرار دادن حقوق شهروندی،

۱- دکتری حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه؛ afahimdanesh@gmail.com

نگرانی بالقوه‌ای را در بین مردم از بابت دست اندازی و تعرض به حقوق آن‌ها به وجود آورده را خنثی سازد. در غرب ایده حکمرانی خوب، چندی است دارای معیارها و مولفه‌هایی گردیده، تا نظام مبتنی بر تفکرات مادی را از سوق دادن به منافع فردی یا گروهی بازداشته و حقوق شهروندی را در غرب ممکن الوصول نماید. اما در نظام اسلامی، با اجرایی شدن تئوری ولی فقیه، امکان بروز چنین مشکلاتی متصور هم نخواهد بود. ولی برای تحقق ایده اداره خوب، معیارها و مولفه‌هایی پدیدار گشته، تا در جهت سنجش دستگاه‌ها و تصمیمات مقامات اداری عمل کند و در آن، مولفه‌هایی همچون «حاکمیت قانون»، «پاسخگویی»، «اثر بخشی و کارآمدی اداره»، «دولت الکترونیک» و غیره مد نظر قرار گرفته است. در این مقاله، نگارنده بر آن است که به واسطه نظریه دکتربین اداره خوب، رابطه منطقی و عدالت محوری در رابطه با حقوق شهروندی و حقوق اداری که در جمهوری اسلامی ایران تحقق پیدا را مورد واکاوی قرار دهد. اقداماتی که در اثر آن، هم حقوق شهروندی از تعرض دولت‌ها و ادارات عمومی و مقامات اداری در امان مانده و هم حقوق اداری و ساختار اداری به گونه‌ای پی‌ریزی شده تا در ضمن حفظ اقتدار نهادهای عمومی، به ارتقا و پیشرفت حقوق شهروندی منجر شود.

واژگان کلیدی: حقوق اداری، حقوق شهروندی، جمهوری اسلامی.



نقش دعوای الزام به تدوین آیین نامه اجرایی در اجرای قانون اساسی از حیث تضمین حقوق و آزادی های غیرمصرح ملت

محمود پوررضائی فشخامی^۱

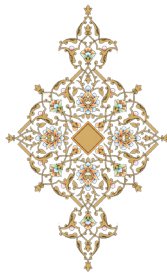
چکیده

در میان اصولی از قانون اساسی که به تضمین حقوق و آزادی های شهروندان اختصاص یافته است، دو رویکرد به چشم می خورد: گاهی مانند آنچه در اصول ۲۷ و ۳۱ آمده، حقی مشخص مورد تصریح قرار گرفته و گاهی مانند بند ۷ اصل ۳ و ضابطه ذیل اصل ۹، حکمی کلی درباره حقوق و آزادی های بیان شده است. یگانه سازوکار اجرایی شدن اصول دسته دوم که می توان آنها را «حقوق و آزادی های غیرمصرح» نامید، تصویب قوانین عادی است؛ اما در بسیاری از موارد قوانین عادی بدون تدوین آیین نامه های اجرایی، تنها نوشته هایی روی کاغذند که قابلیت اجرایی پیدا نمی کنند. با این حال، نسبت سنجی ترک فعل تدوین آیین نامه اجرایی با نقض حقوق و آزادی های غیرمصرح ملت در قانون اساسی، چنان که باید و شاید، در مدار توجه پژوهشگران حقوق عمومی قرار نگرفته است. همچنین صلاحیت دیوان عدالت اداری در استماع «دعوای الزام به تدوین آیین نامه اجرایی» به عنوان یکی از سازوکارهای

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

اجرائی کردن برخی از اصول قانون اساسی مغفول مانده است. در این مقاله، ابتدا، به روش تحلیلی - توصیفی تبیین شده است که چگونه استنکاف از تدوین آیین نامه اجرایی می تواند به نقض قانون اساسی بینجامد. در ادامه، سازوکار نظارت قضائی بر ترک فعل اداری در نظام های حقوقی رومی - ژرمن و کامن لا با دو مثال از هر نظام تشریح شده و در نهایت صلاحیت دیوان عدالت اداری در استماع دعوای الزام به تدوین آیین نامه اجرایی مورد واکاوی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: حقوق و آزادی های غیرمصرح ملت، اجرای قانون اساسی، حقوق شهروندی.



نقش نهادهای حاکمیتی و تقنینی در تامین حق بر سلامت شهروندان در مواجهه با همه‌گیری‌ها «با تاکید بر همه‌گیری کووید-۱۹»

سجاد جان محمدی^۱

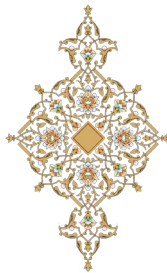
چکیده

حق بهره‌مندی از بالاترین استانداردهای سلامتی به عنوان یکی از حقوق بنیادین انسان‌ها توصیف شده است. حق بر سلامتی مانند برخی از مفاهیم نظری دارای تعاریف گوناگونی است که از جمله مهم‌ترین مصادیق آن، «حق حمایت از سلامتی» و «حق بر مراقبت پزشکی» است. از لحاظ ساختاری مهم‌ترین متولی تامین حق بر سلامتی شهروندان دولت است. دولت باید با تامین اعتبارات لازم و همچنین اقدامات پیش‌گیرانه، زمینه دست‌یابی به حق بر سلامتی را برای تمامی اشخاص جامعه فراهم نماید. از طرفی یکی از پدیده‌ها و چالش‌های دهه‌های اخیر، بروز همه‌گیری‌ها که بازرترین مصداق آن همه‌گیری کووید-۱۹ است. مطالعه حاضر در صدد است تا با روشی توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهد، حق بر سلامت شهروندان در مواجهه با همه‌گیری‌ها به چه نحوی تامین می‌گردد؟ نتایج از حاصل از مطالعه حاضر مبین آن است که اکثر نظام‌های پیشرفته حقوقی جهت پیش‌گیری و همچنین

۱- قاضی دادگستری تهران و دکتری حقوق خصوصی؛ sjanmohamadi0929@yahoo.com

تضمین حفظ سلامت شهروندان خود، قوانین سخت‌گیرانه‌ای را در رابطه با تامین مواد اولیه دارویی و تجهیزات پزشکی در حوزه مبارزه با همه‌گیری‌ها تدوین و وضع نموده‌اند. همچنین نهادهای حاکمیتی نیز در راستای پیش‌گیری و تامین این حق اساسی از حیث تامین مواد اولیه دارویی مورد نیاز و همچنین اطمینان از اثربخش بودن ساختارهای مراقبت‌های پزشکی تمهیداتی اتخاذ نموده‌اند. اتحادیه اروپا در سال ۲۰۲۲ مجموعه قوانین مدونی را جهت نحوه تامین سلامت شهروندان اروپایی در مواجهه با همه‌گیری‌ها وضع نموده است. لذا نظام تقنینی و حاکمیتی ایران نیز باید به طور خاص در این حوزه تدابیری جهت تضمین حق بر سلامت شهروندان در حوزه همه‌گیری‌ها اتخاذ نمایند.

واژگان کلیدی: همه‌گیری، مواد دارویی، تجهیزات پزشکی، حق بر سلامت.



نقش قوه قضائیه در احیای حقوق عامه

محمد مظهري^۱

مرتضی قاسم‌آبادی^۲

چکیده

احیای حقوق عامه به معنای احیای عدالت در جامعه است. قانون اساسی بسیاری از کشورها از جمله ایران، قوه قضائیه را مسئول تحقق بخشیدن به عدالت شناخته و قرار داده است. در بند (۲) اصل ۱۵۶ قانون اساسی ایران، وظیفه احیای حقوق عامه، به این قوه واگذار شده است. در این نوشتار پرسش اصلی این است که نقش قوه قضائیه در احیای حقوق عامه چیست و با چه سازوکارهای قانونی می‌تواند به احیاء حقوق عامه کمک کند؟ در این مقاله با بهره‌گیری از روش توصیفی و تحلیلی، رویه عملی قوه قضائیه در طی سالهای اخیر در صیانت از حقوق عامه و ورود مقوله احیای حقوق عامه به نظم حقوقی کشور و چالش‌های موجود فراروی قوه قضائیه در مسیر تحقق بند (۲) اصل ۱۵۶ قانون اساسی، مورد بررسی نقد و تحلیل قرار می‌گیرد. نتایج تحقیق حاکی از آن است که قوه قضائیه از سویی تلاش جدی برای نیل به این خواسته دارد (مخصوصاً با صدور دستورالعمل رئیس وقت قوه قضائیه در سال ۱۳۹۷) ولی از سوی دیگر با وجود موانع و چالش‌های مختلف تحقق فوری این خواسته تا حدودی دور از دسترس می‌نماید. امید است که قوه قضائیه با تغییرات ساختاری و صرف درست فعل خواستن بتواند با اصلاح روندها، مقررات، استفاده از ظرفیت‌های دانشگاه‌ها، پیگیری و تربیت قضات متخصص این حوزه، در سالهای آتی به این مهم دست یابد.

کلیدواژگان: قوه قضائیه، حقوق عامه، قانون اساسی، عدالت.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه تبریز (نویسنده مسئول): m.mazhari@tabrizu.ac.ir
۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران

ارزیابی اصول دادرسی عادلانه در مراجع شبه قضایی از منظر حقوق شهروندی

امیرحسین خسروآبادی^۱

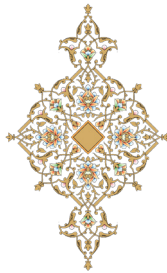
چکیده

دادرسی عادلانه به عنوان یک اصل تخطی ناپذیر در نظام‌های حقوقی، به عنوان یک اصل ریشه‌دار شناخته می‌شود. در راستای تحولات انسانی شدن در اصول حقوقی، مبانی دادرسی عادلانه نیز تحولات زیادی به خود دیده است. بارشد گفتمان حقوق شهروندی در رژیم‌های سیاسی، اصول دادرسی عادلانه نیز از چشم‌انداز حقوق شهروندی تکامل پیدا کرد. مطابق با اصول حقوق شهروندی، دادرسی عادلانه دو مشخصه اصلی دارد؛ نخست اصل بی‌طرفی در مقام دادرسی است و دوم، حق بر استماع در جایگاه دادرسی عادلانه است. بی‌طرفی در مقام دادرسی عامل ایجاد شاخصه برابری و حاکمیت قانون است. حق بر استماع نیز موجب تولید شاخصه‌هایی از قبیل حق دادخواهی، حق اعتراض و حق بروکیل است. با عنایت بر این شاخصه‌ها، می‌توان قوانین و مقررات ناظر بر دادرسی را با عرضه بر این دو شاخصه، از حیث انطباق با اصول دادرسی عادلانه ارزیابی کرد. مهمترین وجه این تکامل، توسعه دامنه اصول دادرسی عادلانه به مرز دادرسی‌های شبه قضایی است. مراجع شبه قضایی به دلیل جدایی از ساختار قوه قضائیه، از حیث نظارت بر عادلانه بودن روند دادرسی، نسبت به مراجع قضایی از اهمیت مضاعف برخوردار هستند. همچنین وجود غالب مراجع شبه قضایی در بستر قوه مجریه با دو ماهیت رسیدگی به تخلفات و رسیدگی به اختلافات شهروندان با دستگاه‌های اجرایی،

۱- دانشجوی مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران؛
Ah.khosroabadi@gmail.com

امکان نقض اصل برابری در فرایند دادرسی بسیار محتمل است. واقعیت آن است که قوانین و مقررات مربوط به روند دادرسی در مراجع شبه قضایی، فاصله زیادی با شاخصه های دادرسی عادلانه دارد. لازم به ذکر است به دلیل سیاست های تغییر مسیر، اصل تخصصی بودن رسیدگی به اختلافات صنفی و ممانعت از اطاله دادرسی (به عنوان یکی از معیارهای تحول در قوه قضائیه)، اصل وجود مراجع شبه قضایی اجتناب ناپذیر است. با این حال نباید از اصلاح روند دادرسی در این مراجع در راستای صیانت از حقوق شهروندی و پاسداشت کرامت انسان ها غافل شد. مقاله حاضر با استفاده از روش توصیفی - تحلیلی، ضمن استخراج شاخصه های دادرسی عادلانه در مراجع شبه قضایی، پاره ای از قواعد دادرسی مراجع شبه قضایی به بوته نقد می گذارد و راهکارهای پیشنهادی برای ارتقای ظرفیت عادلانه ساختن دادرسی در این نهادها را ارائه می دهد.

واژگان کلیدی: دادرسی عادلانه، مراجع شبه قضایی، برابری، حقوق شهروندی.



حقوق و تکالیف حاکم در برابر مردم با در نظر گرفتن مؤلفه‌های حقوق شهروندی

سید حسین هاشمی^۱

سعید سالاری^۲

رابطه حکمرانان با مردم و بررسی چارچوب حقوق و تکالیف متقابل میان آن‌ها، موضوع نظریات متعدد در فلسفه سیاسی و فلسفه حقوق بوده و امروزه ضوابط حقوقی مشخصی به عنوان وظایف حاکم به نفع شهروندان در نظام‌های حقوقی مختلف مورد شناسایی قرار گرفته است. همچنین تکالیف شهروندان نیز در کنار حقوق آن‌ها پیش‌بینی شده و با عنایت به سیر تحول نظریات مذکور، دیدگاه‌های مختلف پیرامون حقوق شهروندی هر یک تلاش می‌کنند تا مؤلفه‌های شفاف و مشخصی را در این زمینه مطرح نموده و در عین حال مطلق یا مقید بودن آن‌ها را بررسی نمایند. اگر حقوق شهروندی را مجموعه حقوق و امتیازاتی در نظر بگیریم که در یک نظام سیاسی و حقوقی معین به افراد به واسطه رابطه شهروندی اعطا می‌شود، بدون شک مقید و مشروط بودن حقوق شهروندی به انجام تکالیف در قبال حکومت از مهم‌ترین مسائلی است که در این زمینه باید مورد بررسی قرار بگیرد. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ داده خواهد شد که از منظر حقوق شهروندی محدوده اصلی رابطه متقابل میان حاکم و مردم چگونه صورت‌بندی می‌شود و شاکله کلی حقوق شهروندان در مقایسه با تکالیف آن‌ها تابع چه میزان اطلاق و تقیید خواهد بود. در مقام جمع‌بندی باید گفت که بدون شک وجه ممیزه حقوق شهروندی از حقوق بشر، رابطه تابعیت است و همین امر چارچوب کلی حقوق شهروندی را از اطلاق و کلیت خارج نموده و استیفای این حقوق به انجام تکالیف شهروندی به ویژه در قبال حکومت و عموم شهروندان گره می‌خورد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، تکالیف شهروندی، حقوق عمومی، فلسفه حقوق شهروندی.

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ shhashemi72@isu.ac.ir

۲- دانش‌آموخته مقطع کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه السلام

ارزیابی شیوه‌نامه اجرایی آئین‌نامه انضباطی دانشجویان مصوب ۱۴۰۱ از منظر حقوق شهروندی

علی شرف‌الدین^۱

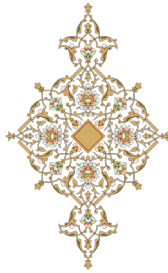
چکیده

شورای انضباطی دانشجویان یک نهاد شبه قضائی است که در دل نظام آموزش عالی وظیفه خطیر رسیدگی به تخلفات و جرایم ارتكابی از سوی دانشجویان را برعهده دارد. عملکرد صحیح و دقیق این شورا در پرتو اصول دادرسی عادلانه ضمن رعایت حقوق شهروندی، تضمین کننده سلامت جامعه دانشگاه به عنوان محیط تحصیل قشر فرهیخته جامعه و نیز متخصصین آینده کشور است که مهمترین قسمت از فرایند جامعه پذیری ایشان در برهه حساس جوانی در دانشگاه رخ می‌دهد. در پاییز سال ۱۴۰۱ هجری شمسی شیوه‌نامه اجرائی آئین‌نامه انضباطی دانشجویان به تصویب رسید. این شیوه‌نامه بر اساس شیوه‌نامه قبلی (۱۳۹۸) تدوین شده است. این پژوهش مبتنی بر روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای به دنبال پاسخ این پرسش اصلی است که کیفیت تغییرات و مفاد شیوه‌نامه انضباطی جدید با توجه به مؤلفه‌های حقوق شهروندی در عرصه رسیدگی انضباطی چگونه است؟ در این پژوهش به بررسی تغییرات شیوه‌نامه اخیر از منظر حقوق شهروندی پرداخته شده است. عمده تغییرات صورت گرفته به منظور شتاب بخشیدن به رسیدگی و کاستن از تشریفات آئین رسیدگی بوده است. شایان ذکر است که در این میان شاهد حذف یا تلخیص مقرره‌هایی که به نفع دانشجوی متهم می‌باشد هستیم مانند تفهیم کتبی اتهامات، حق دسترسی به پرونده یا تفهیم کتبی

۱- دانش‌آموخته کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشگاه امام صادق علیه السلام

حقوق دفاعی دانشجو. به نظر می‌رسد عمده تغییرات صورت گرفته باعث تقلیل و تضعیف وضعیت حقوق دفاعی دانشجوی متهم شده است. از آن جایی که حقوق دفاعی متهم در مراجع قضائی یا شبه قضائی از جمله حقوق حقوق شهروندی اشخاص می‌باشد به بررسی و تحلیل تغییرات شیوه‌نامه انضباطی اخیر پرداخته شده است که به نظر می‌رسد عمده تغییرات وضعیت دفاعی دانشجوی متهم را در وضعیت سخت‌تری نسبت به گذشته قرار داده است و شایسته است شیوه‌نامه جدید به دور از شتابزدگی و سیاست‌زدگی مورد اصلاح و بازبینی قرار بگیرد.

واژگان کلیدی: کمیته انضباطی، شیوه‌نامه انضباطی دانشجویان، دادرسی عادلانه، حقوق شهروندی.



نگاهی به حقوق اساسی مغفول مندرج در قانون اساسی و نحوه احیای آن؛ اصل ۲۷

امیرحسین اقبالی^۱

محمد بوالحق^۲

چکیده

یکی از حقوق طبیعی و اساسی در حقوق شهروندی، حق تعیین سرنوشت سیاسی می باشد که نشاط سیاسی و حق اعتراض مبتنی بر اصل ۲۷ قانون اساسی از موارد آن است که به رسمیت شناخته شده است. رویکرد این است که این حق با دقت و درست اجرایی و نهادینه شود. مسئله اصلی در کشور نهادینه کردن حق اعتراض است، اما در این مسئله با چالش هایی مواجه هستیم، از جمله آسیب هایی که در فرهنگ سیاسی ما وجود دارد و از طرفی مداخلات خشونت آمیزی که عناصر ضد انقلاب دارند موجب می شود که این اعتراضات نتیجه مطلوب نداشته و ماهیت و کارکرد خود را از دست بدهند و لذا بایستی نهادینه کردن حق اعتراض به درستی تبیین شود. اصل ۲۷ در واقع حاصل گفتمان انقلاب اسلامی است، گفتمانی که بر محوریت استقلال و آزادی شکل گرفته و نمایانگر یک نظام سیاسی است که درون خودش سلیق گوناگون و مختلفی را جای داده و بنا دارد تفکرات متکثر را مدیریت کند؛ از این نظر این اصل یک اصل پیشرو و مترقی به شمار می آید اما این که چرا این اصل آن طور که باید و شاید اجرایی نشده موضوعی است که در این مقاله با رویکرد مطالعه تطبیقی و بررسی نظرات و مبانی و اصول و شکافتن ابعاد فنی بدان پرداخته خواهد شد.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، حق اعتراض، اصل ۲۷ قانون اساسی، حق تعیین سرنوشت.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام

لزوم آموزش حقوق شهروندی به مردم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی

محمد حسن پور^۱

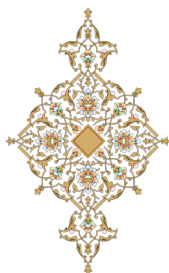
چکیده

در هر نظام حقوقی - سیاسی (کشور) «تابعیت» علقه‌ای است که سبب پیوند جغرافیایی، سیاسی و روحی بین افراد و سرزمین می‌گردد. تابعیت، فارغ از آثار و تبعات مختلفی که در زندگی افراد دارد، زمینه برخورداری از حقوق مختلفی را فراهم می‌کند که در چارچوب جغرافیایی آن سرزمین به همه‌ی افراد تعلق می‌گیرد. حقوق شهروندی، مجموعه‌ی حق‌هایی است که تابعان هر کشور بدون توجه به ویژگی‌های نژادی، زبانی و قومی از آن‌ها برخوردارند. فارغ از مصادیق مختلف این دسته از حقوق، یکی از مقدمات لازم جهت بهره‌مندی، اعمال و جلوگیری از نقض آن‌ها، آگاهی و اطلاع عموم شهروندان از مصادیق این حقوق و شیوه‌ی اعمال و برخورداری از آن‌ها است. بند ۲ اصل سوم قانون اساسی «بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها» را از جمله اموری دانسته که دولت مکلف است حداکثر توان و ظرفیت خود را برای تحقق آن بکارگیرد. یکی از مهمترین مصادیق و حوزه‌های اعمال و اجرای این حکم از قانون اساسی، حوزه حقوق شهروندی است. عدم آگاهی افراد از مصادیق حقوق خویش، یکی از مهمترین زمینه‌های نقض قوانین و تضييع حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود. بنابراین نه تنها عدم آموزش، خود به صورت مستقل نقض حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود (نقض حق برآموختن و اطلاع) بلکه زمینه تضييع و نقض سایر حقوق شهروندی را فراهم می‌کند.

۱- عضو هیات علمی دانشگاه جامع امام حسین علیه السلام

آگاهی و آموزش حقوق شهروندی علاوه بر اینکه زمینه‌ی احقاق
بیش از پیش این مهم را فراهم می‌نماید، ابزاری مهم در اعتلای
اصل حاکمیت قانون در جامعه و نیز یاری‌گر دولت و نهادهای
حاکمیتی در اجرای قانون است. مقاله حاضر با روش تحقیق
توصیفی-تحلیلی به دنبال اثبات لزوم آموزش حقوق شهروندی به
مردم در نظام حقوقی جمهوری اسلامی و تبیین مبانی آن است.

واژگان کلیدی: آموزش حقوق شهروندی، جمهوری اسلامی، بند ۲
اصل سوم قانون اساسی، نظام حقوقی.



حق بر مسکن به مثابه حق شهروندی در نظام حقوقی ایران؛ تحلیل و آسیب شناسی با تأکید بر آراء و اندیشه شهید بهشتی محمد صادق داریوند^۱

چکیده

یکی از حقوق شهروندی افراد جامعه، حق برخورداری ایشان از مسکن متناسب است و این حق بنیادین در قانون اساسی کشورهای مردم سالار مورد تأکید قرار می‌گیرد. به دنبال پیروزی انقلاب اسلامی و تشکیل مجلس خبرگان قانون اساسی با حضور نمایندگان منتخب مردم، مسئله به رسمیت شناختن حقوق و آزادی-های شهروندی مردم مورد تأکید و پافشاری اعضای حاضر در این مجلس بود تا جایی که فصل سوم قانون اساسی به نام حقوق ملت تدوین شد و حق برخورداری از مسکن مناسب برای همه افراد ایران در این فصل و در اصل سی و یکم مورد تصویب قرار گرفت. یکی از اشخاص برجسته حاضر در این مجلس که نقش ارزنده‌ای در تدوین قانون اساسی داشته است، شهید بهشتی است. پژوهش حاضر سعی بر آن داشته تا با استفاده از روش توصیفی تحلیلی بدین پرسش پاسخ دهد که حق بر مسکن در نگاه شهید بهشتی چگونه بوده و ایشان مسئله تأمین مسکن برای افراد جامعه را چگونه تحلیل می‌نمایند؟ نتایج حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد شهید بهشتی معتقد است که همه انسان‌ها به یک سرپناه برای آسایش جسمی و روحی احتیاج داشته و نهادهای حکومتی موظف هستند تا برای تأمین این نیاز اصیل شهروندان جمهوری اسلامی تمام همت و تلاش خود را معطوف به اجرایی سازی آن بنمایند و از آنجایی که کمبود مسکن از عوامل فشار اقتصادی بر مردم است، دولت و مجلس برای جلوگیری از بروز این واقعه بایستی نسبت به عرضه زمین ارزان قیمت به اشخاص فاقد مسکن و از راه وام دادن بدون سود و بهره برای ساخت مسکن اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: شهید بهشتی، حقوق شهروندی، قانون اساسی، حق بر مسکن مناسب، جمهوری اسلامی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام

جنبه‌های بی‌عدالتی در نظام تبعیض‌های مثبت

ابوذر عبدی^۱

چکیده

عدالت اساس هر نظام حقوقی را شکل می‌دهد که گاهی بر عدم تساوی سوق می‌یابد. فارغ از اینکه چه مفهومی از عدالت مدنظر باشد و نظریه کدام مکتب ملاک باشد، می‌توان به تعریفی مشترک دست یافت که آن عناصر همه تعاریف فوق را به صورت تقریبی در کنار هم قرار دهد. تبعیض اصولاً خلاف عدالت است. این دو مفهومی ضد هم هستند. اما گاه همین تبعیض باید باشد تا جبرانی بر بی‌عدالتی‌های گذشته و شاید آینده شود. اصطلاحاً به این موارد تبعیض‌های مثبت گفته می‌شود. این تبعیض‌ها تا جایی روا هستند که ترازوی عدالت را بر جای خود میزان کنند. از آن حد که بگذرد نه تنهایی بی‌عدالتی است بلکه موجب اختلال در نظام حقوقی می‌شود. هدف این مقاله یافتن این حدود است. در این خصوص سؤالاتی که مطرح می‌شود این است که تبعیض‌های مثبت تا کجا عادلانه هستند؟ آیا باید در ظرف مکانی یا زمانی خاصی قرار گیرند؟ کدام حوزه‌های حقوقی را شمول می‌دهد؟ آیا هر جا بی‌عدالتی باشد این تبعیض‌ها می‌توانند جبران مافات کنند؟ برای پاسخ به این سؤالات از روش تحلیلی استفاده شده که به یافته‌هایی گاه متفاوت با آنچه غالب در ادبیات حقوقی مطرح است، می‌رسیم. در بیان روشن‌تر و منتج‌گونه تبعیض اصولاً خلاف عدالت است و در برخی موارد که عدالت مخدوش می‌شود می‌توان از این روش بهره برد. بدیهی است که در حوزه حقوق امر خلاف اصل تا حد امکان باید محدود تفسیر و اجرا شود. هر جا که با فضای شک مواجه باشیم باید به اصل رجوع کرد. برای همین لازم است نظامی طراحی شود که این تبعیض‌ها را برای برقراری هرچه بیشتر عدالت سامان دهد.

واژگان کلیدی: عدالت، بی‌عدالتی، تبعیض مثبت، نظام حقوقی.

۱- کارشناسی ارشد، پژوهشگر حقوق بین‌الملل و قضایی دادگستری؛ abozzarabdi@yahoo.com

حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های مذهبی در نظام حقوقی ایران در پرتو قانون اساسی و نظرات شورای نگهبان

احمد تقی زاده^۱

حمید فعلی^۲

چکیده

حقوق و آزادی‌های شهروندان در کشورهای مختلف، از مباحث مهم مربوط به حقوق اساسی است. اقلیت‌ها یکی از انواع گروه‌های شهروندان هستند که خود به دسته‌ها و انواع گوناگونی همچون اقلیت‌های دینی، مذهبی، زبانی، نژادی و... تقسیم می‌شوند. با توجه به اینکه موضوع نقض حقوق اقلیت‌های فوق، احتمالی است که نمی‌توان آن را نادیده گرفت، قانون‌گذار اساسی در بسیاری از کشورها، نسبت به تبیین حقوق و آزادی‌های اقلیت‌های دینی و به‌طور خاص، اقلیت‌های مذهبی اقدام می‌نماید. در جمهوری اسلامی ایران نیز، قانون‌گذار اساسی، در برخی از اصول قانون اساسی به بهره‌مندی اقلیت‌های مذهبی از حقوق و آزادی‌های مختلف، تصریح نموده است. بر این اساس، سؤال این مقاله آن است که کمیت و کیفیت بهره‌مندی اقلیت‌های مذهبی ایران از حقوق و آزادی‌های مختلف، در مقایسه با بهره‌مندی سایر شهروندان ایرانی از این حقوق و آزادی‌ها چگونه است؟ با استفاده از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی، این نتیجه به دست آمد که مبتنی بر قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نظرات شورای نگهبان، اقلیت‌های مذهبی در ایران، همانند سایر شهروندان ایرانی و پیروان مذهب رسمی از حقوق و آزادی‌های بنیادین در ابعاد فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و اداری و استخدامی بهره‌مند هستند، اما در برخی موارد مانند حقوق اقتصادی، نیاز به قانون‌گذاری و ایجاد تضمین لازم مطابق قانون اساسی وجود دارد.

کلیدواژه‌ها: حقوق و آزادی‌ها، اقلیت‌های مذهبی، قانون اساسی، نظرات شورای نگهبان، بهره‌مندی، محرومیت.

۱- دانش‌آموخته دکتری حقوق عمومی دانشکده‌های فارابی دانشگاه تهران
۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی

تحلیل ماهیت حقوق عامه موضوع اصل ۱۵۶ قانون اساسی و سازوکار تضمین آن

محمد اسماعیلی^۱

چکیده

بر اساس بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی - های مشروع از جمله وظایف قوه قضائیه است؛ با این وجود و علی رغم اینکه ذکر مستقل این وظیفه در یک بند جداگانه ذیل اصل مزبور به معنای ارزش مستقل آن با سایر وظایف قوه قضائیه است به دلایلی نظیر ابهام عبارات و اهمیت و کثرت پروندهها در حوزه دادرسی در قیاس با سایر بندهای اصل مذکور، سازوکار اجرایی معتنی بهی برای وظیفه مزبور پیش بینی نشده است در همین راستا در پژوهش پیش رو با رویکرد حل مساله و با بهره گیری از منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل قوانین و مقررات ضمن ایضاح عبارت‌ها و مفهوم‌شناسی ماهیت حقوق عامه و تطبیق با سایر مفاهیم مشابه این نتیجه را رهنمون می‌سازد که علی رغم اهمیت دسته اول وظیفه قوه قضائیه در رابطه با بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی احیای حقوق عامه در قیاس با سایر وظایف این اصل مغفول مانده و نیازمند ازدیاد کوشش است که به شرح آتی و با امعان نظر به گستره شمول عام مفهوم عبارت حقوق عامه می‌توان مصادیق متکثر آن را مشخصاً شناسایی و امکان تضمین آن را فراهم نمود.

واژگان کلیدی: احیای حقوق عامه، آزادی، تضمین آزادی، اصل ۱۵۶.

۱- پژوهشگر کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه قم و مدرس؛ 110m.esmaeili@gmail.com

حق مشارکت سیاسی معلولان در نظام حقوقی ایران

مسعود حسن آبادی^۱

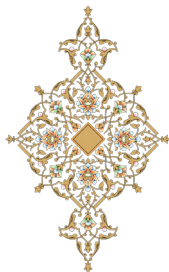
چکیده

حق مشارکت سیاسی، یکی از مهمترین حقوقی است که در هر نظام برای همه افراد جامعه در نظر گرفته می-شود. تا جایی که بهره‌مندی کلیه آحاد جامعه از این حق، می‌تواند در بررسی‌های حقوق شهروندی و حقوق بشری نیز مورد ارزیابی قرار گیرد. در همین راستا، معلولان که بخش قابل توجهی از این جامعه را تشکیل می‌دهند و بر طبق اصول مختلف قانون اساسی و حتی اصول فقهی اسلامی، باید دارای حقوق برابر با دیگر افراد جامعه باشند نیز باید به طور کامل، از این حق، بهره‌مند گردند و شرایط لازم برای مشارکت فعال و اثر بخش، در زندگی اجتماعی خود را داشته باشند. همچنین در نظام حقوقی اسلام و حتی در نظام بین الملل نیز به حق مشارکت سیاسی معلولان سفارش‌ها و تاکید‌های فراوانی شده است. یکی از مباحثی که در این زمینه مطرح می‌باشد، ایجاد شرایط و امکاناتی از سوی حکومت است که این امکان را فراهم آورد تا معلولان در کلیه انتخابات‌ها و همه‌پرسی‌ها، بتوانند هم در انتخاب کردن و هم در انتخاب شدن از شرایط برابر با دیگران برخوردار باشند. هدف از نوشتن این متن تبیین این موضوع است که تا چه میزان این شرایط در جمهوری اسلامی ایران برای افراد معلول به صورت یکسان با دیگران وجود دارد و مبتنی بر نقایص موجود در راستای ایجاد وضعیت مطلوب، راهکارهایی جهت

۱- دکترای حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ m.hasanabady@gmail.com

اصلاح قوانین، ارائه گردد. پژوهش‌های صورت گرفته نشان داد که اگرچه بسیاری از اقشار معلول، از حق رأی دادن برخوردارند ولی به طور کلی برخورداری معلولان از حقوق سیاسی در ایران با نقایص و کاستی‌های جدی رو به رو می‌باشد و برخی گروه‌های معلولان مانند نابینایان حتی در انتخاب کردن نیز از شرایط یکسانی با افراد دیگر جامعه برخوردار نیستند.

واژگان کلیدی: حق مشارکت سیاسی، افراد دارای معلولیت، انتخاب کردن، انتخاب شدن، شرایط، تساوی در برابر قانون.



حقوق شهروندی به سبک شهید سلیمانی

علی فهیم دانش^۱

عرفان حسن زاده^۲

چکیده

حقوق شهروندی به عنوان یکی از مهم‌ترین مسائل جوامع بشری که از آن به عنوان تنها ضامن تامین آزادی-های بنیادین برای یک زندگی فردی و اجتماعی فعال یاد می‌شود، است. اصولی همچون امنیت، آزادی، رفع تبعیض و برابری از مهم‌ترین مسائلی است که در حقوق شهروندی مورد تاکید است. سردار شهید حاج قاسم سلیمانی در مجموعه اقدامات خود در سپاه قدس یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان تاریخ معاصر در حوزه تامین حقوق شهروندی ملت‌های منطقه بوده است که در اثر غلبه رسانه سلطه، چهره حقیقی ایشان در برقراری صلح و امنیت در سطح منطقه مکتوم مانده است. تلاش‌های مجاهدانه مدافعان حرم یک فضای امنیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی را در مناطق اشغالی به وجود آورد که مردم بتوانند حقوقی را که با وجود داعش امکان استیفای آن محال بود، برخوردار شوند و در ذیل حقوق شهروندی خود بتوانند زندگی محترمانه و به دور از تبعیض ناشی از هرگونه تفاوت در رنگ، نژاد، عقیده و زبان داشته باشند و فعالانه در اداره امور کشور مشارکت کنند.

واژگان کلیدی: حقوق شهروندی، اشغال، حاج قاسم سلیمانی، امنیت، آزادی.

۱- دکتری حقوق بین‌الملل، مدرس دانشگاه: afahimdanesh@gmail.com
۲- دانشجوی کارشناسی‌ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق علیه‌السلام: erfani18091@gmail.com

نظام‌شناسایی و وضع و صیانت از آزادی‌های مشروع

امیرحسین اقبالی^۱
محمد بوالحق^۲

چکیده

آسیب‌شناسی نظام حقوق شهروندی و واکاوی در الزامات صیانت از گستره آزادی‌های مشروع، مقتضی شناسایی مجموعه حق‌های شهروندان و یا حق‌های ملت است. از این رو ضروری است تا علاوه بر تدقیق در اسناد بین‌المللی به تمامی ابعاد نظام حقوقی نیز توجه کرده و کلیه هنجارهای نظام حقوقی را در این راستا مورد بررسی قرارداد. همچنین علاوه بر شناسایی عناصر، باید محورهایی را که دقایق اصلی عناصر حق‌های شهروندی پیرامون آن جریان دارند، استخراج شده و به شکل مطلوبی منقح شوند و در نهایت با عنایت به اقدامات پیش‌گفته راهبردهایی برای پروژه‌های مرتبط با حقوق شهروندی ارائه داد که از آن دست می‌توان به لوایحی اشاره نمود که درصدد ارائه طرحی جامع برای احیا و احقاق حقوق ملت‌اند. تعیین آزادی‌های مشروع و ماهیت آن و سلسله اقدامات در راستای تامین آزادی‌های مشروع برای شهروندان و راهکارهای اجتناب از محدودیت آن و شناسایی ساختارهای نظام آزادی مشروع از مباحث مهمی است که به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: آزادی مشروع، حقوق شهروندی، صیانت از نظام آزادی مشروع، احیای حقوق ملت.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

نقش قوه مجریه در پیشگیری و کنترل بزهکاری از منظر حقوق شهروندی

امیرحسین خسروآبادی^۱

چکیده

در بند (۵) اصل (۱۵۶) قانون اساسی، «اقدام مناسب برای پیشگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین» به عنوان یکی از وظایف قوه قضائیه بیان شده است. این در حالی است که پیشگیری و کنترل بزهکاری مشتمل بر برنامه‌های راهبردی و سیاست‌های منسجمی است که باید با همکاری طیف وسیعی از کنش‌گران اجتماعی و نهادها اجرا شود. در این میان، قوه مجریه یکی از مهمترین نهادهایی است که نقش اساسی در پیشگیری و کنترل بزهکاری ایفا می‌کند. به همین دلیل علاوه بر عضویت تعدادی از عالی‌ترین مقامات اجرایی در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، تأیید و اجرای مصوبات این شورا با ابلاغ رئیس جمهور و همچنین مطالعه و بررسی نسبت به علل وقوع پدیده مجرمانه، از جمله تکالیف و اختیاراتی است که در قانون پیشگیری از وقوع جرم برای قوه مجریه پیش‌بینی شده است. اما این سؤال وجود دارد قوه مجریه در مهار پدیده جنایی چه نقش منسجم و سازمان‌یافته‌ای می‌تواند ایفا کند. با توجه به دسته‌بندی راهبردهای پیشگیرانه از حیث فرایند گذار از اندیشه به عمل مجرمانه، قوه مجریه در هر سه مرحله پیشگیری نخستین، دومین و سومین، کارکردهای ویژه‌ای در فرایند پیشگیری و کنترل بزهکاری خواهد داشت. قوه مجریه در مرحله پیشگیری نخستین، سهم عمده‌ای در شکل‌گیری

۱- دانشجوی مقطع دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی (ره)، تهران؛
Ah.khosroabadi@gmail.com

شخصیت کودک و نوجوان دارد. سیاست‌های دولت در ارتقای وضعیت نهاد خانواده از حیث اقتصادی و فرهنگی، راهبردهای دولت در حوزه آموزش و پرورش و برنامه‌های سازنده در رسانه ملی می‌تواند مانع جدی در برابر شکل‌گیری اندیشه مجرمانه محسوب شود. نقش قوه مجریه در مرحله پیشگیری دومین نیز بسیار حیاتی است. به طور تقریبی می‌توان ادعا کرد اجرای برنامه‌های پیشگیری وضعی و جلوگیری از ارتکاب کنش جنایی منوط به برنامه‌ریزی و اراده از سوی دستگاه‌های اجرایی است. بدون توجه قوه مجریه و هماهنگی دستگاه‌های اجرایی در اجرای راهبردهای پیشگیری دومین، ارتکاب کنش جنایی از سوی اشخاص معطوف به بزهکاری بسیار محتمل خواهد بود. همچنین سهم قوه مجریه در روند اصلاح و درمان بزهکاران باید مورد توجه قرار گیرد. فرایند بازگشت بزهکار به جامعه نیازمند برنامه‌ریزی منسجم و اقدامات حمایتی است که بدون پشتوانه مالی و اقدامات حمایتی رفاهی از سوی دستگاه‌های اجرایی، با چالش مواجه می‌شود. نقش قوه مجریه در تمام این مراحل، یک تکلیف در راستای صیانت از حقوق شهروندان بر دارا بودن فضای ایمن و محیط سالم و جامعه‌ای متعالی است. پژوهش حاضر در نظر دارد با روش توصیفی-تحلیلی، نقش منسجم و نظام‌مند از قوه مجریه در فرایند پیشگیری از بزهکاری ارائه دهد. با توجه به جایگاه قوه مجریه در شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم، این قوه مجریه ضمن دارا بودن نقش سیاست‌گذاری، پشتوانه اجرایی در تحقق مصوبات شورا را نیز خواهد داشت.

واژگان کلیدی: پیشگیری از بزهکاری، کنترل بزهکاری، سیاست‌های رفاه‌گرایی، شورای عالی پیشگیری از وقوع جرم.

دلالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق شهروندی؛ رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی

سید جواد حسینی^۱

چکیده

ورود ایران به عصر مدرن منجر به تحول در ساختارهای اجتماعی و حقوقی جامعه‌ی ایران شد. یکی از مهمترین این دگرگونی‌ها، تغییر و بازخوانی نظام حقوقی و به ویژه حقوق عامه بود. اندیشمندان، نخبگان و حقوق دانان تلاش کردند با رسمیت بخشیدن به مفهوم جامعه‌ی مدنی در مقابل شبکه‌ی رسمی حاکمیت، حقوق مردم را به عنوان یکی از مهمترین ابعاد حقوق اساسی تبیین کنند. با شکل‌گیری نظام حقوقی مدرن، "حقوق شهروندی" به عنوان یکی از مهمترین مفاهیم حقوقی تاریخ معاصر ایران مطرح شد. این حق در نظام حق و تکلیف حقوقی ایران از دیرباز مدنظر بوده است اما صورت‌بندی آن به صورت و معنای مدرن و مبتنی بر نظام‌واره‌ی حقوقی متجدد، از انقلاب مشروطه توسط روشنفکران و نخبگان سیاسی مطرح و پس از آن تلاش شد در ساختار حقوقی جامعه‌ی ایران گنجانده شود. اما تحولات جامعه‌ی ایران از ۱۲۸۵ (انقلاب مشروطه) تا ۱۳۵۷ (انقلاب اسلامی ایران) در ابعاد مختلف و متعدد اندیشه‌ای، اجتماعی و سیاسی به گونه‌ای بود که حقوق شهروندی در آن تبدیل به یک خواست عمومی شده و این اراده در تدوین قانون اساسی ۱۳۵۸ از سوی نخبگان و خبرگان در سند قانون اساسی منعکس شده است. اگرچه این تکاپو و سیر تاریخی در

۱- عضو هیئت علمی دانشکده معارف اسلامی و علوم سیاسی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام، گروه جامعه‌شناسی سیاسی: s.j.hosseini66@gmail.com

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به صورت متعالی تبدیل به یک سند حقوقی رسمی شده است اما دو بعد از آن مغفول واقع شده است. نکته‌ی اول دلالت‌های حقوق شهروندی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. نخبگان و اندیشمندان انقلاب اسلامی متأثر از بنیان‌های اندیشه‌ای و نظری رهبران آن، به مفهوم "حقوق شهروندی" توجه داشته‌اند اما دلالت‌های آن به درستی و مبتنی بر رویکرد انقلاب اسلامی تبیین نشده است. همچنین از رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان یک رویکرد مهم و ضروری در مباحث حقوق اساسی و حقوق عامه غفلت شده است. این نکته از آن روست که رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی به عنوان یک رویکرد میان رشته‌ای به بررسی تعامل حاکمیت و جامعه مدنی می‌پردازد. به عبارت دیگر رویکرد و رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی این ظرفیت را ایجاد می‌کند که درک بهتر و تبیین در دسترس‌تری از مفهوم حقوق شهروندی ارائه شود. در این پژوهش به دلالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر حقوق شهروندی خواهیم پرداخت. رهیافت اصلی در این پژوهش، رویکرد جامعه‌شناسی سیاسی می‌باشد. از این رو مبتنی بر روش دلالت‌پژوهی گزاره‌هایی که در سند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر مفهوم حقوق شهروندی دلالت و اشعار و یا اشاره دارند، به صورت تفکیکی مورد بررسی قرار می‌گیرند. توصیف و تفسیر این گزاره‌ها و همچنین استخراج دلالت‌های آن از اهداف این پژوهش می‌باشد. همچنین مبتنی بر رویکرد و رهیافت جامعه‌شناسی سیاسی تلاش می‌شود زمینه‌های شکل‌گیری این دلالت تبیین شود.

واژگان کلیدی: قانون اساسی، حقوق شهروندی، جامعه‌شناسی سیاسی، ایران.

حقوق شهروندی و لزوم بازنگری در مفهوم تنقیح قوانین و تدوین قانون جامع

محمد عبدالصالح شاهنوش فروشانی^۱

چکیده

اجرا و استیفای تکالیف و حقوق شهروندان منوط به امکان تشخیص آن تکالیف و حقوق است. وجود احکام متعدد قانونی می‌تواند این تشخیص را سخت و ناممکن نشان دهد. عدم تبویب و دسته بندی احکام و بیان روابط میان آنها یکی از عوامل مهم در ایجاد چنین شرایطی است. از همین رو نظام‌ها و مکاتب مختلف حقوقی تلاش کرده‌اند تا مصوبات قانونی خود را در قالبی که دسترسی به حکم موضوع مورد نظر را آسان می‌نماید، دسته بندی و ارائه کنند. با این حال، عوامل مهم دیگری نیز در این سردرگمی موثر است. یکی از این عوامل عدم وجود روش‌های معیار برای تفسیر و استدلال حقوقی و قضایی است. قانون تدوین و تنقیح قوانین و مقررات کشور مصوب سال ۱۳۸۹ تلاشی حداقلی برای حل مساله ارائه داده است و با احتیاط فراوان از ارائه راهکار قدرتمند برای تنظیم قوانین و مقررات در قالب نو صرف نظر کرده و از تبیین مفهوم و چارچوب قانون جامع طفره رفته است. از همین روی غایت نهایی قانون فوق الذکر یعنی تشخیص قوانین معتبر و اعلام آنها و در نهایت دسترس پذیر نمودن حقوق و تکالیف قانونی برای شهروندان، محقق نشده است. یافتن راهی میانه که نه دچار افراط ساده انگارانه شود و نه تفریط سخت گیرانه، نیازمند بازنگری در معنا و مفهوم تنقیح و توجه به همه سوابق تاریخی در حوزه تنقیح است. **واژگان کلیدی:** قانون، دسته بندی قوانین و مقررات، تنقیح، تدوین قانون جامع، تفسیرپذیری، حقوق شهروندی.

۱- دکتری حقوق خصوصی و مدعو موسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی

بررسی فقهی حقوقی عبارت مخل مبانی اسلام اصل بیست و هفتم قانون اساسی

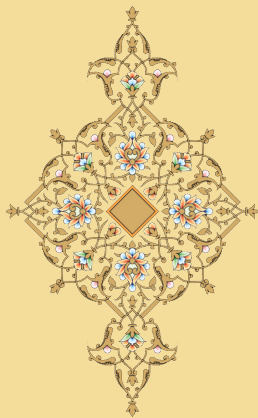
حمید سلیمی^۱

چکیده

حق اعتراض و برگزاری تجمعات از جمله حقوق عامه و حقوق شناخته شده در قانون اساسی است. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اصول نهم و بیست و هفتم قانون اساسی تاکید بر غیر قابل سلب بودن آزادی‌های مشروع و آزادی تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها بدون حمل سلاح و اخلال در مبانی اسلام دارند. با آنکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بر آزادی اعتراضات و تجمعات دلالت دارد، اما با عنایت به روشن نبودن منظور قانونگذار اساسی از مخل مبانی اسلام و عدم تفسیر اصل بیست و هفتم قانون اساسی توسط شورای نگهبان در پیاده سازی اصول فوق الذکر در جامعه با ابهاماتی مواجه شده‌ایم. هدف این مقاله این است که تفسیری راهگشا از اصل بیست و هفتم قانون اساسی با توجه مشروح مذاکرات قانون اساسی و متون فقهی و حقوقی ارائه کند. براین اساس سوال اصلی مقاله چنین است: «منظور از مخل مبانی اسلام در اصل بیست و هفتم قانون اساسی چیست؟» امنیت از جمله نیازهای اساسی هر جامعه است که تصور جامعه بدون امنیت امکان پذیر نیست. می‌توان عبارت مخل مبانی اسلام را هر آنچه که مخل مبانی امنیت باشد تفسیر کرد.

واژگان کلیدی: مبانی اسلام، امنیت، اعتراضات، تجمعات، تفسیر قانون اساسی.

۱- کارشناس ارشد حقوق عمومی



فصل سوم:
حقوق فناوری،
فضای مجازی و رسانه

تأثیر توسعه‌ی فناوری‌های برافکن در حقوق شهروندی

محمدهادی عبادی^۱

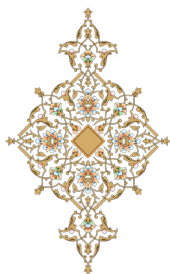
چکیده

توسعه‌ی فناوری همواره در تمام شئون زندگی آحاد جامعه تأثیرگذار است، به نحوی که حتی بعضاً تحول‌های بنیادین در زندگی فردی و اجتماعی آنان ایجاد می‌کند. از جمله عرصه‌هایی که از تحولات فناورانه، متأثر می‌شود، کم و کیف حقوق شهروندی است؛ گاهی توسعه یک فناوری منجر به نقض گسترده حقوق شهروندان می‌شود و در مواردی، موجب ارتقاء آن می‌گردد. در این میان فناوری‌های برافکن به دلیل ایجاد تحولات بنیادین در حوزه‌های مختلف، بعضاً سبب آثار غیرقابل پیش‌بینی در جامعه می‌شوند. این تأثیرگذاری در حوزه حقوق شهروندی نیز نمایان می‌شود و شهروندان و جامعه را با چالش و حقوق و تکالیف جدیدی مواجه می‌سازد. چنانچه آگاهی نسبی نسبت به تحولات ناشی از توسعه فناوری‌های برافکن مثل سایبروعلوم شناختی وجود داشته باشد، با اقدامات پیشگیرانه، می‌توان نقض و تحدید حقوق شهروندی و تحمیل تکلیف مایطابق بر حاکمیت را کاهش داد. در صورت عدم آگاهی، چالش‌های اجتماعی ناشی از نقض حقوق شهروندی می‌تواند بحران‌های اجتماعی را در پی داشته باشد. نقض حریم خصوصی، گسترش فعالیت گروه‌های غیررسمی با اهداف سیاسی و اقتصادی مخرب، تغییر باورها و ارزش‌های افراد جامعه بدون توجه به تاریخ و تمدن آنان، کاهش امکان حمایت حاکمیت‌ها از شهروندان خود، افزایش استفاده ابزاری از کودکان و بی‌توجهی به

۱- معاون هماهنگی و برنامه‌ریزی امور حقوقی دستگاه‌های اجرایی معاون حقوقی رئیس جمهور

حقوق اقلیت‌ها از جمله آثار نامطلوب توسعه فناوری‌های برافکن است که در صورت عدم آگاهی از آثار توسعه آن‌ها باید شاهد باشیم. چنانچه مواجهه فعال و منطقی در توسعه فناوری‌های مذکور اعمال شود؛ شهروندان می‌توانند در اعمال حقوق سیاسی خود (برگزاری انتخابات با استفاده از فناوری بلاکچین) مناسب‌تری داشته باشند و همچنین از دسترسی بهتری به خدمات اجتماعی، درمانی و اقتصادی برخوردار گردند.

کلیدواژگان: حقوق شهروندی، توسعه فناوری، فناوری برافکن، مواجهه فعال و بحران اجتماعی.



مطالعه تطبیقی مسئولیت مدنی رسانه‌در افشای اطلاعات اشخاص

محمد رضا حسین پور^۱

چکیده

در کنوانسیون اروپا در اکتبر ۱۹۹۶ به موضوع حق حفظ اطلاعات اشاره شده است که با در نظر گرفتن «اصل دسترسی آزاد به اطلاعات»، درباره فعالیت رسانه‌ها، این آزادی را به شرطی پذیرفته است که موجب برنامه‌سازی رسانه‌ای زیانبار یا تقصیرآمیز نباشد به طوری که در بندهای ۵، ۶ و ۷ از این کنوانسیون صراحتاً به این موضوع اشاره شده است. مبنای مسئولیت مدنی در نظام حقوقی ایران بر مبنای قاعده عام ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و نظریه تقصیر است. منتها در رابطه با مسئولیت رسانه‌ها و افشای اطلاعات، با توجه به وجود خسارات مستمر، باید قائل به نظریه ترکیبی شد. مطابق با ماده ۸ از قانون مذکور، می‌توان مبنای مسئولیت مدنی را به دو مرحله‌ی موقوف شدن عملیات زیانبار و بدون نیاز به اثبات تقصیر و مطالبه خسارات، بعد از اثبات تقصیر عامل زیان، تقسیم نمود. در رابطه با تعیین عامل زیان در محیط رسانه و رابطه سببیت، در نظام حقوقی ایران بر اساس قانون مطبوعات سال ۱۳۶۴ مسئولیت متوجه مدیر مسئول است و در برخی دیگر از نظام‌های حقوقی جهان، از جمله انگلیس متوجه صاحب امتیاز است. سوال اصلی این پژوهش این است که آیا مبنای مسئولیت مدنی رسانه در افشای اطلاعات، استثناء بر قاعده عام ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی ایران است؟ و بر اساس مبنای مفروض، کدام یک از اعضاء رسانه مسئول جبران خسارات می‌باشند؟ این پژوهش بر اساس نحوه گردآوری داده‌ها، از نوع توصیفی و روش گردآوری اطلاعات از نوع کتابخانه‌ای می‌باشد.

کلیدواژه‌گان: مسئولیت مدنی، رسانه، افشای اطلاعات، خسارات مستمر، مبنای.

۱- استاد مدعو حقوق خصوصی، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی

جستارهایی پیرامون حق بر فراموشی و حق بر گمنامی

احمد مؤمنی راد^۱

علی کاویانی کتولی^۲

چکیده

فناوری‌های دیجیتال که به بخشی جدایی‌ناپذیر از زندگی روزمره‌ی انسانها بدل شده‌اند با تغییر نوع روابط انسانی شدت آن را نیز افزایش داده‌اند. با گسترش این فناوری‌ها دولت‌ها در صدد اعمال حاکمیت خود در اینترنت برآمدند که این می‌تواند سبب تضییع حقوق شهروندان شود. ولی حق بر فراموشی و گمنامی می‌تواند از حقوق شهروندان در فضای مجازی در برابر دولت‌ها صیانت کند که با توجه به شدت یافتن اعمال حاکمیت دولت ایران در فضای مجازی بررسی این دو حق کلیدی ضرورت یافته است. این تحقیق توصیفی و براساس منابع کتابخانه‌ای بوده. مبنای ما در بررسی این دو حق اعلامیه‌ی جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی و اسناد اتحادیه‌ی اروپا بوده. به دنبال بررسی اسناد ذکر شده باید گفت که اگرچه رعایت این دو حق به صورت مستقل در اسناد حقوق بشری ذکر نشده است ولی ابزاری برای رعایت حق بر حریم خصوصی، آزادی عقیده و آزادی بیان در اینترنت هستند. در زمینه‌ی حق بر فراموشی لازم است که امکان حذف اطلاعاتی که توسط شهروندان و یا فرد ثالث منتشر شده ممکن باشد. و درباره‌ی حق بر گمنامی باید گفت که اصل بر رعایت این حق است و نقض این حق تنها باید به موجب قانون و ترتیبات قانونی صورت گیرد.

واژگان کلیدی: آزادی بیان، آزادی عقیده، حریم خصوصی، حق بر فراموشی، حق بر گمنامی.

۱- دانشیار گروه حقوق عمومی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: momenirad@ut.ac.ir
۲- دانشجوی مقطع کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران: ali.kaviani.k@ut.ac.ir

«قانون» لازمه تحمیل اقتدار به مردم؛ مطالعه موردی ساترا

سید محمد مهدی غمامی^۱

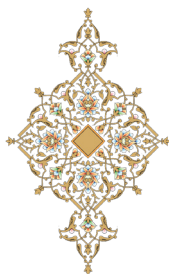
چکیده

تنظیم امور اجتماعی از تعهدات حکومت است و نهادهای قانونی ذیربط، موظفند با رعایت اصل حاکمیت قانون و در بالاترین سطح اصل حاکمیت قانون اساسی، اقدامات تنظیم‌گری خود را انجام دهند. بر اساس اصل حاکمیت قانون، هرگونه مداخله و استفاده از اقتدار و ویژه، نیازمند آن است که اولاً نهاد مداخله‌کننده بموجب قانون ایجاد شود و ثانياً حدود اختیارات و صلاحیت‌های آن بموجب قانون مشخص شده باشد. یعنی هم از حیث تاسیسی و هم سطح عملکردی باید در چارچوب قواعدی عمل کند که در فرآیند قانونگذاری، تدوین، تصویب و به نظر دادرسی اساسی و شرعی (شورای نگهبان) رسیده باشد. این فرایند، امکان مداخله را قانونمند و البته حقوق شهروندی را مراعات خواهد کرد چرا که همه کنشگران و شهروندان خواهند دانست با چه نهادی و الزاماتی مواجه هستند و چگونه باید رفتارها و تصمیمات خود را سامان دهند و البته اگر اقدامات نهاد دولتی برخلاف قانون صورت گرفت، با چه مستنداتی نزد مراجع ذیصلاح تظلم خواهی کنند. این چالش به لحاظ فقدان درک برخی از نهادها، بنحوی عمیق، کژکاردهایی را باعث شد. برای رفع این عدم التزام، در سال ۱۳۹۸ سیاست‌های کلی نظام قانونگذاری در ۱۷ بند ابلاغ شد. روح حاکم بر این سیاستها، رعایت قانون اساسی و شرع و بایسته‌های قانون نویسی، رعایت عدالت، جمع‌سپاری وضع قانون با شهروندان و مهمتر از

۱- دانشیار حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ ghamamy@isu.ac.ir

همه و ختم کلام "ترویج و نهادینه سازی فرهنگ رعایت، تمکین و احترام به قانون" است. یکی از نهادهایی که نتوانسته خود را با الزامات یادشده تطبیق ندهد صدا و سیما است. چرا که در حوزه مبهم صوت و تصویرفراگیر، بدون وجود قانون، ایجاد نهاد کرده و اختیاراتی را به آن سپرده است. در حالی که مقام معظم رهبری مدظله العالی مورخ ۲۲/۶/۱۳۹۴ خطاب به رئیس جمهور محترم، ابلاغ می کنند: "مسئولیت صدور مجوز و تنظیم مقررات صوت و تصویر در فضای مجازی و نظارت بر آن منحصراً بر عهده سازمان صدا و سیما است." اجرای این ابلاغ بدون تردید نیازمند اهتمام جهت پیشنهاد قانون از جانب سازمان بود که تاکنون اقدامی صورت نگرفته، در حالی که نهاد ساترا که ماهیت آن نیز با قوانین تطبیق ندارد اقدام به وضع الزاماتی کرده که تضمین قانونی ندارد و ضمناً ناظر به آن اقدامات، نظارت پذیری و سازوکار پاسخگویی وفق اصول ۱۷۳ و ۱۷۴ قانون اساسی نیز وجود ندارد. سوال اصلی مقاله، عبارت از اینکه "جایگاه قانون در تحمیل و تضمین اقتدارات ویژه به مردم، با مطالعه موردی نهاد ساترا چیست؟". روش تحقیق در این مقاله توصیفی - تحلیلی، و مطالعه موردی است.

کلید واژگان: حاکمیت قانون، نظارت پذیری، قانون اساسی، حقوق شهروندی، صدا و سیما.



آزادی‌های مشروع در فضای مجازی؛ مطالعه تطبیقی نظام حقوقی ایران و چین

مهدی مقدسی^۱

احسان مرادزاده^۲

چکیده

فضای مجازی در همه سطوح زندگی فردی و اجتماعی آحاد بشریت نفوذ کرده است و مساله قانون‌گذاری و حدگذاری یکی از مهمترین مسائل در این عرصه می‌باشد. از سوی دیگر علی‌رغم پذیرش آزادی‌های اجتماعی در نظام‌های حقوقی، شاهد تحدید این آزادی‌ها علی‌الخصوص در فضای مجازی هستیم. در این پژوهش در پاسخ به این سوال که آیا تحدید آزادی‌های اجتماعی در فضای مجازی در حقوق ایران و چین، شناسایی شده است و چه مستنداتی دارد، می‌توان گفت که طبق اصول مختلف قانون اساسی مانند اصل ۲۰ قانون اساسی، اصل بر آزادی افراد است، ولی اینگونه نیست که مطلق باشد بلکه با قیودی مانند: «لزوم رعایت موازین اسلام»، «مخل مبانی اسلام و حقوق عمومی نبودن»، «مخالف اسلام و حقوق عمومی نبودن» ناظر به اصولی مانند اصل ۴۰، تحدید آزادی‌های اجتماعی به خصوص در فضای مجازی را می‌توان برداشت نمود. هم‌چنین در نظام‌های حقوقی دنیا مانند چین این حدگذاری در فضای مجازی وجود دارد. برای اثبات این فرضیه در این نوشتار از روش توصیفی - تحلیلی بهره گرفته شده است.

واژگان کلیدی: آزادی‌های مشروع، فضای مجازی، تحدید، نظام حقوقی.

۱- استادیار مرکز و گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام
۲- پژوهشگر مرکز و گروه حقوق دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه جامع امام حسین علیه‌السلام

اصول اساسی ایمن سازی هوش مصنوعی در پرتو حقوق بشر منفی حجت حاجی محمدی یزدی^۱ امید میرمحمدی^۲

چکیده

امروزه توسعه پرشتاب فناوری هوش مصنوعی، ابعاد گوناگون حیات بشر را تحت تاثیر قرار داده است. نظام بین المللی حقوق بشر و حقوق بین الملل معاصر نیز به عنوان دو عرصه مهم از زیست اجتماعی و بین المللی انسان امروز، از تحولات هوش مصنوعی مصون نبوده و نیست. اگر قرار است سیستم های هوش مصنوعی آینده در موقعیت های جدید به طور قابل اعتماد ایمن باشند، باید اصول کلی رابه کارگیرند که آنها را راهنمایی می کند تا قویاً تشخیص دهند که کدام پیامدها و رفتارها مضر هستند. چنین اصولی ممکن است نیاز به حمایت از یک سیستم الزام آور مقررات داشته باشند، که نیاز به پذیرش گسترده اصول اساسی دارد. آنها همچنین باید برای اجرای فنی به اندازه کافی مشخص باشند. این مقاله با الهام از قانون، توضیح می دهد که چگونه حقوق بشر منفی می تواند نقش چنین اصولی را ایفا کند و هم به عنوان پایه ای برای یک سیستم نظارتی بین المللی و هم برای ایجاد محدودیت های ایمنی فنی برای سیستم های هوش مصنوعی آینده عمل کند.

واژگان کلیدی: هوش مصنوعی، حقوق بشر منفی، مقرر گذاری، حقوق بین الملل.

۱- دانشجوی دکتری مدیریت رسانه، دانشگاه تهران (نویسنده مسئول): hojatyazdi69@ut.ac.ir

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز

محدودسازی دسترسی به اینترنت در شرایط اضطراری

نادر میرزاده کوهشاهی^۱

محمد صالح مفتاح^۲

چکیده

دسترسی به اینترنت یکی از بزرگترین تحولاتی است که زندگی مردم را در همه ابعاد متحول کرده است و از همین رو حق دسترسی به آن به عنوان یکی از حقوق زیربنایی برای سایر حقوق بشری مطرح شده است. چرا که حفاظت از این حق، می‌تواند به حفظ سایر حقوق نسل اول (آزادی بیان، آزادی رسانه، آزادی تشکل و...) و چه نسل دوم (حق اشتغال، حق تحصیل و...) و چه نسل سوم (حق توسعه، حق برقراری ارتباط و حقوق ارتباطات) منجر شود. اما در شرایط اضطراری ممکن است دولت‌ها دسترسی به برخی از حقوق بشری را محدود و اجرای تعهدات خود را معلق کنند. آیا حق دسترسی به اینترنت می‌تواند محدود شود؟ چه کسی و در چه شرایطی می‌تواند چنین کاری انجام دهد؟ محدودیت‌های حاکم بر تصمیمات مقامات برای محدود کردن اینترنت چیست؟ کدام نهاد می‌تواند حکم به بستن همه دسترسی‌ها یا سرویس‌های اساسی اینترنت دهد؟ این مقاله تلاشی است برای پاسخ به این پرسش‌ها.

کلمات کلیدی: حق دسترسی به اینترنت، شرایط اضطراری، اصل ۷۹ قانون اساسی، حقوق بشر.

۱- استادیار حقوق عمومی دانشگاه تهران
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه تهران

بایسته‌های حقوق بشری هوش مصنوعی مبتنی برکلان داده‌ها در رسانه‌های اجتماعی

محمد رضائی جوزانی^۱

علی ربیع‌زاده^۲

چکیده

زمانی که هوش مصنوعی مبتنی بر داده‌های حجیم مورد استفاده قرار می‌گیرد، ارزش و نظامات هریک از این فناوری‌ها تغییر می‌نماید. ارزش بالقوه نهفته در کلان داده‌ها در رسانه‌های اجتماعی را می‌توان به عنوان دارائی ملی محسوب کرد که لزوم صیانت از آن به طور کامل حس می‌شود. در کنار آن رشد هوش مصنوعی که خود را با کلان داده‌ها تطبیق داده‌اند، زمینه را به عنوان یک تهدید برای مخاطبان رسانه‌های اجتماعی فراهم می‌کند. سوال پژوهش بر چرایی "تأثیر هوش مصنوعی مبتنی فناوری کلان داده‌ها" بر حقوق مخاطبان استوار است و مورد تحلیل و کنکاش قرار گرفته است. روش پژوهش مبتنی بر روش استقرائی از نتایجی که این فناوری بر روی حقوق مرتبط با رسانه‌های اجتماعی قرار داده است می‌باشد. تحلیل و گردآوری پیشینه این پژوهش نیز اغلب مبتنی بر "تحقیقات دکترین حقوقی کشورهای توسعه یافته به عنوان یک چشم انداز برای کشورهای کم برخوردار و نه چندان توسعه یافته از این نوع فناوری" می‌باشد و آورده مقاله حاضر را می‌توان در عدم شفافیت، پیچیدگی سیستم‌های هوش مصنوعی، تبعیض‌های موردی و نقض حقوق داده‌های عمومی و حریم خصوصی به عنوان تهدیدات حقوق مخاطبان خلاصه نمود که براساس این چالش‌ها به پیشنهادات ساختاری و قانونی برای کشور جمهوری اسلامی ایران جهت رسیدن به زیست بوم مطلوب می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها: هوش مصنوعی، حقوق بشری، کلان داده، نظام حقوقی، رسانه‌های اجتماعی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه‌السلام
۲- دکترای حقوق عمومی، قائم مقام اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

پیشگیری وضعی از جرایم مرتبط با رمزدارایی‌ها

سید مهدی نبوی^۱
محمد فرجی‌ها^۲

چکیده

رمزدارایی‌ها گونه جدیدی از دارایی هستند که ماهیت رقومی دارند و با استفاده از فناوری دفتر کل توزیع شده ایجاد می‌شوند. ویژگی‌هایی نظیر نامتمرکز بودن، گمنامی کاربران و فرامرز بودن به همراه ابهام در وضعیت قانونی و نبود آگاهی و مهارت کافی در میان جامعه نسبت به رمزدارایی‌ها، فرصت ارتکاب جرایمی نظیر کلاهبرداری و پولشویی با این پدیده را فراهم کرده است. تحقیق حاضر از نظر هدف کاربردی، از لحاظ روش توصیفی و تحلیلی است و برای گردآوری داده‌ها از منابع کتابخانه‌ای و تجزیه و تحلیل اسناد و مدارک استفاده شده است. نتایج بررسی‌ها نشان می‌دهد که متغیرهایی مانند ابهام در وضعیت قانونی و ماهیت حقوقی، گمنام بودن کاربران، فقدان نظارت بر ارائه دهندگان خدمات و پیچیدگی‌های فنی فرصت‌های مناسبی برای ارتکاب جرم از طریق رمزدارایی‌ها و آماج مناسبی برای بزهکاران بوجود آورده است. یافته‌های بدست آمده در این تحقیق بیانگر آن است که مؤثرترین روش‌های پیشگیری وضعی از جرایم مرتبط با رمزدارایی‌ها مبتنی بر ارتقاء نظارت رسمی، کاهش گمنامی کاربران، و توسعه محافظت‌ها است.

کلیدواژه‌ها: رمزدارایی، زنجیره بلوک، پیشگیری وضعی، پولشویی، جرایم رایانه‌ای.

۱- دانشجوی دکتری حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس (نویسنده مسئول): mahdinabavi@modares.ac.ir
law@gmail.com

۲- دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی دانشگاه تربیت مدرس: farajihay@modares.ac.ir

آسیب‌شناسی حقوقی سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی (۱۴۰۱)

فاطمه محمدخانی^۱

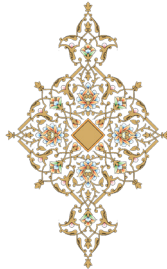
چکیده

فضای مجازی در ایران با دو چالش مهم حقوقی روبرو است اولاً آنکه نهادهای متعدد و متشتت تنظیمگر در این حوزه، بدون توجه به اقتضائات این حوزه اقدام به وضع مقررات می‌کنند. ثانیاً غالب مصوبات این حوزه فاقد کیفیت لازم در تنظیم متن هستند. تجربه بسیار تلخ طرح حمایت از کاربران در فضای مجازی (۱۴۰۰) نشان می‌دهد وقتی متن طرح‌ها بدون رعایت الزامات قانون نویسی و وضع مقررات و عمدتاً بدون جمع‌سپاری و با رویکرد محرمانه تنظیم می‌شود قابلیت توجیه ندارد، هرچند هدف آن تامین منافع و مصالح کاربران باشد. این ایراد بنحو واضحی به مصوبه راهبردی اخیر شورای عالی فضای مجازی نیز بر می‌گردد. مصوبه شورای عالی فضای مجازی کشور در خصوص «سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی - اهداف و اقدامات کلان» طی نامه شماره ۱۰۳۵۵۴ در تاریخ ۱۴۰۱/۶/۸ توسط دبیر شورای عالی فضای مجازی ابلاغ شد. این مصوبه در ۳۹ بند تنظیم شده و با چالش‌های بنیادی حقوقی از جمله عدم امکان تصویب الزامات در قالب شوراها و فرودست شورای عالی و همچنین فقدان درک عدم امکان تفکیک مسائل حقوقی (ردیف ۳ توسط معاونت حقوقی ریاست جمهوری) و قضایی (ردیف ۴ توسط قوه قضاییه) و انتظامی (ردیف ۵ توسط نیروی انتظامی) از هم مواجه است. جالب آنکه از

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق دانشگاه الزهرا

یک سو ردیف ۳ و ۴ با یکدیگر کاملاً در هم تنیده‌اند ولی دو نهاد بدون هیچگونه همکاری با یکدیگر طراح آن شده‌اند و در ردیف پنجم که کاملاً بحث حقوقی تخلفات مطرح است هیچ مرجع دارای اشراف و اطلاع حقوقی، لحاظ نشده است. در این مقاله با روش توصیفی تحلیلی به آسیب‌شناسی حقوقی سند راهبردی جمهوری اسلامی ایران در فضای مجازی پرداخته شده است.

کلیدواژگان: فضای مجازی، معاونت حقوقی ریاست جمهوری، قوه قضائیه، شورای عالی فضای.





فصل چہارم:
حقوق دولتی

بررسی انتقادی واگذاری حق استفاده از اراضی ملی و دولتی به مؤسسات خیریه و عام المنفعه

ابوالفضل درویشوند^۱
سجاد شهباز قهفرخی^۲

چکیده

قانون گذار در تبصره ۵ ماده ۶۹ قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت به هیئت وزیران اجازه واگذاری حق استفاده از اراضی و املاک ملی، دولتی و منابع طبیعی را به مؤسسات خیریه و عام المنفعه داده است. ابهام و خلأ در اعلام شرایط واگذاری نظیر میزان اراضی و مدت استفاده از آن، عدم وجود تعریف حقوقی از مؤسسات خیریه و عام المنفعه، عدم تعیین رابطه حقوقی چنین مؤسساتی با نهادهای حاکمیتی، چگونگی نظارت دستگاه‌های ناظر بر مؤسسات مزبور در خصوص اراضی واگذار شده، تکلیف یا اختیار هیئت وزیران در تمدید واگذاری‌ها، امکان رجوع هیئت وزیران از واگذاری، عدم تعیین تکلیف نسبت به ابنیه و مستحدثات در فرض استرداد اراضی به دولت از جمله چالش‌های حقوقی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته‌اند. مؤلفان تلاش نموده‌اند با بررسی انتقادی مقررات موجود به ارائه راهکار حقوقی مناسب با استفاده از ظرفیت‌های قانونی و یا اثبات وجود خلأ قانونی پرداخته و پیشنهادهای حقوقی را به قانون گذار ارائه دهند.

واژگان کلیدی: واگذاری حق استفاده، اراضی دولتی، اراضی ملی، موسسه خیریه، موسسه عام المنفعه.

۱- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس؛ a.darvishvand@modares.ac.ir
۲- استادیار دانشکده علوم انسانی دانشگاه شهرکرد (نویسنده مسئول)؛ sajjadshahbaz@sku.ac.ir

امکان سنجی استفاده از سازوکارهای حقوقی برای الزام به شفافیت در مدیریت شهری

علیرضا مظاهری^۱

چکیده

شهرداری‌ها و شوراهای اسلامی شهرنهادهای مهمی در مدیریت امور عمومی محسوب می‌شوند و عملکرد آنها نقش مستقیمی بر زندگی مردم دارد. فساد و ناکارآمدی در مدیریت شهری از عوامل ایجاد اختلال در زندگی مردم و نارضایتی عمومی به شمار می‌رود و به همین دلیل شفافیت می‌تواند یکی از مهمترین عوامل جلوگیری از ناکارآمدی و افزایش کیفیت زندگی مردم باشد. به موجب قوانین و مقررات مختلف از جمله قانون انتشار و دسترسی آزاد به اطلاعات و قانون ارتقای نظام سلامت اداری و مبارزه با فساد، این دو نهاد وظیفه دارند زمینه دسترسی شهروندان به اطلاعات موجود در سازمان خود را فراهم آورند ولی به دلایل مختلف این قوانین اجرایی نمی‌شود و این عدم شفافیت علاوه بر جلوگیری از ایجاد حکومتی مردم‌سالار، مانع بزرگی در تبدیل نقش مردم به شهروندی فعال است و به افزایش ناکارآمدی و فساد اداری می‌انجامد. این که آیا شهروندان می‌توانند با استفاده از سازوکارهای موجود در نظام حقوقی ایران، مجموعه مدیریت شهری را ملزم به در دسترس قرار دادن اطلاعات برای همه شهروندان کنند، سوال کلیدی این پژوهش است. در این راستا ضمن بیان مصادیق شفافیت در مدیریت شهری، قوانین و مقررات موجود در این حوزه تحلیل و تبیین می‌شود و با روش تحلیلی-توصیفی به سوال اصلی و فروعات آن پاسخ داده و در پایان پیشنهادهایی به سیستم حقوقی ایران ارائه خواهد شد.

کلیدواژه‌ها: مدیریت شهری، شفافیت، شهرداری، شورای شهر، دسترسی به اطلاعات، فساد اداری.

آسیب شناسی عملکرد سازمان بازرسی کل کشور در نظارت بر حسن اجرای قوانین در قوه قضائیه

محمد علی رامتین^۱
سید محمد مهدی غمامی^۲

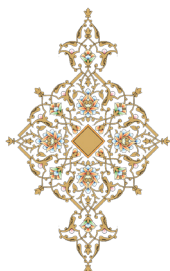
چکیده

قوانین هر جامعه با هدف اثربخشی و کارآمدی وضع می‌شوند. برای نیل به این هدف مهم، طی دو مرحله ضروری است؛ قانون‌گذاری توسط قوه مقننه و اجرای احسن و کارآمد قانون توسط قوه مجریه. لکن تصویب قوانین و حتی اجرا شدن آنها به معنی اجرای صحیح و کارآمدی حتمی آنها نیست؛ لذا علاوه بر نهاد وضع قانون و نهاد اجرای قانون، وجود نهادی جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین و جلوگیری از تخلفات احتمالی لازم می‌آید. بر این اساس نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، سه نهاد حاکمیتی را در چرخه قانون‌گذاری خود پیش بینی و در قانون اساسی به آنها اشاره کرده است؛ قانون اساسی ذیل فصول ششم و نهم، قوه مقننه و قوه مجریه را به ترتیب مسئول تقنین و اجرای قانون دانسته است؛ همچنین جهت نظارت بر حسن اجرای قوانین، ذیل بند سوم اصل ۱۵۶ و اصل ۱۷۴، سازمانی با عنوان «سازمان بازرسی کل کشور» را ذیل قوه قضائیه مسئول پرداختن به این مهم دانسته است. با این وجود، سازمان بازرسی کل کشور در انجام وظایف خود به نحو احسن توفیقی نداشته و عملکرد آن در رصد و اقدام مقتضی نسبت به قوه قضائیه و دستگاه‌های ذی‌ربط با نقاط ضعفی مواجه بوده است. این نتیجه را اولاً می‌توان از وضعیت موجود اجرا شدن قوانین موضوعه در قوه قضائیه و نهاد‌های مرتبط استنباط کرد و ثانیاً با مذاقه در نحوه اجرا شدن قوانین و همچنین تخلفات ناشی از

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد پیوسته رشته معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام
۲- دانشیار دانشکده معارف اسلامی و حقوق دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ ghamamy@isu.ac.ir

نادیده انگاشتن قوانین در دستگاه های ذی ربط قابل درک است. نگارندگان مقاله حاضر در تلاشند با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی به بررسی این موضوع و یافتن علل موثر در این ناکارآمدی پرداخته و در نهایت با ارائه راهکارهایی به راه حل این نقاط ضعف دست یابند.

کلیدواژه‌ها: آسیب شناسی، سازمان بازرسی کل کشور، قانون اساسی، قوه قضائیه، نظارت بر حسن اجرای قوانین.



جایگاه، ساختار و صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری در سنجه حقوق بنیادین شهروندی

حسین آئینه‌نگینی^۱

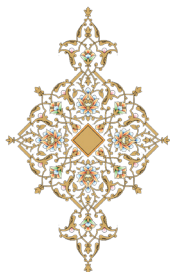
چکیده

رشد و ارتقای جایگاه مردم در نظام‌های حقوقی سبب شده است تا شناسایی و تضمین حقوق شهروندی به یکی از مهمترین معیارها و استانداردهای پایش قوانین و مقررات و سنجش مطلوبیت تأسیسی و کارکردی نهادها و دستگاه‌ها مبدل گردد. نظر به مبانی تأسیس و جایگاه رفیع دیوان عدالت اداری در تضمین حقوق شهروندی در ایران در این مقاله جایگاه، ساختار و صلاحیت‌های این نهاد مبتنی بر حقوق شهروندی مورد سنجش و ارزیابی قرار گرفت. بررسی‌های انجام شده نشان داد که علی‌رغم جایگاه ارزنده این نهاد در حراست از حقوق شهروندی و مقابله با نقض این حقوق، لیکن از منظر جایگاه قراردادادن این نهاد در ذیل شخص اول کشور زمینه ارتقای استقلال این نهاد و در نتیجه تضمین حداکثری حقوق شهروندی را فراهم می‌آورد. در بعد ساختاری نیز تشکیل دادستانی دیوان عدالت به منظور نظارت فعال بر مقررات دولتی و عمومی و نیز ایجاد شعب دیوان در استان‌ها و در صورت لزوم در شهرستان‌ها زمینه تحقق اصل در دسترس بودن دادگاه را فراهم می‌نماید. علاوه بر این در بعد ساختاری با حذف برخی ارکان و اصلاح برخی فرایندها می‌توان از اطاله بی‌مورد رسیدگی‌ها که به جد ناقض حقوق شهروندی است ممانعت نمود. در بعد صلاحیتی نیز باتوجه به اینکه طرح دعوا در دیوان به عنوان نهاد حامی مردم

۱- استادیار دانشکده حقوق دانشگاه تربیت مدرس، تهران

در برابر اشخاص و نهادهای واجد قدرت عمومی یکی از مهمترین شیوه‌های حراست از حقوق شهروندی در اندیشه قانونگذار اساسی بوده است، افزودن بر استثنائات صلاحیتی این مرجع قضایی از طریق تصویب قوانین عادی، مقررات دولتی و نیز رویه قضایی آنگونه که در نظام کنونی حاکم بر این نهاد مرسوم شده است، به صراحت ناقض حقوق شهروندی افراد محسوب می‌شود.

کلیدواژگان: حقوق شهروندی، ساختار دیوان عدالت اداری، جایگاه دیوان عدالت اداری، صلاحیت‌های دیوان عدالت اداری.



امکان سنجی ارجاع دعاوی مربوط به اموال دولتی به داوری

امین قاسمیپور^۱

چکیده

داوری به عنوان نهادی غیرقضایی نقش مهمی در حل و فصل سریع اختلافات ایفا کرده و این نقش در پی اقبال روزافزون اشخاص به این نهاد، به طور پیوسته پررنگ‌تر می‌گردد. از سوی، به حکم اصل ۱۳۹ قانون اساسی ارجاع دعاوی راجع به اموال دولتی به داوری موکول به تصویب هیأت وزیران و اطلاع مجلس است و چنانچه طرف دعوا خارجی یا موضوع به تشخیص قانون، مهم باشد، تصویب مجلس نیز ضروری است. بر این اساس در وضعیت فعلی، به رغم مزایای تمسک به داوری، مضیقه‌های زیادی در ارجاع این‌گونه دعاوی به داوری احساس می‌گردد. نگارنده در این مقاله کوشیده است با مطالعه آثار گذشته و به روش کتابخانه و تحلیلی، ضمن ارائه تفسیری جدید و منعطف از اصل مذکور، تا حدی راه را برای ارجاع دعاوی راجع به اموال دولتی به داوری هموارتر و از میزان آراء صادره مبنی بر بطلان قرارداد داوری یا بطلان رأی داوری در این خصوص بکااهد.

کلمات کلیدی: داوری، دعاوی دولتی، اموال دولتی، اصل ۱۳۹.

۱- دانشجوی دوره دکتری حقوق خصوصی دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران، پژوهشگر معاونت حقوقی رئیس جمهور

ماهیت حقوقی بیانیه گام دوم انقلاب و جایگاه آن در هرم هنجاری جمهوری اسلامی

محمد حسین نادری^۱

حمیدرضا گرامی پور^۲

چکیده

در نقد و بررسی یک متن به مثابه یک سند حقوقی معتبر خصوصاً از منظر حقوق عمومی، پیش از هرچیز لازم است تا به دو سوال اساسی و بنیادین پیرامون متن پیش رو پاسخ داده شود. اول آنکه ببینیم ماهیت آن متن چیست و در پی یافتن هویت آن باشیم. به عبارت دیگر باید دید سند مزبور در هرم قانونی و حقوقی نظامی که در آن تدوین شده چه جایگاهی دارد؟ آیا شأن قانون لازم الاجرا دارد یا از اعتبار امر ارشادی برخوردار است؟ یا آنکه جنبه سیاست‌گذاری و هنجاری مافوق قانونی را داراست؟ سوال دوم آنکه مضامین متن مورد بررسی تا چه اندازه منقح بوده و مندرجات آن از اعتبار کافی برخوردار است؟ در واقع آیا اصول قانون نویسی صحیح در متن رعایت شده است؟ اما آنچه این نوشتار عهده‌دار آن است پاسخ به سوال اول و تبیین جایگاه حقوقی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در نظام قانون‌گذاری و هرم هنجاری کشور با استفاده از روش تحلیل مضمون است و نتیجه می‌گیرد که «بیانیه گام دوم انقلاب»، به مثابه یک منشور حکومتی واجد ارزش حقوقی و شرعی بوده و نیز باتوجه به قرارگرفتن این بیانیه در جایگاه اصولی از سلسله هنجارهای حقوقی جمهوری اسلامی، لازم‌الرعایه و لازم‌الاتباع بودن این بیانیه روشن می‌گردد.

کلیدواژه‌ها: بیانیه گام دوم انقلاب، ماهیت حقوقی، هرم هنجاری، نظام قانون‌گذاری، نقد متن حقوقی.

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام (نویسنده مسئول):
mh.nadery@isu.ac.ir

۲- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

آسیب شناسی هیأت عالی تجدید نظر وزارتین با تأکید بر حق دسترسی شهروندان به مراجع قضایی

فاطمه افشاری^۱

مینا اکبری^۲

چکیده

شورای عالی انقلاب فرهنگی در جلسه ۶۳۰ خروج تصمیمات صادره از هیئت‌ها و کمیته‌های تخصصی وزارتین علوم، تحقیقات و فناوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سایر مراکز آموزشی و پژوهشی در امور و شئون علمی، آموزشی و پژوهشی از شمول صلاحیت دیوان عدالت اداری و سایر مراجع قضایی را تصویب نمود و رسیدگی به آن‌ها را در صلاحیت هیئت عالی وزارتین علوم و بهداشت قرار داد. در این زمینه نکات ذیل قابل تأمل است:

نخست، این مصوبه خروج موضوعی از صلاحیت‌های شورای عالی انقلاب فرهنگی داشته؛ زیرا تحدید صلاحیت مراجع قضایی، از مصادیق شئون آموزشی و پژوهشی خارج است. همچنین مصوبه، خلاف اصول ۳۴، ۱۵۹ و ۱۷۳ قانون اساسی است. بر اساس این اصول، دادخواهی حق افراد است و هرکسی می‌تواند به مراجع قضایی مراجعه کند؛ اما مصوبه حق مراجعه مردم به دادگاه‌ها را محدود نموده است.

دوم، به لحاظ اصول حقوقی ایجاد مراجع شبه قضایی باید به موجب قانون باشد و نمی‌توان با مصوبه اقدام به ایجاد این مراجع نمود. نتیجه اینکه مصوبه ۶۳۰ صلاحیت ایجاد مرجع شبه قضایی را نداشته است؛ اما به ناچار در خصوص ماهیت این هیئت باید گفت، نظر به ساختار هیئت و صلاحیت‌هایی که به آن واگذار شده، یک مرجع شبه قضایی است که صلاحیت تشخیصی نیز دارد. حتی

۱- عضو هیأت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه
۲- عضو هیأت علمی پژوهشگاه قوه قضائیه

با این نتیجه، لزوم نظارت قضایی بر این مرجع بر اساس نظرات شورای نگهبان و اصول قانون اساسی مسلم است. سوم، به دلیل ابهامات موجود در خصوص شأن این مصوبه، شعب دیوان عدالت اداری رویکرد متفاوتی داشته‌اند. برخی از شعب با استناد به مصوبه قرار عدم صلاحیت در رسیدگی به آراء هیئت‌ها را صادر نموده‌اند و برخی شعب با این استدلال که قضات به موجب اصل ۱۷۰ قانون اساسی مکلف به عدم اجرای مصوبات خلاف قانون هستند، مصوبه ۶۳۰ را نپذیرفته و خود را صالح به رسیدگی دانسته‌اند. علاوه بر این، برخی معتقدند با تصویب ماده ۶۴ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری در سال ۱۳۹۲، این مصوبه با توجه به قواعد ناسخ و منسوخ، نسخ شده است. به منظور برون‌رفت از مسئله پیش آمده و جلوگیری از تضییع حقوق شهروندان، به نظر می‌رسد که کم‌هزینه و سریع‌ترین راه حل، صدور رأی وحدت رویه از سوی هیئت عمومی دیوان عدالت اداری است.

واژگان کلیدی: شورای عالی انقلاب فرهنگی، هیئت عالی تجدیدنظر وزارتین، دیوان عدالت اداری، نظارت قضایی، صلاحیت.



بررسی تطبیقی مسئولیت مدیران از منظر قاعده انتظار مشروع در حقوق ایران و فرانسه

مصطفی هراتی^۱

سمیرا هراتی قوی^۲

چکیده

مدیران باید در اقدامات خود تمام جوانب امر را در نظر بگیرند باید به نحوی باشد که منافع عمومی جامعه تأمین گردد. در حقیقت در یک جامعه مدنی، عموم افراد بخشی از آزادی خود صرف نظر می نمایند و آن را به مقام حاکم بر جامعه واگذار می کنند تا نظم عمومی در جامعه شکل بگیرد و همگان یک زندگی مسالمت آمیزی را داشته باشند. در نقطه مقابل، مقامات دارای آزادی عمل مطلق در اتخاذ تصمیمات خود نمی باشند باید یک نگاه جامع و کلی پیرامون موضوعات داشته باشند. حال اگر چنانچه اقدامی موجبات ورود ضرر را فراهم آورد باید جبران خسارت صورت گیرد. در این راستا منابع فقهی خود می تواند مبنایی برای این مهم باشد اما قاعده انتظار مشروع اساس این موضوع را تشکیل می دهد. هرچند که قاعده مذکور در حال حاضر به عنوان یک اصل پذیرفته نشده است و صرفاً در قالب یک دکترین باقیمانده است و قابلیت اعمال در حقوق ایران را ندارد اما امروز در حقوق فرانسه بر اساس قاعده انتظار مشروع دادگاه های اداری حکم به جبران خسارت می دهند. در این پژوهش با روش توصیفی و تحلیلی بر آن هستیم تا خلأهای حقوق ایران را مورد شناسایی قرار دهیم و موجبات شناختن مسئولیت مدیران از منظر قاعده انتظار مشروع را فراهم آوریم.

واژگان کلیدی: مسئولیت، مقامات عمومی، خسارت، انصاف، قاعده انتظار مشروع.

۱- دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه مونپلیه فرانسه
۲- دانش آموخته دکتری حقوق خصوصی دانشگاه علوم تحقیقات

آسیب‌شناسی سیاست جنایی تقنینی ایران پیرامون واگذاری اراضی عمومی

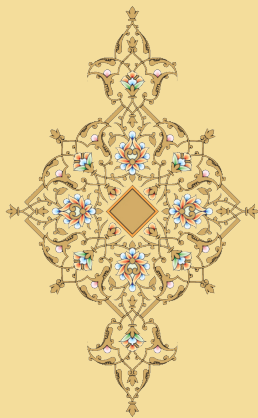
محمد هادی توکل پور^۱

چکیده

نوع و نحوه‌ی واگذاری اراضی عمومی توسط قانون‌گذار، گاه خود سبب وقوع تصرف غیر مجاز یا به ناحق این ثروت‌های عمومی می‌شود. لذا لازم است در سیاست جنایی تقنینی با بررسی وضعیت موجود و نیز علل و عوامل وقوع این تصرفات، سیاست‌هایی را تدوین کرد که از گستره‌ی این رفتارهای نابه‌هنجار بکاهد. در این نوشتار با رویکرد توصیفی-تحلیلی و از طریق بررسی قوانین و مقررات مربوطه و همچنین مطالعات کتابخانه‌ای به بررسی مبانی مربوط به تصرف اراضی عمومی و سنجش عملکرد قانون‌گذار ایران در این خصوص پرداخته شده است. بررسی‌های انجام شده حاکی از فقدان سیاست‌های جامع، هدفمند، منسجم و اثربخش توسط قانون‌گذار در این حوزه است. با توجه به گستره‌ی وسیع اختیار قانون‌گذار در واگذاری اراضی عمومی و آشفتگی قوانین در این خصوص، وجود سیاست‌های کلی نظام در حوزه اراضی و تأکید آن بر لزوم تقنین در چارچوب آمایش سرزمینی می‌تواند از میزان تصرفات غیرمجاز اراضی عمومی بکاهد.

واژگان کلیدی: سیاست جنایی تقنینی، اراضی عمومی، تصرف غیر قانونی، واگذاری اراضی، زمین‌خواری.

۱- استادیار حقوق جزا و جرم‌شناسی، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده حقوق قضایی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری، تهران، ایران؛ tavakolpour@ujss.ac.ir





فصل پنجم:
حقوق توسعه و پیشرفت

ضرورت و سازوکارهای توجه به حقوق عامه در وضع قانون برنامه هفتم

غلامعباس ترکی^۱

حسین فاریاب^۲

چکیده

وفق بند ۲ اصل ۱۵۶ قانون اساسی، قوه قضاییه وظیفه احیای حقوق عامه و گسترش عدالت و آزادی‌های مشروع را برعهده دارد. براین اساس و با توجه تکلیفی که روسای فعلی و سابق این قوه در حکم انتخابشان به آن متعهد شده‌اند و نظر به سند تحول قضایی به عنوان یک چرخش تحول آفرین، لازم است مسیر مشخص، جدی، موثر و قابل ادراک عمومی برای مردم در خصوص حقوق عامه و آزادی‌های مشروع اتخاذ شود. احقاق و احیا حقوق عامه یکی از آرمان‌های بزرگ انقلاب اسلامی است که بدون همکاری سایر قوا و نیز مشارکت عمومی امکان پذیر نیست. یکی از مسیرهای تحقق این هدف، که با همکاری سایر قوا تامین می‌گردد، قانون برنامه است بنحوی که بجای کلیاتی که در قوانین برنامه توسعه همواره تکرار شده و یا ناظر به عملکردهای سازمانی است، در دو سطح حقوق عامه مورد توجه قرار گیرد:

الف. روح حاکم بر قانون توسعه، ارتقاء زیرساخت‌های حقوقی مناسب و اهتمام به حقوق عامه و آزادی‌های مشروع باشد.

ب. ماده‌ای بطور خاص و شفاف، برای ایفا، تضمین و استیفای حقوق عامه لحاظ گردد تا هیچ اقدام و تصمیمی منجر به تضییع حقوق عامه نشده (پیشگیرانه) یا بدون جبران و رسیدگی باقی نماند. روش تحقیق در این مقاله توصیفی-تحلیلی است و سوال اصلی این مقاله ناظر به ضرورت و سازوکارهای توجه به حقوق عامه در وضع قانون برنامه است.

کلیدواژگان: حقوق عامه، قانون توسعه، اصل ۱۵۶، نهاد دادستانی.

۱- معاون احیای حقوق عامه دادستانی کل کشور
۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی

قواعد مردمی سازی دولت در نظام تقنینی

مهدی حاجی ملا علی کنی^۱

محمد حمید شهریور^۲

چکیده

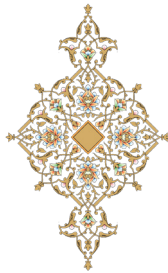
مردمی سازی دولت به معنای توجه ویژه بر مشارکت آگاهانه مردم در تمشیت امور است کما اینکه اصل ششم قانون اساسی، بر اتکای امور بر آرا مردم تاکید داشته و اصل ۵۶ قانون اساسی نیز بنیاد حاکمیت ایران را تعیین سرنوشت توسط مردم معرفی کرده است. مردمی سازی دولت روح حاکم در قانون اساسی و فصول مختلف آن است که باید در عمل نیز محقق گردد، هر چند در برخی دولت‌ها قوانینی با اهتمام ویژه به دغدغه‌های مردم همانند هدفمند کردن یارانه‌ها و مسکن مهر و... پیشنهاد و تصویب شده‌اند ولی الگویی از وضع قوانین وجود ندارد که مسائل و نیازهای اصلی مردم ملاک قرار گیرد. دولت سیزدهم، در ابتدای استقرار سندی تحت عنوان سند تحول دولت مردمی ارائه داد که در آن ملاک مردمی سازی، چهار محور مشتمل بر عدالت خواهی، جوان محوری، اقتصاد دانش بنیان و خانواده محوری معرفی شده است. این چهار محور در عمل و البته به غیر از نمونه‌هایی همانند قانون تسهیل صدور مجوزهای کسب و کار (۱۴۰۱)، به علت فقدان یک زیرساخت هدایت کننده، کمتر وارد نظام تقنینی پیشنهادی دولت سیزدهم شده است. بنابراین سوال این مقاله پرسش در باب احصای قواعد مردمی سازی دولت در نظام تقنینی است. پاسخ به این سوال اجمالا بر سه محور اصلی بنیان نهاده شده است: (۱) مشارکت دادن مردم در امر قانون گذاری و مقررات گذاری از طریق جمع سپاری وفق سیاست‌های کلی نظام قانون گذاری، (۲) جلوگیری از وضع قواعد نظارت ناپذیر و یا خارج از

۱- دبیر مجمع حقوقدانان انقلاب اسلامی

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام، معاون اجرایی اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام (نویسنده مسئول): mhshahrivar78@gmail.com

اصول قانون نویسی از جمله منع طبقه‌بندی و محرمانه ساختن مقررات عمومی، تبعیض آمیز و موجد امتیازات خاص برای برخی افراد، (۳) مبنا قراردادن اصول مردمی‌سازی در پیشنهاد لایحه برنامه هفتم توسعه. روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی است.

کلیدواژگان: مردمی‌سازی، قانون‌گذاری، قانون برنامه هفتم، مشارکت مردم.



ارزیابی برنامه‌های توسعه در پرتو اصل ۲۹ قانون اساسی (با تاکید بر برنامه هفتم)

محمد مهدی حسینمردی^۱

زینب عصمتی^۲

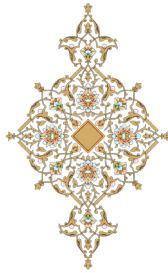
چکیده

قانون اساسی در راس هرم سلسله مراتب قوانین نقش اثرگذاری را در تبیین و تحکیم جایگاه سیاست‌های توسعه یک دولت ایفاء می‌نماید از اینرو که قابلیت‌های ارزشی و راهبردی ملحوظ در نظام حقوق اساسی و به پشتوانه آن قانون اساسی می‌تواند نقشه راهی برای پیمایش و ارزشیابی از پارامترهای اجرایی برنامه‌های توسعه باشد. تجربه چهار دهه حکمرانی جمهوری اسلامی ایران و دستاوردهای برقراری نظام قانون اساسی و نیز تنظیم و اجرای شش برنامه توسعه از یکسو و هم‌اینک در آستانه تدوین هفتمین برنامه مبین آن است که سهم آحاد ملت را نمی‌توان در منظومه اقتصاد رفاهی و مرتفع ساختن نیازهای اساسی و حقه آنها به عنوان شهروندانی ذی حق براساس سیاق اصل ۲۹ قانون اساسی در زوایای سیاست‌های ابلاغی نادیده گرفت. این پژوهش برنامه‌های توسعه را جزو ابزارهای تحلیلی خود قرار داده تا آنجا که توانسته از نقش توزینی قوانین عادی در کیفیت سنجی از تعهد به وسیله توسط دستگاه‌های اجرایی استفاده کند. نوشتار حاضر در پی آن بوده تا در چارچوب تدوین برنامه توسعه آینده، نیم‌نگاهی به جایگاه و پایگاه بخش تامین اجتماعی همگانی موضوع اصل ۲۹ داشته باشد و آنرا در یک رویکرد تاب‌آورانه و توانمندساز بررسی نماید. از اینرو با استعانت از روش کتابخانه‌ای، منابع و داده‌هایی را گردآورده و در یافته‌های پایانی خود بدین نکته متمرکز شده است که در اولویت‌های برنامه هفتم توسعه و سیاست‌گزارهایی کلان

۱- استادیار، دکتری حقوق بین‌الملل، دانشگاه پیام نور، تهران (نویسنده مسئول): phd_mardi@pnu.ac.ir
۲- استادیار، دکتری حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج، تهران: Esmati.tehranbar@yahoo.com

آن، قابلیت‌های بخش تامین اجتماعی برای واقعی‌سازی بیشتر و متنوع نمودن خدمات دولت رفاه الکترونیک به نحو یکپارچه و جامع ترجیح پیدامی‌کند.

واژگان کلیدی: برنامه توسعه، قانون اساسی، اصل ۲۹، سیاست‌گذاری، رفاه اجتماعی.



تحلیل و ارائه راهکار در خصوص حق‌های مغفول مندرج در اصل چهارم و سوم قانون اساسی

محمد برزگر خسروی^۱

چکیده

بر اساس بند ۱۵ سیاست‌های کلی نظام قانون‌گذاری ابلاغی ۱۳۹۸/۷/۶ مقام معظم رهبری، یکی از محورهای تعیین اولویت‌های قانون‌گذاری کشور، اصول اجراننده قانون اساسی است. در شرایط فعلی کشور، اقتصاد یکی از مهمترین اولویت‌های کشور است. در نتیجه لازم است اصول اقتصادی قانون اساسی از این حیث مورد ارزیابی قرار گیرند. علاوه بر ذیل بند ۱۲ اصل ۳، صدر اصل ۴۳ و ذیل اصل ۴۴ قانون اساسی، اهداف نظام اقتصادی را بیان کرده‌اند. اصل چهارم و سوم قانون اساسی در ۹ بند، ضوابط نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران را بیان کرده است که آنها عناصر اساسی اقتصاد صحیح و عادلانه هستند. نظر به الزام حقوقی و ضرورت تحقق این ضوابط، سوال اساسی این است که کدام یک از آنها مغفول مانده و نیاز به ارایه راهکار جهت تحقق است. همچنین لازم است به این ضوابط به عنوان یک مجموعه واحد نگریست تا منظومه ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران به عنوان یک بسته منسجم، مورد ارزیابی از حیث میزان تحقق قرار گیرد. در این مقاله با روش تحلیلی - انتقادی، اسناد بالادستی و قوانین و مقررات جاری کشور از حیث تحقق ضوابط مصرح در اصل ۴۳ قانون اساسی مورد واکاوی قرار می‌گیرد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد به دلیل عدم نگاه یکپارچه و منسجم به مجموعه ضوابط اقتصاد جمهوری اسلامی ایران مصرح در اصل ۴۳ قانون اساسی، برخی از این ضوابط در مقاطعی مغفول باقی مانده است و اجرای یک ضابطه موجب غفلت از ضابطه دیگری شده است.

واژگان کلیدی: اصل چهارم و سوم قانون اساسی، اصول اجراننده قانون اساسی، اصول اقتصادی.

۱- استادیار مرکز پژوهش‌های مجلس - دفتر مطالعات حقوقی

مطالعه تطبیقی الزامات حقوقی تأسیس مراکز (کلینیک‌های) حقوقی دانشگاهی

مهدی سرایلو^۱

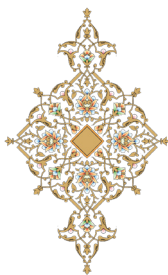
چکیده

امروزه دانشکده‌های حقوق به همان معضل جدایی صنعت از دانشگاه‌ها در زمینه‌های فنی و مهندسی دچار شده چنانکه دانشجویان و فارغ‌التحصیلان حقوق با حضور در محاکم و یا مطالعه متن قراردادهای رایج و یا در مواجهه با ساختارها و مقررات اداری، با اختلاف و گسستی جدی میان دانسته‌های نظری و رویه‌ها و واقعیات نظام حقوقی مواجه می‌شوند. از دگرسو، فهم قوانین متعدد و حل مسائل جاری حقوقی برای عموم مردم با پیچیدگی‌هایی مواجه است که در حقیقت حق دسترسی برابر و عادلانه به عدالت را تحت الشعاع خود قرار داده است. یکی از راه‌های حل این معضل در نظام‌های حقوقی دنیا ایجاد کلینیک (مراکز) دانشگاهی برای آموزش حقوق به دانشجویان و ارائه خدمات حقوقی در قالب‌های تعیین شده به شهروندان است. سؤال اصلی این پژوهش الزامات حقوقی تأسیس این کلینیک‌ها (مراکز) دانشگاهی برای آموزش کاربردی حقوق است لذاست که انتقال دانشگاه‌های ارائه‌دهنده آموزش رشته حقوق به دانشگاه‌های نسل سوم یا کارآفرین که آموزش مهارت محور (کلینیکی) ارائه می‌کنند، ضروری می‌نماید. کلینیک‌های حقوقی (Law Clinic) نهاد واسطی هم برای آموزش مهارت محور (کلینیکی) حقوق به دانشجویان و انتقال مشکلات و مسائل به عرصه نظری دانشگاه‌هاست و هم نهاد تسهیل‌گر دسترسی عموم مردم به عدالت و حل مشکلات حقوقی ایشان با

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران؛ m.sarayloo@ut.ac.ir

استفاده از خدمات رایگان یا ارزان ارائه شده در این کلینیک‌های حقوقی است؛ چه اینکه امروزه دسترسی به خدمات تخصصی حقوقی با مشکلات اقتصادی آمیخته و دسترسی به عدالت را برای عموم افراد جامعه در سطوح مختلف اقتصادی محدود کرده است.

واژگان کلیدی: کلینیک حقوقی، آموزش کاربردی حقوق، مهارت حقوقی، دسترسی به عدالت، خدمات حقوقی.



تأخیر در تدوین و تصویب قانون برنامه؛ مصداق تضییع حقوق عامه

علیرضا عقیلی بهنام^۱

چکیده

زمان حکومت قانون برنامه پنج‌ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۴. ۱۳۹۰) تا ابتدای سال ۱۳۹۵ بود ولی با پایان حکومت این قانون، قانون برنامه ششم تصویب نشده بود. «قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۶. ۱۴۰۰) نیز با یک سال فاصله از قانون برنامه پنجم با ۱۳ ماه تأخیر لازم الاجرا شد. این قانون نیز تا پایان ۱۴۰۰ حاکم بود و هم اکنون و با پایان سال ۱۴۰۱، کشور فاقد برنامه است و این در حالی که باید یک سال از قانون برنامه هفتم نیز می‌گذشت. اینکه اداره یک کشور نیازمند برنامه ریزی و داشتن سیاست‌های مشخص مبتنی بر اصول قانون اساسی و البته مطابق با نیازهای روز آن کشور است، امری واضح و روشن است. اما از منظری دیگر نیز میتوان به این مسئله نگاه کرد و آن مسئله حقوق عامه است؛ بدین معنا که اگر کشور در عرصه های گوناگون دارای برنامه نباشد، نمی تواند به اهداف مدنظر قانون اساسی دست پیدا کند و این در حالیست که یکی از اهداف مهم قانون اساسی حقوق عامه است. در نتیجه میتوان گفت هر ساعت تأخیر در تصویب و اجرای برنامه هفتم توسعه در کشور، مصداقی از تضییع حقوق عامه و ترک فعل تقنین در زمان مقرر می باشد.

کلیدواژگان: قانون توسعه، حقوق عامه، ترک فعل.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام



فصل ششم:
حقوق محیط زیست

چالش‌های حقوق محیط زیست و هوای پاک

صادق مرادی^۱

منیژه امینی^۲

حمیدرضا کسرائیان^۳

چکیده

آلودگی هوا که با کشف آتش شروع و با جوامع انسانی گسترش پیدا کرد و از زمان انقلاب صنعتی به تدریج به صورت یک معضل جوامع می‌باشد، هم‌چنان به عنوان یک عامل عمده زیان‌آور برای سلامت و حیات انسان و تمام اجزای سازنده محیط زیست شناخته شده است. این در حالی است که مبارزه با آلودگی هوا حداقل به صورت موردی از صدها سال قبل و به صورت قانون‌گذاری داخلی، در بعضی از کشورها از قرن نوزدهم و در اکثر کشورها از نیمه قرن بیستم شروع شده است. در نیمه دوم قرن بیستم و با انتشار نتایج تحقیقات پیرامون پیامدهای آلودگی هوا بر انسان و محیط زیست، کشورها به این نتیجه رسیدند که مبارزه با این معضل فقط از طریق همکاری بین‌المللی اتفاق می‌افتد. گام مهم بعدی در این زمینه، پیدایش مفهوم «حق بر محیط زیست» به عنوان یک حق بشری شناخته می‌شود. اگرچه قانون هوای پاک حاوی نوآوری و نقاط قوت فراوان می‌باشد، اما متأسفانه این قانون دارای نقاط ضعف و ایرادهایی نیز شامل می‌شود که عدم رفع آن‌ها، اجرای صحیح این قانون را دشوار و موفقیت آن را ناممکن خواهد کرد. در پژوهش پیش رو با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و نقد و بررسی محتوای کیفی قوانین و مقررات ناظر بر حقوق محیط زیست نویسندگان

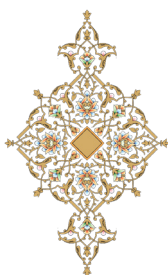
۱- پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول): Moradi.email@yahoo.com

۲- کارشناسی جغرافیای طبیعی دانشگاه آزاد اسلامی، لارستان، ایران: hrmcki@gmail.com

۳- دانشجوی حقوق موسسه آموزش عالی آپادانا شیراز: kasraeian3888@gmail.com

این مقال مترصد بررسی این موضوع چالش های حقوق محیط زیست و هوای پاک هستند و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که اقدام‌های کشورها برای مبارزه با آلودگی هوا که سابقه بعضی از آن‌ها به قرن‌ها قبل باز می‌گردد و حداقل از اواسط قرن بیستم شدت و گسترش یافته، هنوز به نتیجه مطلوب نرسیده و هنوز در بسیاری از شهرهای جهان میزان آلودگی هوا از استانداردهای تعریف شده جهانی فراتر می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: حقوق محیط زیست، قانون هوای پاک، آلودگی هوا، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا، منابع آلاینده.



تحلیل اقتصادی مجازات‌های جرائم زیست محیطی

سعید ذوقی^۱

چکیده

استفاده از تحلیل اقتصادی برای بررسی کارآمدی مفاهیم و نهادهای کیفی و جزایی با استفاده از زبان علم اقتصاد چندین دهه قدمت دارد. گویا و قابل مقایسه بودن نتایج حاصله، فرصت مناسبی را پیش روی تصمیم‌گیران قرار می‌دهد. استفاده از این تکنیک برای بررسی میزان اثربخشی مجازات‌های پیش‌بینی شده برای جرائم علیه محیط زیست می‌تواند پاسخ مناسبی به چرایی عدم تحقق اهداف مقنن در حوزه جرایم زیست محیطی باشد. براساس یافته‌های این پژوهش، به روز نبودن میزان مجازات‌ها و همچنین قابل تقویم بودن آن‌ها با توجه به شرایط اقتصادی کشور و تورم موجود از یک سو و ملاحظات دولت برای حمایت از تولید و تولیدکننده از سوی دیگر و به اصطلاح به صرفه بودن ارتکاب این جرائم، از دلایل اصلی عدم موفقیت کشور در پیشگیری از ارتکاب جرائم علیه محیط زیست می‌باشد. ایجاد تناسب منطقی و ریاضی بین جرم و مجازات، استفاده از نهادهای جایگزین مجازات‌های نقدی و تمرکز بر حوزه پیشگیری از راهکارهای پیشنهادی برای این مشکل می‌باشد. روش مورد استفاده در این پژوهش استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و پژوهش‌های میدانی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تحلیل اقتصادی، تولید، جزای نقدی، کارآمدی، محیط زیست، مجازات، هوای پاک.

چالش‌های محیط‌زیستی اینترنت ماهواره‌ای

اصغر احمدی^۱

چکیده

امروزه پیشرفت علم و فناوری به گونه‌ای است که تحولات شگرفی در پرتو آن رخ می‌دهد که از جمله آن‌ها می‌توان به هوش مصنوعی، تارنمای عمیق و رمز ارزها اشاره کرد. یکی دیگر از مصادیق نوظهور پیشرفت دانش، اینترنت ماهواره‌ای است که بنا دارد خدمات جدید و ارزنده‌ای را به جامعه جهانی عرضه دارد. در کنار مزایای قابل دفاع این تکنولوژی، ممکن است خطرات و تهدیدهایی نیز برای کشورها به وجود آید و از همین رو برخی از کشورها در شرایط کنونی موضعی محافظه‌کارانه در برابر آن دارند. یکی از چالش‌های اینترنت ماهواره‌ای، به وجود آوردن حجم وسیعی از پسماندهای فضایی در آینده‌ای نه چندان دور است. با توجه به این که وجود پسماندهای مزبور، چالش‌های محیط‌زیستی مهمی چون آلودگی فضایی و پیامدهای نامناسبی برای کره زمین به همراه خواهد داشت که سبب نقض حقوق محیط‌زیست به عنوان نسل سوم حقوق بشر خواهد شد، این پرسش پیش کشیده می‌شود که حقوق بین‌الملل به طور عام و حقوق بین‌الملل محیط‌زیست به طور خاص چه ابزاری برای پیش‌گیری از آسیب به محیط‌زیست در پرتو فعالیت اینترنت ماهواره‌ای در دست دارد. از سوی دیگری می‌توان نظام‌های حقوقی داخلی مانند ایالات متحده آمریکا را مورد واکاوی قرار داد تا بتوان به این پرسش پاسخ داد که چه ساز و کاری را برای پیش‌گیری از تولید پسماندهای فضایی بر شرکت‌های تولید کننده تجهیزات اینترنت ماهواره‌ای پیش‌بینی کرده‌اند.

واژگان کلیدی: اینترنت ماهواره‌ای، پسماندهای فضایی، حقوق بین‌الملل محیط‌زیست.

۱- کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی

ابعاد حقوق بشری تأثیر تحریم‌ها در آلودگی هوا و مسئولیت مدنی ناشی از آن

علی آقاجانی^۱

امیرراضی^۲

چکیده

در سال‌های اخیر، تحریم‌های یک جانبه و ظالمانه دولت ایالات متحده آمریکا بیشترین تأثیر را در آلودگی هوای شهرهای ایران داشته‌اند. مواردی از قبیل عدم امکان تامین مالی طرح‌های کاهش آلودگی، عدم تامین تجهیزات و قطعات و عدم امکان ارتقای کیفی پالایشگاه‌ها، مهمترین اثرات تحریم‌ها در ایجاد آلودگی هوا می‌باشند. در این زمینه علاوه بر مسئولیت مدنی تحریم‌کنندگان در ایجاد آلودگی هوای شهرهای ایران، بحث مذکور از جهت موازین حقوق بشر نیز قابل بررسی و تدقیق می‌باشد. به نظر می‌رسد در فرایند اثرگذاری تحریم‌ها در آلودگی هوا، ارکان مسئولیت مدنی از جمله فعل زیان بار و وارد آمدن ضرر، وجود داشته و با توجه به اثرات ذکر شده تحریم‌ها در ایجاد آلودگی، رکن سوم مسئولیت مدنی یعنی رابطه سببیت هم محرز می‌باشد. علاوه بر احراز مسئولیت مدنی تحریم‌کنندگان، رفتار آنان در این زمینه نیز خلاف اصول و مولفه‌های حقوق بشر بوده و در تغایر با مسئولیت نسل‌های حاضر نسبت به نسل آینده جهت حفظ حقوق بشر است.

کلیدواژگان: تحریم، آلودگی هوا، مسئولیت مدنی، حقوق بشر.

۱- دانشجوی دکتری حقوق خصوصی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)
۲- دانشجوی کارشناسی حقوق دانشگاه آزاد دماوند

ارزیابی و نقد و بررسی قوانین و مقررات موضوع حقوق محیط زیست و هوای پاک

صادق مرادی^۱

شقایق شفیعی^۲

زهرا مهدوی نیا^۳

چکیده

طبیعت حفظ حقوق محیط زیست مسئله حساس برای تمامی جوامع محسوب می‌شود؛ به همین خاطر هر کشور جهت رسیدگی به حفاظت از محیط زیست ارگان یا مجموعه‌ای را برگزیده است. محیط زیست از آن رو بسیار حائز اهمیت است که بشر همواره در طول تاریخ روابط متقابلی با آن داشته و به همین خاطر نمی‌شود نگاهی گذرا به طبیعت داشت زیرا به دنبال توسعه‌ی کشورها به دلیل رابطه مستقیمی که با طبیعت دارند محیط زیست بیشتر در معرض آسیب قرار می‌گیرد و عواملی چون آلودگی آب، هوا و خاک، تخریب جنگل‌ها و مراتع، منقرض شدن حیوانات و کمبود آب شیرین و خشک شدن دریاها را به دنبال خود دارد و بشر همواره در تلاش است که با اقدامات نوین خود در حفظ حقوق محیط زیست اقداماتی را انجام دهد. با توجه به اقداماتی که در زمینه حفظ محیط زیست صورت می‌گیرد مشکلات زیست محیطی روند فرایندهای را طی می‌کند و ممکن است خسارت جبران ناپذیری را به دنبال داشته باشد. نویسندگان پژوهش پیش رو با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و نقد و بررسی قوانین و مقررات موضوع حقوق محیط زیست و ارزیابی نحوه نیل به حفظ حقوق محیط زیست و هوای پاک و کاهش آلودگی‌های زیست محیطی در کشور ایران پرداخته و در نهایت این نتیجه را رهنمون ساخته‌اند.

کلیدواژه‌ها: بحران‌های محیط زیستی، حقوق محیط زیست، پسماندها، آلودگی، تخریب.

۱- پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)

۲- دانشجوی حقوق، موسسه آموزش عالی آبادانا شیراز

۳- دانشجوی حقوق، موسسه آموزش عالی آبادانا شیراز

حق بر محیط زیست سالم به عنوان حق بشری در قوانین ایران و اسناد بین المللی

شادی احسانی^۱

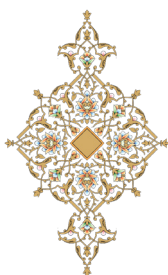
چکیده

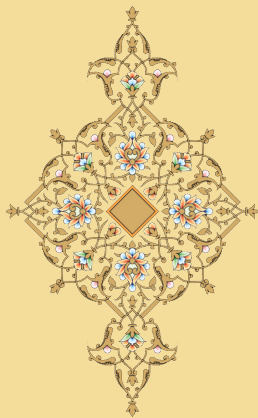
حقوق محیط زیست که از حقوق نسل سوم حقوق بشر است جزء حقوقی است که به اصطلاح حقوق نرم نام دارد زیرا این حقوق هنوز به صورت مدون مورد تایید دولت‌ها در سراسر دنیا قرار نگرفته است و به صورت عرفی نیز فقط در کشورهای معدودی به رسمیت شناخته شده است و فرهنگ حفاظت از محیط زیست در بسیاری از کشورها از جمله ایران مقبول عموم جامعه قرار نگرفته است و در راستای آن باید بسیار تلاش نمود، از آن جایی که حقوق محیط زیست جزو حقوق نسل سوم حقوق بشر است و این حقوق تضمین کننده و درعین حال می‌تواند نقض کننده حقوق دو نسل پیشین باشد و حقوق بنیادینی مثل حق حیات و حق بر غذا می‌توانند در معرض نابودی قرار گیرند، زمانی که شهروندان به این نتیجه برسند که محیط زیست حقوق انتزاعی نیست و مصادیقی از آن همچون هوای پاک می‌تواند بسیار ملموس و زندگی روزمره آن‌ها را به خطر بیندازد بیشتر به اندیشه حفاظت از محیط زیست و حق بر محیط زیست سالم به عنوان حق بشری نزدیک می‌شوند. حق بر محیط زیست جزو حقوقی است که در مواقعی به حمایت دولت و در مواقعی به عدم دخالت دولت نیاز دارد، این بدان معنی است که حقوق محیط زیست مانند سایر حقوق نسل سوم نیاز به اقدامات سلبی و ایجابی دولت دارد، از مهم‌ترین محوریت‌های حمایت‌های

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد دانشگاه حضرت معصومه قم

دول که همواره در اسناد بین المللی هم مورد تاکید بوده ابتدا آگاهی بخشی به مردم نسبت به محیط زیست و ایجاد نهادهایی جهت حفاظت از محیط زیست و بعد ایجاد ضمانت اجرایی جهت تنبیه خاطیان نسبت به محیط زیست برای الزام آور شدن این دسته از حقوق باید باشد. در این پژوهش سعی بر آن است که علاوه بر تبیین حقوق محیط زیست سالم با تاکید بر مصادیق آن بانگهی تطبیقی در اسناد و رویه های بین المللی به نقش دولت در راستای حفاظت از این حق پردازیم.

کلیدواژه ها: حق بر محیط زیست، حقوق بشر، حقوق همبستگی، قانون اساسی، اسناد بین المللی.







فصل هفتم:
حقوق بشر

نقد آیین نامه اجرایی شماره ۱۵۲/۲۰۲۳ مورخ ۲۳ ژانویه ۲۰۲۳ اتحادیه اروپا مبنی بر تحریم ستاد امر به معروف و نهی از منکر و دبیر آن

جعفر صادق منش^۱

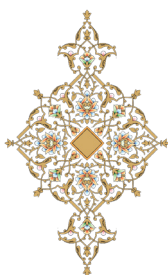
چکیده

شورای اتحادیه اروپا، به عنوان مهمترین رکن این اتحادیه، آیین نامه اجرایی پیشنهادی کمیسیون این اتحادیه و نماینده عالی اتحادیه را در خصوص اعمال محدودیت در خصوص چند نهاد و شخص ایرانی، در ۲۳ ژانویه تصویب و در ماده دو مقرر کرد که از روز انتشار در روزنامه رسمی اتحادیه، به طور کامل در همه دولت های عضو لازم الاجراست. در این سند، علاوه بر چندین شخص و نهاد دیگر، دبیر ستاد امر به معروف و نهی از منکر به عنوان شخص حقیقی و ستاد امر به معروف و نهی از منکر به عنوان نهاد ایرانی آماج تحریم واقع شده است. در این یادداشت توصیفی-تحلیل، صرفا در مورد ستاد امر به معروف و نهی از منکر، به عنوان مشتئی نمونه خروار، در پی پاسخ این پرسش هستیم که آیا این تحریم دارای مبنای حقوقی موجهی هست؟ چنانچه ضرر و زیانی از این تحریم متوجه ستاد یا دبیر آن یا ملت ایران بشود چه سازو کاری برای جبران آن وجود دارد؟ افزون بر تعرض غیر مستقیم این سند به یکی از حقوق عامه مردم ایران به بهانه حمایت از این مردم و قابلیت مطالبه جبران خسارتهای ناشی از این تصمیم اتحادیه اروپا به دلیل نقض برخی اسناد بین المللی و اروپایی حقوق بشر، با توجه به خطاهای فاحش در صدر تا ذیل آن، در خصوص سمت اجرایی و عملکرد آقای

۱- دکترای حقوق جزا و جرم شناسی و عضو اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام

هاشمی گلپایگانی، ماهیت حقوقی ستاد، وظایف قانونی و عملکرد ستاد در دو سال گذشته و شباهت زیاد ادبیات مندرج در آن سند با ادبیات جریان رسانه‌ای معاندان و براندازان، به نظر می‌رسد صفر تا صد نگارش این سند به دست عوامل سازمان‌های یاد شده به ویژه تروریست‌های مجاهدین خلق سپرده شده که نماینده آن در روزهای منتهی به تصویب این سند در مقرر اتحادیه اروپا حضور داشته است. البته این تصمیم نمی‌تواند بی‌ارتباط با پیروی اروپا از سیاست‌های رژیم ایالات متحده آمریکا علیه ایران باشد. سند یاد شده با اغلاطی فاحش توسط نهادی به تصویب رسیده که داعیه تسلط بر حقوق و تصمیم‌گیری درباره سرنوشت سایر ملت‌ها هم دارد.

واژگان کلیدی: ستاد امر به معروف و نهی از منکر، اتحادیه اروپا، تحریم، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق عامه.



«ضرورت، بایسته‌ها و الگوی مطلوب تأسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در جمهوری اسلامی ایران»

حامد عالی^۱

خیراله پروین^۲

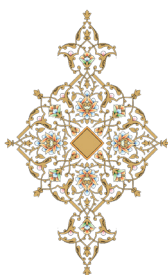
چکیده

تأسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با عنایت به لزوم اجرا و صیانت از حقوق ملت مندرج در فصل سوم قانون اساسی و پذیرش (تعهد سیاسی نسبت به) توصیه‌های متعدد بسیاری از کشورها در نشست‌های دوره‌ای UPR، امری لازم و مطلوب تلقی می‌گردد تا نهاد مزبور، علاوه بر ارائه مشورت و توصیه‌های مستمر به دولت و ضمن تلاش در جهت ترویج و حمایت از حقوق و آزادی‌های مشروع ملت، روایات غیرواقعی قصدگرایانه از وقایع داخلی را خنثی نموده و تعامل فعالانه با سازمان ملل متحد و سایر مجامع بین‌المللی را در دستورکار خود قرار دهد. مقاله حاضر در پی پاسخگویی بدین پرسش است که «ضرورت، بایسته‌ها و الگوی مطلوب تأسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در جمهوری اسلامی ایران کدام است؟» این نوشتار در قدم نخست، تحلیلی نسبت به ضرورت تأسیس نهاد مستقل ملی از حیث جنبه‌های داخلی و بین‌المللی ارائه می‌دهد و در گام بعد، با امعان نظر نسبت به ملاحظات نظام حقوقی داخلی و اصول اعلامیه پاریس (۱۹۹۱)، بایسته‌هایی از جمله «لزوم قانونگذاری جهت تأسیس»، «لزوم نسبت‌سنجی، تبیین ارتباط و شیوه همکاری نهاد ملی با نهادهای فعلی مرتبط»، «ترکیب غیردولتی مستقل، متکثر و متخصص اعضای نهاد ملی»، «اعلام ماهیت حقوقی نهاد ملی»، «ذکر وظایف و اختیارات نهاد ملی»، «تعیین ضمانت اجرای استنکاف اشخاص و

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه تهران
۲- استاد دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران

نهادها از همکاری با نهاد ملی»، «احصاء موضوعات لازم جهت درج در آیین نامه اجرایی قانون تأسیس نهاد ملی» ارائه می نماید سپس در گام آخر بار د امکان شناسایی نهادهای نظارتی (فعلی) عهده دار حفظ حقوق مردم به عنوان نهاد ملی، با تشریح ملاحظات موجود در لایحه ایجاد نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی (۱۴۰۰)، اقدام به ارائه الگوی مطلوبی جهت تأسیس این نهاد می نماید.

واژگان کلیدی: نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی، حقوق و آزادی های مشروع ملت، اصول اعلامیه پاریس، نظام حقوقی ایران، الگوی مطلوب.



حق بر «مسکن مناسب» در حقوق بشر اسلامی

محمد رضا باقرزاده^۱

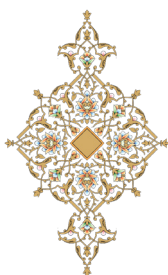
چکیده

بر اساس اصل سی و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است و بر اساس ماده ۲۰ قانون جهش تولید مسکن، وزارت راه و شهرسازی مکلف شده است در تهیه دستورالعمل طراحی و ساخت طرح (پروژه) های مسکن حمایتی، تحقق هویت و فرهنگ و سبک زندگی غنی اسلامی - ایرانی را صیانت کند. بر این اساس در این نوشتار، مولفه های مسکن مناسب در اسلام مورد بررسی قرار گرفته است. در اسناد بین المللی، مولفه های مسکن مناسب، عبارتند از برخورداری از «استاندارد مناسب» که این حق باید در راستای امنیت، صلح و عزت فرد، دارای امنیت عرفی باشد؛ به خدمات اولیه دسترسی داشته باشد؛ محل سکونت و آرامش باشد؛ زیست پذیر بوده؛ قیمت مناسب داشته باشد؛ قابلیت دسترسی راحت و آسان داشته باشد؛ کفایت فرهنگی داشته باشد؛ مورد حمایت قانونی باشد؛ محروم ترین گروه ها در اولویت قرار گیرند؛ در مناطق امن و به دور از اماکن نظامی، انتشار گازهای گلخانه ای یا آلودگی - های خطرناک باشد؛ در نزدیکی پیوندهای حمل و نقل و فرصت های شغلی باشد؛ با احترام به حقوق فرهنگی همراه باشد؛ «سلامتی» را تامین کند؛ «رفاه» را تامین کند؛ مصون از مداخله خودسرانه یا غیرقانونی باشد؛ فارغ از تبعیض بر پایه نژاد، رنگ یا ریشه ملی یا قومی باشد و مبتنی بر برابری کامل باشد. در اسلام نیز علی رغم

۱- عضو هیات علمی موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره): bagherzadehfirst@yahoo.com

پذیرش فی الجمله موارد فوق، مولفه‌های مسکن مناسب، فراتر از مولفه‌های مادی و دنیوی بوده و مسکن باید با واقعیت‌های حیات بشری مطابقت تام و کامل داشته باشد. مناسبت با نگرش جهان‌شناختی اسلامی، زیست متعالی و فراجسمانی بشر، نگرش شهرسازی اسلامی، رویکرد زیبایی شناسی معقول، ملاحظات زیست محیطی، حق سلامت در ابعاد مادی و فرامادی، حق امنیت در ابعاد مادی و فرهنگی، امکان نیکوکاری و تعاون اجتماعی، حق رفاه و تفریح، حق اشتغال فراگیر و حفظ حریم خصوصی متناسب با آموزه‌های شریعت اسلامی، مهم‌ترین مولفه‌های مسکن متناسب با نیاز در حقوق بشر اسلامی است.

واژگان کلیدی: حق بر مسکن، مسکن متناسب با نیاز، حقوق بشر، حقوق بشر اسلامی.



نظام‌شناسایی و وضع و میانیت از حقوق و آزادی‌های مشروع

صادق مرادی^۱

حمیدرضا کسرائیان^۲

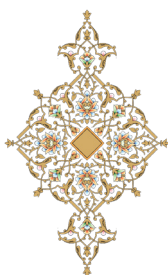
چکیده

در عصر حاضر و در پرتو تحولات و اندیشه‌های حقوق بشری؛ نقش و جایگاه قوه قضائیه و کارکردهای این نهاد دچار تغییر و تحول اساسی گشته تا پاسخگوی نیازهای جدید و اجتناب ناپذیر جامعه از سویی و تأمین اقتضائات تحول بنیادین آن از سویی دیگر باشد. براین اساس قوه قضائیه به دنبال روش و ابزارهایی می‌باشد تا توجه به مقتضیات امر قضاء و ضرورت پایه‌ریزی نظامی کارآمد، بتواند بینش و ساختار اجرایی این دستگاه رامبتنی بر نیازهای روز متحول و سامندهی نموده مردم این تحول ساختاری را احساس نمایند و آرامش خاطر عمومی در جهت احقاق حقوق و آزادی‌ها صورت پذیرد. هر چند که برای تحول در سیستم قضایی الگوی خاصی را از پیش تعیین کرد، تاریخ و عملکرد گذشته و همچنین شرایط و اوضاع قضایی باید با توجه به آن‌ها صورت پذیرد. از طرف دیگر باید توجه داشت که برای رسیدن به یک سیستم قضایی مطلوب و به عوامل مهمی چون کاهش تصدی‌گری حکومت در حوزه قضاء افزایش مشارکت مردم، توجه به حقوق و آزادی‌های عمومی، عدم محدودیت‌های غیر ضرور، اصلاح سیستم اداری و توجه می‌شود. به دلیل نقشی که قوه قضائیه در تأمین و تضمین آزادی‌های مشروع و احقاق حقوق عامه که در قانون اساسی دارد، قوه قضائیه اصیل است که آزادی‌های مشروع افراد جامعه را با بی‌طرفی کامل تأمین

۱- پژوهشگر دکتری حقوق عمومی دانشگاه شیراز (نویسنده مسئول)؛ Moradi.email@yahoo.com
۲- دانشجوی حقوق، موسسه آموزش عالی آیدانا شیراز؛ kasraeian3888@gmail.com

و تضمین می‌نماید. در پژوهش پیش رو و با بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و نقد و بررسی محتوای کیفی قوانین و مقررات ناظر بر حقوق محیط زیست نویسندگان این مقاله مترصد بررسی این موضوع چالش‌های حقوق محیط زیست و هوای پاک هستند و در نهایت به این نتیجه می‌رسیم که اعلامیه حقوق بشر، اصول اخلاقی و هنجاری می‌باشد و در هر زمان و مکان در مفهوم جهانی خود قابل اجرا به حساب می‌آید.

کلیدواژه: آزادی مشروع، قوه قضائیه، آزادی، حقوق شهروندی، اعلامیه جهانی حقوق بشر.



تاریخچه و سیر تحولات نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در ایران

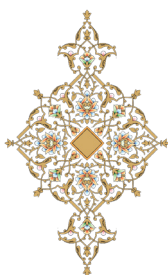
علی ربیع زاده^۱
سید علی سالاری^۲

پس از تأسیس کمیساریای عالی حقوق بشر در ۱۹۹۳ و البته مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ در سازمان ملل، ایده‌های جدید پیرامون کنشگری در عرصه حقوق بشر و شهروندی رسمیت یافت و ایده نهاد ملی با هدف تقویت رویکرد نهادگرایانه جهت حمایت از حقوق بشر و شهروندی بر اساس قطعنامه مصوب ۱۹۹۳ مجمع عمومی سازمان ملل (اصول پاریس) نهادینه گردید. درج.ا. ایران مجموعه‌ای از ساختارها و نهادهای حقوقی و قضایی در این راستا فعالیت داشته و در ادوار تاریخی مختلف اقدامات متعددی در راستای تقویت ایده مذکور صورت گرفته است: اقدامات کمیسیون اصل ۹۰ مجلس شورای اسلامی، سازمان بازرسی کل کشور و دادستانی کل کشور، تأسیس مجموعه‌ای از نهادها همچون ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر (۱۳۷۲) و بازطراحی آن (۱۳۹۴)، کمیسیون حقوق بشر اسلامی (۱۳۷۳) و بازطراحی آن (۱۳۷۸)، هیئت نظارت بر اجرای قانون اساسی (۱۳۷۶)، ستاد حقوق بشر (۱۳۸۰) و بازطراحی آن (۱۳۸۴) و تعدادی لوایح قانونی که تا کنون به سرانجام نرسیده‌اند همچون لایحه نهاد ملی حقوق بشر معاونت حقوقی ریاست جمهوری (۱۳۸۶) و لایحه نهایی نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی کمیسیون لوایح هیئت دولت (۱۴۰۰-۱۳۹۶) از جمله مهم‌ترین مصادیق این امر است. در این مقاله با هدف

۱- قائم مقام اندیشکده حقوق بشر و شهروندی دانشگاه امام صادق علیه السلام، دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام
۲- دانشجوی کارشناسی فقه و حقوق دانشگاه شهید مطهری (ره)

بررسی توصیفی و تحلیلی پیشینه اقدامات و تحولات صورت گرفته در ارتباط با نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی در ایران می‌توان چنین جمع‌بندی و فرضیه را بیان نمود که درج.ا. ایران به دنبال رویکردها و جریان‌های مختلفی که برکنشگران حقوق بشری حاکم بوده و هست، ایده تأسیس نهاد ملی حقوق بشر و شهروندی نیز به تبعیت از جریان‌ها، فراز و فرودهای متفاوتی را پشت سر گذاشته و برخی از چالش‌های حقوقی، قضایی، اجرایی و حتی سیاسی مرتبط با تأسیس و عملکرد نهاد مذکور از همین منظر قابل تحلیل است.

کلیدواژه: حقوق بشر، حقوق شهروندی، نهاد ملی حقوق بشر، جمهوری اسلامی ایران.



بازخوانی مکتب حقوق طبیعی و بررسی نسبت اعلامیه جهانی حقوق بشر با آن

علی انصاری بایگی^۱

چکیده

حقوق طبیعی مکتبی است که خاستگاه حقوق و قوانین را در نهان اعمال و ذات آن‌ها جستجو می‌کند. مکاتب دیگر همچون مکتب تاریخی حقوق، مکتب اجتماعی و نیز مکتب دولتی (حقوق موضوعه یا قراردادی) منشأ هر حق را در رسوبات تاریخی، اقتضانات اجتماعی یا اراده دولت‌ها جستجو می‌کنند ولی حقوق طبیعی، اصول اعمال نیک و ناشایست را در ذات آن‌ها جستجو می‌کند. در نگاه بیشتر باورمندان به حقوق طبیعی نیکی و زشتی اصول رفتارهای انسانی پایدار، مطلق، جهان‌شمول و فرازمانی هستند. اگرچه تفاوت قرائت‌های آنان به ویژه گروسیوس، جهت‌گیری حقوق طبیعی را تغییر داد ولی اساس این مکتب در جهان معاصر در اعلامیه جهانی حقوق بشر نیز تبلور و تجلی یافت. از روش‌های بررسی نسبت اعلامیه جهانی با مکتب حقوق طبیعی، رجوع به شواهد درون‌متنی اعلامیه و نیز قرینه‌های بیرونی آن است. پژوهش حاضر با تمرکز بر تفسیر و تحلیل واژگان اعلامیه جهانی، به بررسی شواهدی درونی از مقدمه و مواد اعلامیه و نیز قرینه‌هایی بیرونی مربوط به آن پرداخته تا نسبت میان اعلامیه با حقوق طبیعی را اثبات کند. اگرچه در این زمینه نگاه‌های گاه غیرمستقل و گاه مستقل یافت می‌شود؛ لکن می‌توان وجه امتیاز نوشتار حاضر را بررسی واژگان اعلامیه و محوریت قرائن درون‌متنی و برون‌متنی آن دانست.

واژگان کلیدی: اعلامیه جهانی حقوق بشر، حقوق بشر، حقوق طبیعی، قانون طبیعی، حقوق موضوعه.

۱- دانشجوی دکتری فلسفه و کلام اسلامی، دانشگاه تهران

توهین به مقدسات و سازوکار حقوق بشری

مسلم ملکی^۱

چکیده

از مسائل قابل توجه و مهم در عرصه توهین به مقدسات، تحقیر و یا انتقادهای شدید علیه ادیان، حرکت‌هایی است که علیه اسلام و پیامبر اکرم (ص) در سال‌های اخیر شکل گرفته است و نیز عکس‌العملی که مسلمانان و یا علمای دینی و یا دولت‌های اسلامی در قبال آن داشته‌اند توهین به مقدسات و حمایت از اشخاص و حقوق آنان موضوعی حقوقی بشری است که علاوه بر قوانین و مقررات داخلی کشورها، در اسناد حقوقی بشری ضمن صراحت ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، محدودیت‌های مندرج در ماده ۱۹ و ۱۸ از جمله برای احترام به حقوق یا حیثیت دیگران، حفظ امنیت ملی یا نظم و سلامت و اخلاق عمومی نیز می‌توانند از عناوین قابل استفاده در حقوق بشری نمودن پیشگیری از توهین به مقدسات و ادیان تلقی گردند. سوال اصلی نگارنده این است که در نظام حقوق بشری چه سازوکاری برای توهین به مقدسات وجود دارد؟ پژوهش حاضر با روش تحقیق توصیفی و تحلیلی ضمن بررسی اسناد، مقررات و رویه قضایی مربوطه در عرصه داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی، در صدد تحلیل ساز و کارهای حقوقی بشری برای مقابله با توهین به مقدسات نیز می‌باشد.

واژگان کلیدی: توهین، حقوق بشر، ادیان، مقدسات، گفتار تنفرآمیز.

۱- دکتری حقوق بین‌الملل عمومی، مدرس حوزه و دانشگاه: Moslem_maleki88@yahoo.com

مبانی، جایگاه و آثار قاعده‌ی «حرمت وهن دین» در سپهر حقوق بشر اسلامی

سید محمد میرلوحی^۱

چکیده

جلوگیری از انجام رفتارهایی که موجب وهن دین گردد، یکی از دغدغه‌های فقهای شیعه بوده و هست. بر همین اساس، مشاهده می‌شود که فقها در مواردی، ممنوعیت وهن دین را مستند حرمت برخی اعمال مکلفان قرار داده‌اند. اکنون باید دانست که آیا می‌توان حرمت وهن دین را به صورت یک قاعده‌ی فقهی مطرح ساخت و این شناسایی، چه آثاری در پی خواهد داشت؛ یعنی قلمروی اعمال این قاعده تا کجاست و آیا میتوان در مقام تعارض اجرای برخی احکام الزامی اسلام با وهن دین، با استناد به این قاعده از اجرای برخی احکام شریعت، دست کشید. مقاله‌ی حاضر باروش توصیفی-تحلیلی در پی تبیین جایگاه، مبانی و آثار قاعده‌ی حرمت وهن دین در منظومه‌ی حقوق بشر اسلامی است؛ پس از تبیین مفهوم وهن دین، مبانی و مستندات عقلی و نقلی و جایگاه قاعده‌ی مذکور را بیان می‌کند و در نهایت به این نتیجه رهنون خواهد شد که قانون‌گذاران در جمهوری اسلامی باید عنایت داشته باشند امکان استناد به این قاعده، در حیطه‌ی واجبات و محرمات، تنها با رعایت ضوابط عناوین (احکام) ثانویه، به صورت محدود، موقت، بنا به تشخیص عرف و با حکم حاکم اسلامی، ممکن خواهد بود و در این صورت نیز حکومت اسلامی، موظف به زدودن موانع اجرای شریعت در جامعه است.

واژه‌های کلیدی: وهن دین، قاعده‌ی فقهی، حکومت اسلامی، احکام ثانویه، حقوق بشر اسلامی.

۱- پژوهشگر دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شیراز؛ s.m.mirlouhy@gmail.com

نهاد ملی حقوق بشر؛ چیهستی، چرایی و چگونگی

محمد خلیلی^۱

چکیده

امروزه حقوق بشر و رعایت آن در سطح ملی و بین‌المللی به یکی از دغدغه‌های اصلی جامعه جهانی مبدل گشته است. در سال ۱۹۹۳ میلادی با تصویب اصول اعلامیه پاریس (The Paris Principles) تاسیس نهادهایی در سطح ملی در کشورهای جهان به منظور حفاظت و ارتقاء حقوق بنیادین بشری پیشنهاد شد. این اعلامیه ضمن مقرر کردن صلاحیت‌ها و وظایف کارکردی چنین نهادهایی، صریحا ساختار تشکیلاتی آن را هم مورد توجه قرار داده است. در این پژوهش نگارنده قصد دارد تا استفاده از منابع کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی ضمن بررسی این نهاد بر طبق اصول اعلامیه پاریس به عنوان سند مؤسس نهادهای ملی، به صورت تطبیقی این نهاد را با نهادهای مشابه داخلی مقایسه نموده و میزان مطابقت آن‌ها را با استانداردهای مندرج در اعلامیه پاریس بسنجد. یافته‌های تحقیق حاکی از آن است که اگرچه برخی نهادهای داخلی تا حدودی برخی شباهت‌هایی با نهاد ملی حقوق بشر داشته و بعضا استانداردهای موجود در اعلامیه پاریس را دارند ولی هیچکدام تمامی شاخص‌های موجود را ندارند.

واژگان کلیدی: نهاد ملی حقوق بشر، اعلامیه اصول پاریس، حقوق بشر، ستاد حقوق بشر، کمیسیون حقوق بشر اسلامی.

۱- دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه السلام؛ khalili@isu.ac.ir

بررسی تحلیلی رویکردهای موجود در خصوص تشکیل نهاد ملی حقوق بشر با تأکید بر رویکرد فرصت محور

محمد میثم نداف پور^۱

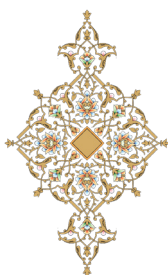
چکیده

یکی از مطالباتی که نظام بین‌المللی حقوق بشر از کشورها دارد، تشکیل نهاد ملی حقوق بشر است تا بتواند رعایت حقوق بشر در کشورها را تضمین کند. جمهوری اسلامی ایران از این قاعده مستثنا نبوده و یکی از توصیه‌های دائمی مراجع بین‌المللی به ایران در مکانیسم‌های مختلف، تشکیل این نهاد در داخل کشور است. در مواجهه با این مطالبه، رویکردهای مختلف و متعارضی در ایران در خصوص عملی کردن این مطالبه و کیفیت آن وجود دارد. حال، مسئله اینجاست که رویکرد صحیح در قبال تشکیل نهاد ملی حقوق بشر در جمهوری اسلامی چیست. در این مقاله تلاش شده است با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسناد معتبر حقوقی و با روش توصیفی تحلیلی، ضمن تبیین ماهیت و مختصات نهاد ملی حقوق بشر و نسبت آن با نظام حقوقی ایران، رویکردهای موجود از جمله نهاد ملی انگاری ستاد حقوق بشر، تشکیل نهاد ملی با ریاست رئیس‌جمهور، تشکیل نهاد ملی منطبق با همه مولفه‌های اعلامیه پاریس مورد ارزیابی قرار گیرد. دستاورد این تحقیق آن است که مبتنی بر اقتضائات بومی ساختارسازی و همچنین اصول و مبانی قانون اساسی جمهوری اسلامی، شکل نهاد ملی نه تنها اختلالی را در نظام حقوقی ایجاد نمی‌کند، بلکه در راستای اصل هشتم

۱- دانشجوی دکتری حقوق عمومی دانشگاه امام صادق علیه‌السلام

قانون اساسی خلأ موجود در قانون اساسی در خصوص نظارت بر اجرای قانون اساسی خصوصاً در خصوص فصل سوم قانون اساسی (حقوق ملت) را پر می‌کند و می‌توان به جای رویکرد تهدیدمحورانه و رویکرد هضم‌شدگی در نظام بین‌المللی حقوق بشر، با نگاهی فرصت‌محور از نهادهای موجود مردمی البته با اصلاحاتی در قوانین و مقررات آن به عنوان نهاد ملی استفاده کرد و تشکیل آن را فرصتی برای ارتقای حقوق بشر و شهروندی و آزادی‌های مشروع در کشور دانست.

واژگان کلیدی: نهاد ملی حقوق بشر، نهادسازی داخلی حقوق بشر، اعلامیه پاریس، نظام بین‌المللی حقوق بشر.



ضمانت اجرای حراست از حقوق افراد دارای معلولیت در پرتو نظارت سیاسی و ارائه الگوی مطلوب

مسعود حسن آبادی^۱

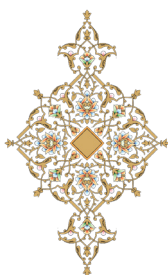
چکیده

بی‌شک، قوانین و مقرراتی که در هر جامعه وضع می‌گردند زمانی مؤثر و مفید خواهند بود که دارای ضمانت اجرا بوده و نتیجه عدم اجرای آن نیز مشخص گردد و ثانیاً سازوکار لازم برای نظارت بر آنها نیز مشخص شده و نهاد ناظر، شیوه نظارت، حدود صلاحیت مقام ناظر و... نیز تعیین گردد. حقوق افراد دارای معلولیت نیز به عنوان یکی از مهمترین شاخه‌های حقوق بشری در نظام داخلی و بین‌المللی محسوب شده و به عنوان حقوق قشر قابل توجه و البته آسیب‌پذیر جامعه، باید به طور دقیق و کامل اجرا گردد که مستلزم پیش‌بینی ضمانت اجرای قوی و مقدم بر آن اتخاذ سازوکار مناسب جهت نظارت بر اجرای آن می‌باشد. نظارت سیاسی، یکی از مهمترین نظارت‌هایی است که توسط قوه مقننه بر قوه مجریه صورت گرفته و از طریق ابزارهای مختلفی صورت می‌گیرد و با توجه به اینکه اجرای حقوق معلولان نیز به عهده قوه مجریه می‌باشد تبعاً این نظارت، باید راجع به این قوه در خصوص میزان اجرای حقوق این افراد نیز انجام شود. به دنبال شیوه مناسب جهت مطلوب سازی حقوق معلولان در ایران، پژوهش‌ها نشان داد در نظم حقوقی کنونی، نظارت سیاسی مؤثری بر حقوق این قشر از جامعه وجود نداشته و هم به دلیل جایگاه نهاد متولی امور معلولان و هم

۱- دکترای حقوق عمومی، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران؛ m.hasanabady@gmail.com

به دلیل عدم امکان سنجی مناسب و تخصصی در مجلس شورای اسلامی، این نوع نظارت، به طور محکم و مؤثر صورت نمیگیرد. در این نوشته، پس از بررسی نقش کنونی نظارت سیاسی بر حقوق معلولان در ایران، راهکارهای مطلوب سازی این نظارت از جمله، ایجاد کمیسیون تخصصی در مجلس به این منظور، تغییر جایگاه سازمان متولی امور معلولان، امکان سنجی حضور رئیس سازمان متولی امور معلولان در هیئت وزیران و همچنین انجام تغییرات در ساختار کمیسیون اصل نود قانون اساسی به عنوان الگوی مطلوب، مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: نظارت سیاسی، حقوق افراد دارای معلولیت، ضمانت اجرا، سازمان متولی امور معلولان.



حریم خصوصی در عکاسی از منظر حقوق بشر و شهروندی

ساغر بهادرانی باغبادرانی^۱

چکیده

حریم خصوصی مفهومی سیال و عرفی است که از مهم ترین حقوق هر انسانی بوده که در کشورها و در قوانین مختلف تعبیر متفاوتی را برای آن لحاظ کرده اند. این حق از بدیهی ترین حقوق بشری و شهروندی است که نقض آن غیراخلاقی و خلاف قانون بیان شده است. عکاسی یکی از جنبه های روزمره زندگی است. در واقع افراد با زبان تصویر وقایع زندگی خود را ثبت و ضبط می کنند. عکاسان نیز به اقتضای حرفه خود که همان ثبت و ضبط وقایع و تصاویر است، به بازنشر عکس ها و انعکاس اخبار و رویدادها می پردازند. با ظهور شبکه های اجتماعی در جامعه کنونی مفهوم حریم خصوصی دستخوش تغییراتی شده است. انتشار عکس ها توسط مردم و عکاسان در فضای اجتماعی و فیزیکی در برخی موارد باعث نقض حریم خصوصی شده و دعوای متعددی را پدید می آورد. برای حمایت از این حق، شیوه ها و مبانی حمایتی در فرهنگ ها و قوانین کشورها اعمال می شود تا از نقض این حقوق جلوگیری شود. این پژوهش تلاش دارد تا به واکاوی مفهوم حریم خصوصی و چارچوب های حمایتی این حق از منظر حقوق شهروندی بپردازد.

واژگان کلیدی: حریم خصوصی، عکاسی، حقوق شهروندی، حقوق بشر.

۱- کارشناس ارشد حقوق ارتباطات دانشگاه علامه طباطبائی (ره)

